



نشریه اتحادیه انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج کشور  
(هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران)

جمعه ۱۰ بهمن/۱۳۶۵ (۳۰/ژانویه/۱۹۸۷)  
تک شماره معادل نیم دلار (۵۰ ریال)

پیام مسئول  
شورای ملی مقاومت ایران  
به رئیس و سران کشورهای  
شرکت کننده در کنفرانس اسلامی

در صفحه ۲

اطلاعیه دفتر مطبوعاتی  
مجاهدین خلق در پاریس

\* اعتصاب غذای مجدد زندانیان سیاسی "اوین"  
\* بازگشت لاجوری "جلاد تهران" به زندان  
\* تظاهرات ۴۰۰ تن  
از اعضای خانواده‌های زندانیان سیاسی  
در صفحه ۱۲

مصاحبه سیمای مقاومت با برادر مجاهد حسن نظام الملکی  
مسئول بخش ارتش در سازمان مجاهدین خلق ایران

بررسی زمینه‌ها

و دلایل تهاجمات تجاوز کارانه اخیر  
خمینی دجال در جبهه‌های جنگ و چگونگی  
شکست سنگین رژیم همراه با نبوه سرسام آور  
تلفات انسانی و خسارات هنگفت مادی

در صفحه ۴

حقیقت بی اعتباری و انزوای رژیم روزهوال خمینی

\* علیرغم تلاش‌های مذبحانه‌ی رژیم خمینی اجلاس کنفرانس سران کشورهای اسلامی در کویت با بیشترین رقم کشورهای شرکت کننده در تاریخ این کنفرانس تشکیل شد.  
\* قطعنامه‌ی کنفرانس خواستار توقف فوری جنگ ایران و عراق و عقب نشینی به مرزهای شناخته شده‌ی بین المللی گردید ...  
\* دبیرکل ملل متحد طی سخنرانی خود در کنفرانس گفت اتخاذ تدابیر عملی برای توقف جنگ ضروری است.  
\* هیئت رئیسه‌ی شورای عالی اتحاد شوروی با ارسال پیامی به کنفرانس بر لزوم توقف جنگ ایران و عراق و استقرار صلح تأکید کرد.  
\* بسیاری از سران شرکت کننده در کنفرانس اصرار بر ادامه‌ی جنگ را محکوم کردند.  
در صفحه ۲

دیدار نماینده‌ی شورای ملی مقاومت

با نایب رئیس کنفدراسیون اتحادیه‌های آزاد  
کارگری جهان و رئیس کنفدراسیون کارگری کانادا

در ملاقات با پروفیسور مهابادی، خانم شرلی گار از طرف ۱۲ فدراسیون و یکصد بیست شورای محلی کارگری که جمعاً دو میلیون و دویست هزار کارگر در کانادا را نمایندگی می‌کنند، برای مقاومت ایران در مبارزه علیه رژیم دمنش و ضد بشری خمینی آرزوی موفقیت نمود.  
در صفحه ۷

گرامی باد خاطره تابناک مجاهد کبیر احمد رضائی



مصاحبه سیمای مقاومت

با مادر رضائی‌های شهید  
در صفحه ۳۷

سخنرانی برادر مجاهد حسین مهدوی

در گردهمایی

هموطنان ایرانی مقیم اسپانیا

در صفحه ۷

زمان و مکان برگزاری تظاهرات و آکسیون‌های انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج کشور

در ۱۷ شهر بزرگ جهان بمناسبت سالروز عاشورای مجاهدین «حماسه اشرف و موسی»

در فرانسه (پاریس) در ساعت ۱۶ و ۳۰ دقیقه روز شنبه ۱۸ بهمن ماه مراسمی در محل متروی کلنل فابین، خیابان گرانژابل، شماره ۳۳، مزون د سن دیکا برگزار می‌شود. آکسیون‌های وین (اتریش) و بروکسل (بلژیک) نیز در روز دوشنبه ۲۰ بهمن ماه برگزار می‌گردد.  
زمان و مکان شروع و همچنین مسیر تظاهرات و محل آکسیون‌ها به شرح زیر اعلام می‌گردد:

در نشریه اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج کشور شماره ۷۹ به اطلاع رسید که بمناسبت پنجمین سالروز شهادت سمبل جاودان زنان مجاهد خلق اشرف رجوی و سردار شهید خلق مجاهد کبیر موسی خیابانی ۱۸ تن از هم‌زمان قهرمانان، تظاهرات و آکسیون‌های سراسری توسط اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج کشور برگزار خواهد شد. این تظاهرات در روز جمعه ۱۷ بهمن ماه (۶ فوریه) در ۱۴ شهر بزرگ اروپا، آمریکا، آسیا و استرالیا انجام می‌شود.

آکسیون‌ها

| محل آکسیون                       | ساعت شروع | تاریخ           | شهر    | کشور     |
|----------------------------------|-----------|-----------------|--------|----------|
| میدان جلوی شهرداری               | ۱۱        | جمعه ۱۷/ بهمن   | تورنتو | کانادا   |
| میدان مارتین                     | ۱۵        | جمعه ۱۷/ بهمن   | سیدنی  | استرالیا |
| میدان اوبرر و ایزن هاوس          | ۱۱        | جمعه ۱۷/ بهمن   | برن    | سوئیس    |
| مقابل ایستگاه قطار مرکزی پروویلا | ۱۱        | جمعه ۱۷/ بهمن   | اسلو   | نروژ     |
| میدان دولامونه                   | ۱۲        | جمعه ۱۷/ بهمن   | آتن    | یونان    |
| میدان اشتوکایم یزن               | ۱۲        | دوشنبه ۲۰/ بهمن | بروکسل | بلژیک    |
|                                  | ۱۱        | دوشنبه ۲۰/ بهمن | وین    | اتریش    |

تظاهرات

| کشور      | شهر      | تاریخ         | ساعت شروع | نقطه‌ی شروع          | نقطه‌ی پایانی      |
|-----------|----------|---------------|-----------|----------------------|--------------------|
| ۱ انگلیس  | لندن     | جمعه ۱۷/ بهمن | ۱۳        | میدان راسل           | میدان راسل         |
| ۲ آلمان   | بُن      | جمعه ۱۷/ بهمن | ۱۱        | خیابان رومر، زیر بِل | میدان مونستر       |
| ۳ آمریکا  | واشنگتن  | جمعه ۱۷/ بهمن | ۱۱        | فریدریش اربوت        | پارک لافایت        |
| ۴ سوئد    | استکهلم  | جمعه ۱۷/ بهمن | ۱۲        | میدان سرگل           | میدان سرگل         |
| ۵ دانمارک | کپنهاک   | جمعه ۱۷/ بهمن | ۱۲        | میدان شهرداری        | میدان شهرداری      |
| ۶ هلند    | آمستردام | جمعه ۱۷/ بهمن | ۱۲        | میدان دام            | میدان دام          |
| ۷ اسپانیا | مادرید   | جمعه ۱۷/ بهمن | ۱۱        | متروی آنتون مارتین   | میدان پروونسیاس    |
| ۸ ایتالیا | رُم      | جمعه ۱۷/ بهمن | ۱۰        | میدان سنت آپوستولی   | میدان سنت آپوستولی |
| ۹ هند     | دهلی نو  | جمعه ۱۷/ بهمن | ۱۱/۳۰     | میدان رام لیلیا      | میدان آی. سی. ا    |

## پیام مسئول شورای ملی مقاومت ایران به رئیس و سران کشورهای شرکت کننده در کنفرانس اسلامی

رسوایی عالمگیر اخیر اوست. حقیقتی که بخوبی نامشروع بودن این رژیم در تمامیت آنرا بنمایش می گذارد و حاکی از این است که واجد کمترین حق نمایندگی از جانب مردم ایران نیست.

متقابلاً، مقاومت عادلانه مردم ایران که در عین حال پرچمدار جنبش سراسری صلح در داخل و خارج ایران است و برای صلح و آزادی تاکنون متحمل ۵۰,۰۰۰ شهید و ۱۴۰,۰۰۰ زندانی سیاسی از بهترین فرزندان مردم ایران شده، با سرنگونی محتوم رژیم خمینی که حقا ننگ تاریخ اسلام است، تحقق برادری و گسترش صلح و ترقی و آرامش در میان ملل مسلمان را در برنامه و چشم انداز خود دارد. لذا از سوی مقاومت عادلانه مردم ایران درخواست می گنم تا در اجلاس جاری از هیچ اقدامی برای محکوم نمودن جنگ افروزی ها و صدور تروریسم و سرکوبگری این رژیم نامشروع که دجالانه تحت نام مظهر اسلام انجام می شود، فروگذار نشود.

مجدداً با آرزوی موفقیت

مسعود رجوی

مسئول شورای ملی مقاومت ایران

۲۷/دیماه/۱۳۶۵

مردمی استفاده می کند. مقاومتی رو به اعتلاء که برغم سرکوب گسترده و وحشیانه خمینی، با ضربات گوینده و عادلانه خود، این رژیم قرون وسطایی را بی آینده و بی ثبات نموده و محققاً در سراسیمه سقوط افکنده است. شایان ذکر است که رژیم خمینی طی سال های گذشته علاوه بر بیلان عظیمی از خسارات و ضایعات بیشمار از قبیل میلیون ها گشته و مجروح و معلول و آواره و حدود ۵۰۰ میلیارد دلار خسارت برای مردم ایران؛ در زمینه صدور تروریسم و دخالت در امور داخلی کشورهای منطقه نیز از هیچ کاری فروگذار نکرده است. شگفت آور اینکه خمینی، با دجالیت تمام، همه این جنایات و تجاوزات رژیمش را تحت عنوان اسلام توجیه می کند. رژیمی که هیچیک از مواضع و عملگردهایش با سنتها و تعالیم اسلام کوچکترین وجه اشتراکی نداشته و خود نخستین دشمن اسلام و ایران بشمار می رود. بخصوص که امروز گوس رسوایی روابط پنهانی و معاملات تسلیحاتی این رژیم با اسرائیل و آمریکا نیز بصدا درآمده است. عدم شرکت رژیم خمینی در کنفرانس حاضر مبین فرار ذلیلانه او از مواجهه با محکومیت جنگ طلبی و صدور تروریسم و

در آستانه برگزاری کنفرانس سران کشورهای اسلامی، صمیمانه ترین آرزوها را از جانب مقاومت عادلانه مردم ایران برای موفقیت کنفرانس ابراز می دارم. امیدوارم آنچه که انتظار می رود، این اجلاس در راستای صلح منطقه ای و بین المللی و ترقی و همبستگی ملل مسلمان جهان دستاوردهای ارزنده ای داشته باشد.

همانطور که مطلعید رژیم نامشروع و ضدبشری خمینی ۷ سال است که با جنگ و سرکوب وحشیانه، شدیدترین فشارها و مصائب را بر مردم ایران تحمیل نموده و بگزارت نیز در مجامع مختلف بین المللی بر اساس گواهی ها و اسناد موثق مقاومت ایران قویاً بخاطر نقض شدید حقوق بشر و بخاطر اصرار بر ادامه جنگ محکوم گردیده است. حملات چند هفته ای اخیر این رژیم به خاک عراق، که در آستانه برگزاری کنفرانس اسلامی منجمله بمنظور تحت فشار قرار دادن این کنفرانس و باجگیری از آن صورت گرفته نیز، شمه ای از همین جنگ طلبی ضدایرانی و ضداسلامی است که رژیم خمینی از آن بمثابه سرپوشی بر بحران های عمیق اجتماعی و اقتصادی داخلی و بالخصوص بمنظور تحت الشعاع قرار دادن مقاومت عادلانه

## حضور بی اعتباری و انزوای رژیم روبرو و زوال خمینی

علیرغم تلاش های مذبو حانه رژیم خمینی، اجلاس کنفرانس سران کشورهای اسلامی در کویت با بیشترین رقم کشورهای شرکت کننده در تاریخ این کنفرانس تشکیل شد

\* رژیم خمینی طی روزها و هفته های اخیر به یک تلاش گسترده دست زد تا به هر طریق ممکن در جریان تشکیل کنفرانس سنگ اندازی و ایجاد اختلال کند و تا آنجا که می تواند کشورهای اسلامی را از شرکت در این کنفرانس بازدارد. اما اکنون تعداد و سطح هیئت های شرکت کننده در اجلاس کویت و صرف تشکیل آن، یک شکست بزرگ برای رژیم خمینی محسوب می شود و حضور بی اعتباری و انزوای رژیم را در منطقه و در میان کشورهای اسلامی بوضوح و روشنی تمام در معرض تماشای می گذارد.

می تواند کشورهای اسلامی را از شرکت در این کنفرانس بازدارد. اما اکنون تعداد و سطح هیئت های شرکت کننده در اجلاس کویت و صرف تشکیل آن، یک شکست بزرگ برای رژیم خمینی محسوب می شود و حضور بی اعتباری و انزوای رژیم را در منطقه و در میان کشورهای

یافتند که از این نظر کنفرانس کویت در مقایسه با کنفرانس های قبلی به یک رکورد دست یافت. رژیم خمینی طی روزها و هفته های اخیر به یک تلاش گسترده دست زد تا به هر طریق ممکن در جریان تشکیل کنفرانس سنگ اندازی و ایجاد اختلال کند و تا آنجا که

پنجمین اجلاس کنفرانس سران کشورهای اسلامی روز ۶/بهمن ماه/۶۵ در کویت آغاز بکار کرد. در این کنفرانس، بطور بی سابقه ای اکثریت قریب باتفاق ۴۶ کشور اسلامی یعنی ۴۴ کشور شرکت کردند و سران و رهبران ۲۷ کشور نیز شخصاً در کنفرانس حضور

اسلامی بوضوح و روشنی تمام در معرض تماشای می گذارد.

مهمترین علتی که رژیم خمینی را واداشت تا آنهمه با برگزاری کنفرانس مخالفت کند و تمام توان خود را برای بتعویق انداختن آن بکار بگیرد، این مسئله بود که رژیم خود را بشدت و از هر نظر در موضع ضعف احساس می کرد و نمی خواست در شرایطی که نکبت و فلاکت در صحنه های مختلف نظامی، سیاسی و اقتصادی از سر و رویش می بارد و از بیرون و درون غرقه در بحران های شدید است در کنفرانس حضور پیدا کند. اما از قضا همین تلاش های مذبو حانه و بی حاصل، بیش از پیش انزوا و بی اعتباری رژیم را برملا کرد و بمراتب بر ابعاد آن افزود و رژیم را به حسیض افلاس و ورشکستگی سیاسی کشاند؛ بطوریکه اکنون با قاطعیت می توان گفت: رژیم خمینی

## حضيض بی اعتباری و انزوای رژیم روبرو زوال خمینی

در طول حیات ننگین خود و در چند سال گذشته هیچگاه در صحنه جهانی و منطقه‌ای تا این حد رسوا و منزوی و بی اعتبار نبوده است. در واقع این بسیار با معناست که دجال ضد بشری که خودش ادعای رهبری و قیمومیت تمامی مسلمانان دنیا را داشت و خواب بسط ولایت سفیانی‌اش در کشورهای اسلامی را می‌دید، اکنون چنان خوار و ذلیل شده که کنفرانس کشورهای اسلامی در یکی از کشورهای منطقه تشکیل می‌شود و یکی از مهمترین مسائلی هم که می‌خواهد به آن رسیدگی کند، جنگ رژیم با عراق است، آنوقت او به این اجلاس راه ندارد، و نه تنها راه ندارد بلکه حتی نتوانسته معدود متحدان خود را هم با خودش همراه کند.

اجلاس کنفرانس اسلامی برای رژیم بسیار اهمیت داشت و خمینی که تنها راه سرپوش گذاشتن بر بحران فروپاشی درونی رژیمش را دست زدن به تهاجمات تجاوزکارانه‌ی جنگی تشخیص داده بود، بخاطر برخورداری از یک برگ برنده در آستانه‌ی تشکیل کنفرانس اسلامی، در ماجراجویی‌های جنگی‌اش تعجیل کرد. به خیال آنکه با دست زدن به حمله و کسب یک پیروزی به هر قیمت، با در دست داشتن برگ برنده در این کنفرانس حاضر شود و به این وسیله، فضیحت و رسوایی معاملات پنهانی‌اش با آمریکا و اسرائیل را هم تحت‌الشعاع قرار دهد. اما به گفته‌ی برادر مجاهد مسعود رجوی، این برگ که رژیم خوابش را دیده بود با شکست مفتضحانه‌ی تهاجم ضد کربلای ۴، به برگ رسوایی و فضیحت تبدیل گردید. بعد از این شکست بود که رژیم با تمام قوا به فکر برهم زدن کنفرانس افتاد و شروع به بهانه‌جویی‌های سخیف و ابلهانه کرد.

در همین رابطه ابتدا سران رژیم و دستگاه‌های تبلیغاتی ارتجاع بطور بسیار سخیف و مضحکی این

مطلب را دم گرفتند که گویا کویت جای امن و آرامی برای برگزاری کنفرانس نیست و مثلاً سران کشورهای اسلامی در کویت آرامش خاطر نخواهند داشت که بنشینند و مسائل سیاسی را بحث کنند. بعد از آن رژیم خمینی یک تلاش گسترده‌ی سیاسی و دیپلماتیک را آغاز کرد تا کشورهای دیگر را در مورد عدم برگزاری کنفرانس در کویت با خود همراه کند و در همین زمینه علاوه بر تماس‌ها و ملاقات‌هایی که با سفرا و نمایندگان سیاسی کشورهای مختلف در ایران انجام داد و علاوه بر نامه‌ها و پیام‌هایی که برای سران کشورها فرستاد؛ چند هیئت را هم بطور همزمان به کشورهای مختلف دور و نزدیک اعزام کرد. تا همراهی و

دست رد به سینه‌ی فرستادگان خمینی دجال زدند و آنها را راندند، حتی سوریه و لیبی که باصطلاح نزدیک‌ترین متحدان خمینی بودند نیز اعلام کردند که در کنفرانس شرکت خواهند کرد. در ترکیه فرستاده‌ی رژیم را قبل از اینکه موفق به ملاقات با هیچیک از مقامات ترکیه شود، باصطلاح از دم در برگرداندند! به این ترتیب که یک مقام وزارت خارجه‌ی ترکیه گفت معتقد است فرستاده‌ی رژیم ایران مسئله‌ی عدم شرکت در کنفرانس را مطرح نخواهد کرد، زیرا ترکیه از قبل خود را برای شرکت در اجلاس کویت آماده کرده است!

در اندونزی، وزیر خارجه‌ی این کشور، پس از ملاقات فرستاده‌ی

این درجه از افلاس و درماندگی سیاست جنگ‌افروزان‌هی خمینی و این حضيض بی اعتباری و انزوای دشمن ضد بشری در تحلیل نهایی بازتابی از پیروزی سیاست صلح مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران است. مقاومتی مردمی، سراسری و مسلحانه که رژیم خمینی را درهم شکسته و بی‌آینده کرده و چهره‌ی ضد بشری، جنگ‌افروز و تروریستی آنرا در سرتاسر جهان افشا نموده است. همچنین این حضيض انزوای سیاسی خود جلوه‌ی دیگری از احتضار رژیم پوسیده‌ی خمینی و نابودی محتومی است که مقاومت خلق قهرمان ایران و فرزندان مجاهدش برای این رژیم پلید رقم زده‌اند.

رژیم با رئیس‌جمهور اندونزی گفت: "رئیس‌جمهور فقط به دلایل رژیم خمینی مبنی بر تحریم اجلاس‌هی کویت گوش داد، اما کوششی برای تشویق ایران به تغییر عقیده‌ی خود بعمل نیاورد!"

در همین اثنا دستگاه تبلیغاتی رژیم خمینی این مسئله را عنوان کرد که گوئیا قرار است محل تشکیل کنفرانس از کویت به پاکستان تغییر پیدا کند. اما وزیر خارجه‌ی پاکستان اعلام کرد که کشورش داوطلب برگزاری کنفرانس بجای کویت نیست! مالزی نیز به درخواست فرستاده‌ی رژیم برای تحریم کنفرانس کویت، اعتنا نکرد.

و خلاصه در همه‌جا، بدون استثناء، با نهایت تحقیر با رژیم خمینی و فرستادگانش برخورد شد،

آنها را راندند و یا جواب سربالا به آنها دادند.

بی‌اعتنایی به تبلیغات و تشبثات رژیم خمینی تنها از طرف کشورهای اسلامی نبود. کشورهای دیگر نیز گرچه خودشان در این کنفرانس نمی‌توانستند شرکت کنند ولی با فرستادن پیام برای اجلاس سران کشورهای اسلامی، بر سوچ و بی‌مقدار بودن تبلیغات توخالی رژیم خمینی صحه گذاشتند. منجمله هیئت‌رئیس‌هی اتحاد جماهیر شوروی، ضمن ابراز نگرانی شدید خود از ادامه‌ی جنگ ایران و عراق بر ضرورت ادامه‌ی تلاش‌های بین‌المللی منجمله اقدامات کنفرانس سران کشورهای اسلامی جهت توقف جنگ، تاکید نمود. هیئت‌رئیس‌هی شورای عالی اتحاد شوروی سازمان کنفرانس سران اسلامی را به رسیدگی فوری برای حل مسالمت‌آمیز جنگ ایران و عراق فراخواند و در پیامی که به همین منظور به کنفرانس سران کشورهای اسلامی منعقد در کویت ارسال کرد تاکید نمود که شوروی تمام امکانات خود را برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق و حل مسالمت‌آمیز اختلافات فیما بین بکار می‌گیرد.

در این پیام اظهار امیدواری شده است که تصویب‌نامه‌های کنفرانس سران کشورهای اسلامی در گسترش صلح جهانی و حل مسالمت‌آمیز درگیری‌ها در منطقه مؤثر باشد.

دبیرکل سازمان ملل متحد نیز که در این کنفرانس شرکت کرده است، خواستار اقدام جدیدی برای خاتمه دادن به جنگ ایران و عراق شد و گفت تکرار تقاضا برای یک آتش‌بس بی‌فایده است. بر اساس گزارش خبرگزاری رویتر ۷/ بهمن/۶۵ خاویر پرزدو کونلار خطاب به رهبران کشورهای اسلامی در اجلاس‌هی کویت گفت: بنظر می‌رسد تنها اینکه تقاضای صلح را تکرار نمائیم کار بی‌هوده‌ای باشد سؤالی که باید بررسی نمائیم این است که جهت حل مسئله‌ی جنگ چه اقدام جدیدی لازم است؟

وقتی رژیم خمینی از همه‌ی این تلاش‌ها، هیچ نتیجه‌ای نگرفت، بر اساس طینت تروریستی و بقیه در صفحه‌ی ۳۸

## بررسی زمینه‌ها و دلایل تهاجمات تجاوز کارانه اخیر خمینی دجال در جبهه‌های جنگ

### و چگونگی شکست سنگین رژیم همراه با نبوه سرسام آور تلفات انسانی و خسارات هنگفت مادی

#### مصاحبه سیمای مقاومت با برادر مجاهد حسن نظام‌الملکی

#### مسئول بخش ارتش در سازمان مجاهدین خلق ایران

همانطور که مطلعید، رژیم خمینی اخیراً تهاجمات جدیدی را در جبهه‌های جنگ آغاز کرده است که تاکنون به گشته و زخمی شدن بیش از یکمدهزار نفر از اتباع ایران و خسارات مادی فراوانی منجر شده است. در رابطه با بررسی زمینه‌ها و دلایل و چگونگی این تهاجمات تجاوزکارانه و دیوانه‌وار که رژیم خمینی بمنظور سرپوش گذاشتن بر بحران‌های حاد درونی‌اش بدان مبادرت ورزید "سیمای مقاومت" - برنامه‌ی تلویزیونی مجاهدین خلق ایران - گفتگویی با

برادر مجاهد حسن نظام‌الملکی، مسئول بخش ارتش در سازمان مجاهدین خلق ایران، بعمل آورده است. در این مصاحبه همچنین چگونگی شکست‌های سنگین و تلفات سرسام‌آور خمینی مورد بررسی قرار گرفته است. ذیلاً توجه شما را به متن پیاده‌شده‌ی این گفتگو که در هفته‌های اخیر در چند نوبت از سیمای مقاومت پخش گردید جلب می‌کنیم. این مصاحبه از حالت گفتار به نوشتار تبدیل و تا حدی که به چارچوب کلی مطالب لطمه‌ای نخورد خلاصه شده است.

**سؤال:** ضمن تشکر از شما برای حضورتان در برنامه‌ی سیمای مقاومت، می‌خواستم در رابطه با تهاجمات اخیر رژیم خمینی برای بینندگان ما توضیحاتی بدهید.

**جواب:** با سلام خدمت هم‌میهنان عزیز. برای اینکه بتوانم پاسخ سؤال شما را بدهم و اوضاع فضاختبار رژیم را در جبهه‌های جنگ، بطور روشن، بیان کنم؛ لازم است ابتدا نگاهی بکنیم به سوابق تجاوزات رژیم خمینی. بخصوص از سال ۶۱ که با عملیات موسوم به رمضان، تجاوزات خودش را به خاک کشور همسایه شروع کرد. رژیم خمینی بعد از آغاز تجاوزاتش که با قصد صدور ارتجاع و فتح کشور عراق صورت گرفت دنبال این بود که به خیال خود، با روانه کردن جوان‌های جامعه به جبهه‌ها، هم ارتجاع خودش را صادر بکند و هم با مصادره‌ی تمامی مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی رژیمش به جنگ، بر مسائل درونی جامعه سرپوش بگذارد. از آن سال به بعد ما در جریان جنگ، شاهد دهها تجاوز کوچک و بزرگ رژیم هستیم. اما در مقابل، قدم به قدم که جلو می‌آئیم، می‌بینیم که چطور این رژیم بیش از پیش افشا می‌شود و دستش در دجالگری و کسب نیرو و فرستادن به جبهه‌های مرگ بسته می‌شود. همان سال ۶۱ با امضای

بیانی‌هی صلح بین برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت و آقای طارق عزیز نایب نخست‌وزیر عراق، بیش از پیش چهره‌ی خمینی افشا شد. مردم خوی تجاوزگری و عملکرد تجاوزکارانه‌ی خمینی را درک کردند و هر چه از آن موقع جلو می‌آئیم با افشاگری‌های وسیعی که توسط سازمان مجاهدین خلق

عملاً در جبهه‌های جنگ در بن‌بست قرار گرفت. رژیم می‌دید که اساساً بدون نیروی کافی دیگر نمی‌تواند جلو برود. به همین خاطر بود که محسن رضائی سرکرده‌ی خائن سپاه ضدخلقی مطرح می‌کرد که ما طرح زیاد داریم ولی احتیاج به نیرو و امکانات داریم! و رفیق دوست جنایتکار اعلام می‌کرد که اگر نیرو برسد می‌توانیم بطور پیاپی طرح‌های

رژیم می‌دید که اساساً بدون نیروی کافی دیگر نمی‌تواند جلو برود. به همین خاطر بود که محسن رضائی سرکرده‌ی خائن سپاه ضدخلقی مطرح می‌کرد که ما طرح زیاد داریم ولی احتیاج به نیرو و امکانات داریم! و رفیق دوست جنایتکار اعلام می‌کرد که اگر نیرو برسد می‌توانیم بطور پیاپی طرح‌های متعددی را به پیش ببریم.

به همین خاطر خود خمینی دجال برای اینکه دستگاهش را از این بن‌بست بیرون بیاورد و برای اینکه بتواند نیروی بیشتری در جبهه‌های مرگ بریزد و قربانی کند، در ابتدای سال ۶۵، شخصاً به صحنه آمد و طرح خائنانه و ضدخلقی موسوم به طرح تعیین تکلیف عمومی را عنوان کرد.

تعددی را به پیش ببریم! به همین خاطر خود خمینی دجال برای اینکه دستگاهش را از این بن‌بست بیرون بیاورد و برای اینکه بتواند نیروی بیشتری در جبهه‌های مرگ بریزد و قربانی کند، در ابتدای سال ۶۵، شخصاً به صحنه آمد و طرح خائنانه و ضدخلقی موسوم به طرح تعیین تکلیف عمومی را عنوان کرد. به این صورت که صراحتاً عنوان نمود که رفتن به جبهه‌ها بر همه واجب است و همه باید به جبهه‌های جنگ بروند. بلافاصله پشت سر او

ایران و رهبری آن چه در سطح بین‌المللی و چه در درون جامعه و بویژه در درون نیروهای نظامی و نیروهای مسلح ارتش صورت می‌گرفت، همگان بیش از پیش به مقاصد شوم و نیات پلید جلاد جنگ‌افروز جماران پی می‌بردند. به همین خاطر است که می‌بینیم گام به گام و سال به سال، از سال ۶۱ به اینطرف، میزان نیرویی که رژیم می‌توانست بسیج بکند، رو به کاهش می‌گذاشت. در سال‌های ۶۲ و ۶۳ و ۶۴ بتدریج این نیرو کمتر و کمتر می‌شد. به این ترتیب رژیم

تمامی کارگزاران جنگ‌افروز خمینی یکی بعد از دیگری به صحنه آمدند و در پشتیبانی از این طرح شروع به جارو و جنگال کردند. در ۱۶/ فروردین سپاه ضدخلقی رسماً اطلاعیه‌ای در روزنامه‌ها انتشار داد و در آن عنوان کرد که همه باید بیایند و تکلیف خودشان را تعیین بکنند.

**سؤال:** این میزان انرژی‌گذاری رژیم خمینی و شخص خمینی در رابطه با این طرح آیا نتیجه‌ای هم برای رژیم داشت؟

**جواب:** به آن صورتی که انتظار داشتند، نه. طبعاً شما می‌دانید که پیشبرد مقاصد خمینی اساساً بر مبنای دجالیت، عوام‌فریبی، شانتاژ و بویژه بر مبنای سرکوب و قهر عریانی است که بر جامعه اعمال می‌کند. در این رابطه هم ابتدائاً با توپ پُر به میدان آمد. اما با پیام رادیویی برادر مجاهد مسعود رجوی که در

روز ۱۷/ فروردین از "صدای مجاهد" پخش شد و مردم آنرا دریافت کردند و به یکدیگر رساندند، طرحش با بن‌بست مواجه شد. بطور مشخص آن جمله‌ی برادر مجاهد مسعود رجوی که خطاب به خمینی گفته بود: باش تا مردم ایران با خود تو تعیین تکلیف کنند، زبانزد خاص و عام شده بود. به این ترتیب این طرح خمینی هم به جایی راه نبرد. بعداً نیز ابتکارات صلح مجاهدین و شخصاً عزیمت انقلابی رهبر



## بررسی زمینه‌ها و دلایل تهاجمات تجاوزکارانه اخیر خمینی دجال در جبهه‌های جنگ و...

سؤال: پس در واقع اینها هر کدام به نوعی به گوشت دم توپ تبدیل شده بودند؟

جواب: این واقعیتی است که بطور عریان مشاهده می‌شود. اساساً همانطور که فرماندهی مزدور سپاه ضدخلقی، محسن رضائی هم گفت، نقش این نیروها نقش "یکبار مصرف" است. یعنی نقش باز کردن جبهه. یعنی فرستادن آنها به جلو و بعد بدنبال آن راه را برای ادامه جنگ‌افروزی باز کردن. اساساً از نظر رژیم، سپاه ضدمحمد در همین رابطه کارآیی دارد. خط رژیم خطی نیست که بر مبنای یک طرح مشخص نظامی باشد. مسئله اینست که با هر تعداد کشته راه را باز کند. به این ترتیب ماکزیم نیرویش را در این مقطع یعنی از ۱۵/آذر به بعد بنام سپاه ضدمحمد عمدتاً در جبهه‌های جنوبی متمرکز می‌کند. چرا که اینبار قصد داشت طرح تجاوزکارانه‌اش را بدلیل مختلف، از جبهه‌های جنوبی ادامه دهد و منجمله بدلیل جغرافیایی و تجهیزاتی بخاطر اینکه نیروی پیدایش در آن مرزها بهتر می‌تواند عمل کند. در کنار این مسئله برای اینکه بتواند امکانات لازم برای جنگ‌افروزی ضدکربلای ۴ را هم فراهم کند، از مدت‌ها پیش عمده کارخانه‌ها و کارگاههایی که در مملکت بود در رابطه با این کار به خدمت گرفته بود. چه برای تولید مهمات و تسلیحات جنگی و چه برای تهیه امکانات لجستیکی و پشتیبانی مثل پل‌ها، مثل قایق‌هایی که برای تجاوزش می‌خواست بکار گیرد و خلاصه تمامی دستگاه مملکت را روی این تهاجم کوک می‌کند.

از آنجا که جان انسان‌ها کوچکترین ارزشی برای خمینی ندارد، حتی دنبال این نبودند که مسئله آموزش نیروهایی که در این طرح بکار می‌گیرند را حل کنند. چون شما می‌دانید که آموزش دادن یک نیرو برای فرستادن به جبهه، مینیمم دو الی سه ماه وقت می‌خواهد. اما کل زمانی که رژیم برای بسیج اینها گذاشته بود، از اواسط آبان تا اواسط آذر بود و بلافاصله اینها را جمع کرد و فرستاد به جبهه. یعنی گاه می‌بینیم در میان اینها خیلی‌ها بودند که حتی ابتدایی‌ترین آموزش‌ها را نگرفته بودند و آنهایی هم که گرفته بودند، میزان آموزش آنها بشدت پائین بود.

سؤال: کیفیت نظامی این سپاه ضدمحمد چگونه بود؟

جواب: بشدت پائین بود. ببینید از آنجایی که برای رژیم خمینی فقط نفر برای ادامه‌ی تجاوز و ادامه‌ی جنگ مطرح است

خود با حمله از نقاط مختلف، در مرز مشترک بتوانند در جنگ به پیروزی برسند.

سؤال: با توجه به شکستی که خمینی در این طرح نصیبش شد برای خروج از بن‌بست چه حیل‌های جدیدی را بکار گرفت؟

جواب: بعد از مدت‌ها بالا و پائین شدن و کشمکش‌های درونی زیاد، رفسنجانی هرزه به صحنه آمد و در ۸/آبان رسماً شکست استراتژی گذشته، که متکی بر حمله از چند جبهه متعدد در یک زمان بود را اعلام کرد و گفت که من بعد ما به تهاجم متمرکز می‌پردازیم. در همین رابطه اعلام کرد برای انجام چنین تهاجمی می‌خواهیم یک سپاه یکصد هزار نفری موسوم به سپاه محمد را به جبهه‌ها بفرستیم. از آن موقع این طرح خائنه در

مقاومت ایران به کشور همسایه‌مان عراق و زیارت پرشور برادر مجاهد مسعود رجوی و خواهر مجاهد مریم رجوی از مشاهد متبرکه‌ی نجف و کربلا و متعاقباً دیدار صلح بغداد ضربات پیاپی بر طلسم دجالیت جنگ‌افروزان‌ی خمینی وارد آورد.

بنابراین می‌بینیم که هیچ تجاوزی را در طول چندماه نتوانست به پیش ببرد. بطور مشخص، در ماه خرداد، پرواز تاریخساز برادر مجاهد مسعود رجوی به خاک کشور همسایه‌مان عراق و دیدار صلحی که با رئیس جمهور عراق صورت گرفت؛ جادو و جمل‌های عوام‌فریبانه‌ی خمینی و سوءاستفاده‌های او از اعتقادات مذهبی جامعه را باطل کرد. بالنتیجه برای گشودن بن‌بست خود خمینی ناچار شد که به صحنه بیاید و اینبار تلاش کرد که مسئله‌ی رفتن به جبهه‌ها را با فشار بیشتر و با اعلام بخشنامه‌های سراسری و مطرح کردن در سطح عمومی بعنوان تکلیف و با افزایش سربازگیری اجباری به پیش ببرد. در همین راستا طرح خائنه‌ی موسوم به اعزام ۵۰۰ گردان رزمی به جبهه‌ها و در ادامه‌ی آن ۵۰۰ گردان رزمی دیگر اعلام شد.

دستور کار رژیم قرار گرفت. بمدت یکماه اعزام به جبهه‌ها را متوقف کردند یعنی جلوی اعزام‌های محدود را گرفتند. از اواسط آبان تا اواسط آذر به تمام مراکز استانداری‌ها، ادارات، کارخانجات و مدارس بخشنامه شد و تمام مدیران و کسانی که دست‌اندرکار بودند موظف شدند که سهمیه‌ی از نیرو برای سپاه ضدمحمد را تقبل کنند و به این ترتیب رژیم دنبال این رفت که نیرویی را که برای تجاوز باصطلاح متمرکز خودش لازم دارد فراهم کند. و چون نتوانست آنقدر که می‌خواست نیرو تأمین کند، به این هم بسنده نکرد و علاوه بر دستگیری‌ها و باصطلاح سربازگیری‌هایی که بطور مرتب

مذهبی جامعه را باطل کرد. بالنتیجه برای گشودن بن‌بست نیرو باز دوباره خود خمینی ناچار شد که به صحنه بیاید و اینبار تلاش کرد که مسئله‌ی رفتن به جبهه‌ها را با فشار بیشتر و با اعلام بخشنامه‌های سراسری و مطرح کردن در سطح عمومی بعنوان تکلیف و با افزایش سربازگیری اجباری به پیش ببرد. در همین راستا طرح خائنه‌ی موسوم به اعزام ۵۰۰ گردان رزمی به جبهه‌ها و در ادامه‌ی آن ۵۰۰ گردان رزمی دیگر اعلام شد. هدف اساسی، پیگیری این استراتژی بود که بتوانند از چند جبهه، در یک زمان، تجاوزات خودشان را به پیش ببرند. و بزم

مذهبی جامعه را باطل کرد. بالنتیجه برای گشودن بن‌بست نیرو باز دوباره خود خمینی ناچار شد که به صحنه بیاید و اینبار تلاش کرد که مسئله‌ی رفتن به جبهه‌ها را با فشار بیشتر و با اعلام بخشنامه‌های سراسری و مطرح کردن در سطح عمومی بعنوان تکلیف و با افزایش سربازگیری اجباری به پیش ببرد. در همین راستا طرح خائنه‌ی موسوم به اعزام ۵۰۰ گردان رزمی به جبهه‌ها و در ادامه‌ی آن ۵۰۰ گردان رزمی دیگر اعلام شد. هدف اساسی، پیگیری این استراتژی بود که بتوانند از چند جبهه، در یک زمان، تجاوزات خودشان را به پیش ببرند. و بزم

مذهبی جامعه را باطل کرد. بالنتیجه برای گشودن بن‌بست نیرو باز دوباره خود خمینی ناچار شد که به صحنه بیاید و اینبار تلاش کرد که مسئله‌ی رفتن به جبهه‌ها را با فشار بیشتر و با اعلام بخشنامه‌های سراسری و مطرح کردن در سطح عمومی بعنوان تکلیف و با افزایش سربازگیری اجباری به پیش ببرد. در همین راستا طرح خائنه‌ی موسوم به اعزام ۵۰۰ گردان رزمی به جبهه‌ها و در ادامه‌ی آن ۵۰۰ گردان رزمی دیگر اعلام شد. هدف اساسی، پیگیری این استراتژی بود که بتوانند از چند جبهه، در یک زمان، تجاوزات خودشان را به پیش ببرند. و بزم

رفسنجانی خائن در ۱۵/آذر به صحنه آمد. (همان روزی که

## بررسی زمینه‌ها و دلایل تهاجمات تجاوز کارانه اخیر خمینی دجال در جبهه‌های جنگ و...

درجه‌ی اول از نیروی ارتش اساساً در طرح استفاده نکرد. دلیل مشخص این بود که بخاطر تجربیات قبلی که در عملیات مشترک با نیروهای ارتش داشت و مقاومت‌های مشخصی که پرسنل ملی و مردمی ارتش داشتند و اساساً آنطوری که می‌خواستند پشت جنگ کوک نمی‌شدند و آنطوری که آنها می‌خواستند تهاجم نمی‌کردند، طبقاً راندمان کافی برای رژیم نداشتند. رژیم فکر می‌کرد اینبار اگر ارتش را کنار بگذارد با قدرت هجومی و اگر درست‌تر بگویم با "کله‌خری" بیشتری می‌تواند به جلو برود و طرحش را پیش ببرد. به همین دلیل نه‌تنها نیروهای ارتش را در این طرح شرکت نداد بلکه از نیروهای پشتیبان مثل هوانیروز و پدافند زمین به هوا و نیروی هوایی که قاعدتاً برای هر تهاجمی لازمست نیز صرفنظر کرد. ویژگی دومی که این طرح داشت، مسئله‌ی نحوه‌ی ورود در طرح بود. طرحی را که رژیم خمینی می‌خواست اجرا کند از ابتدا بر این اساس سوار بود که در یک

ضدکوتر را هم به همینجا آورد و صف‌آرایی کرد. علاوه بر آنها لشکریهایی که مثل "۴۳- قدر"، مهندسی رزمی داشتند را هم وارد صحنه کرد و خلاصه یک صف‌آرایی نظامی باصطلاح خودش با تمام قوا پشت این حمله‌اش چید. برای اینکه باز باصطلاح خودش با غافلگیری کامل عملیات جنگی را شروع کند. حتی نیروهای سپاه را هم برای جابجایی در یکی دو روز قبل توجیه نکرد و انتقال آنها را هم برای شب حمله گذاشت و توجیه مربوط به حمله را تنها چند ساعت قبل از شروع تهاجم به آنها داد. و با پذیرش اینکه آنها توجیهاتشان کم باشد، حداکثر مخفیکاری را در مورد طرحش رعایت کرد.

بالاخره در شب سوم دیماه

رزمندگان هستند و رزمندگان نیز منتظر صدور فرمان. بعد اظهار امیدواری کرد که اینبار جواب ریشه‌ای در جنگ داده شود.

سؤال: نتیجه‌ی این بسیج و آماده‌باش رژیم چه بود و نهایتاً خمینی و مقامات رژیمش چه شیوه‌ای را برای پیشبرد اهداف خودشان برگزیدند؟

جواب: چیزی که تا اینجا توضیح دادم نشانگر این بود که چطور رژیم خمینی توانست بعد از ۴ سال و پس از تلاش بی‌وقفه‌ای که انجام داده بود، در شرایط زمانی خاصی، یک مقدار نیرو حول استراتژی ضربه‌ی متمرکز در جبهه داشته باشد. در چنین شرایطی برای رژیم تنها چیزی که مطرح بود شروع جنگ و بدست آوردن پیروزی به هر قیمت بود. به همین

سپاه ضدمحمد را به جبهه‌ها فرستادند) و اعلام کرد که همه‌چیز از قبل پیش‌بینی شده و با استقرار نیروهای سپاه ضدمحمد همه‌چیز آماده است. انجام عملیات آتی، آینده‌ی جنگ را برای همه روشن می‌کند. در ۲۲/آذر و ۲۳/آذر رفسنجانی در باصطلاح مانور ذوالفقار که در خلیج فارس برگزار می‌شد و طی آن نیروی دریایی را می‌خواستند باصطلاح آب و رنگی بدهند و نشان بدهند که قدرتی دارد شرکت کرد و اعلام کرد: امروز شما نیروهای مسلح در یک مقطع حساس قرار گرفته‌اید. انتظار داریم آخرین برگ پیروزی به کتاب قطور پیروزمندی‌های جمهوری اسلامی ایران با تلاش شما افزوده شود و اضافه کرد که: سپاه یکصد هزار نفری ضدمحمد که امروز در جبهه‌ها حضور پیدا کرده و کاروان‌های ضدکربلا را تقویت نموده است خودش را آماده می‌کند بیشتر و آماده‌تر از گذشته تا ضربه‌ی نهایی را به دشمن وارد کند. بعد از اعزام نیروهای سپاه ضدمحمد به جبهه‌ها، نعره‌های جنگ‌طلبانه سر دادند و اینکه "پیروزی نهایی" را در اختیار خواهند گرفت! و "امسال سال تعیین سرنوشت است!"؛ و همانطوری که گفتم از رفسنجانی خائن تا خامنه‌ای جنایتکار و عموم مقامات سپاه و مقامات دولتی پشت قضیه رفته بودند و علاوه بر آنها تمامی امکانات ارتباط عمومی را هم برای تبلیغ به اختیار گرفته بودند. این جریان تا دیماه ادامه پیدا کرد. آخر آذرماه که نیروها متمرکز شده بودند، تبلیغات انجام شده بود و همه‌چیز برای اینکه به سمت آغاز ماجراجویی جدید رژیم پیش برود فراهم شده بود؛ رفسنجانی خائن به بوشهر رفت. او در روز دوم دی طی صحبتی عنوان کرد که ملت، منتظر عملیات

خط رژیم خطی نیست که بر مبنای یک طرح مشخص نظامی باشد. مسئله اینست که با هر تعداد گشته راه را باز کند. به این ترتیب ماکزیم نیرویش را در این مقطع یعنی از ۱۵/آذر به بعد بنام سپاه ضدمحمد عمدتاً در جبهه‌های جنوبی متمرکز می‌کند. چرا که اینبار قصد داشت طرح تجاوزکارانه‌اش را بدلائیل مختلف، از جبهه‌های جنوبی ادامه دهد و منجمله بدلیل جغرافیایی و تجهیزاتی بخاطر اینکه نیروی پیاده‌اش در آن مرزها بهتر می‌تواند عمل کند. در کنار این مسئله برای اینکه بتواند امکانات لازم برای جنگ افروزی ضدکربلای ۴ را هم فراهم کند، از مدت‌ها پیش عمده‌ی کارخانه‌ها و کارگاههایی که در مملکت بود در رابطه با این کار به خدمت گرفته بود.

هوای بارانی و موقعی که هوا گرفته است، انجام دهد تا بتواند حداکثر استتار را داشته و بلحاظ بمباران‌های هوایی تا حدود زیادی در امان باشد. بنابراین باید دنبال شرایط خاص می‌گشت. اما از آنجایی که از چند روز قبل از آن، یعنی از ۳۰/آذر، تجمعات نظامی‌اش بمباران شده بود و این بمباران‌ها با شدت تمام ادامه داشت، روال از دستش دررفت. به این صورت که چون نیروهایش را جلو آورده بود و از طرف دیگر روی این تجمع نظامی بمباران صورت می‌گرفت، بر سر یک دوراهی اساسی قرار گرفته بود. یا باید از طرح اساساً صرفنظر بقیه در صفحه‌ی ۳۹

۶۵ تهاجم و ماجراجویی ضدکربلای ۴ را شروع کرد.

سؤال: ویژگی‌های تهاجم ضدکربلای ۴ چه بود و در واقع چه تفاوت‌هایی با تهاجمات قبلی رژیم داشت.

جواب: از آنجایی که اساساً رژیم طرح خودش را باصطلاح در ماکزیمش بسته بود، یعنی تمامی توان رزمی‌اش را به خدمت گرفته بود و دنبال "پیروزی بزرگ" بود، اساساً طرحش را بر غافلگیری سوار کرده بود و حداکثر تلاشش را به خدمت گرفته بود که جلوی لو رفتن طرح خودش را بگیرد. به همین خاطر ویژگی‌های خاصی را بر عملیاتش حاکم کرده بود. در

خاطر است که رژیم در تهاجم ضدکربلای ۴ از ۱۹ لشکر و ۱۵ تیپ سپاه که مجموعه‌ی دارایی‌هایش در جبهه هستند، ۱۵ لشکر و ۵ تیپش را به محور عملیاتی موردنظرش در جنوب آورد و اساساً لشکریهایی مثل: لشکر ۲ ضد امام حسین، لشکر ۱۷ ضد علی بن ابیطالب، لشکر ۲۵ ضد کربلا و لشکر ۷ ضد نجف (که از لشکرهای قدیمی و مهمش بودند و در عملیات گذشته نظیر خیبر و بدر و والفجر شرکت داشتند) و لشکرهای ۱۹ فجر و ۴۱ ضد ثارالله که باصطلاح دارای گردان‌های آبی-خاکی و گروه‌های غواص بودند؛ همراه با ناوتیپ ضدامیرالمؤمنین و ناوتیپ

## دیدار پروفیسور هادی مهابادی نماینده شورای ملی مقاومت با خانم شرلی کارنایب رئیس کنفدراسیون اتحادیه‌های آزاد کارگری جهان و رئیس کنفدراسیون کارگری کانادا

روز جمعه ۲۶/دیماه/۶۵ پروفیسور هادی مهابادی نماینده شورای ملی مقاومت در کانادا با خانم شرلی کارنایب رئیس کنفدراسیون کارگری کانادا و نایب رئیس کنفدراسیون اتحادیه‌های آزاد کارگری جهان دیدار نمود و وضعیت بحرانی و نابسامان اقتصادی-اجتماعی و سیاسی رژیم خمینی، نقض شدید حقوق بشر و بویژه ستم مضاعفی را که رژیم خمینی در مورد کارگران ستم‌دیده‌ی ایران اعمال می‌نماید، برای وی تشریح نمود. در این توضیحات پروفیسور مهابادی رئیس کنفدراسیون کارگری کانادا را در جریان موقعیت گسترش‌یابنده‌ی مقاومت سراسری مردم ایران برای صلح و آزادی و دستاوردهای سیاسی آن در صحنه‌ی بین‌المللی قرار داد. سپس خانم شرلی کار که نایب‌رئیس کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های آزاد کارگری جهان است، رئیس شورای اتحادیه‌های کارگران کشورهای مشترک‌المنافع نیز می‌باشد، ضمن تشکر از دیدار نماینده‌ی شورای ملی مقاومت ایران، سیاست سرکوبگرانه و اصرار رژیم خمینی بر ادامه‌ی جنگ ایران و عراق را محکوم نمود و اقدامات شورای ملی مقاومت و تلاش‌های برادر مجاهد مسعود رجوی برای دستیابی به صلح و آزادی در ایران را مورد حمایت قرار داد.

در پایان این ملاقات خانم شرلی کار از طرف ۱۲ فدراسیون و یکصدوبیست شورای محلی کارگری عضو کنفدراسیون که جمعا دومیلیون و دویست‌هزار عضو کنفدراسیون کارگری کانادا را نمایندگی می‌کند، برای مقاومت ایران در مبارزه علیه رژیم ددمنش و ضدبشری خمینی آرزوی موفقیت نمود و ابراز امیدواری کرد که صلح و آزادی در ایران هرچه زودتر استقرار یابد.

جنگ ضدمیهنی و خانمانسوز خمینی گزارشی از شکست‌های پیاپی و فزاینده‌ی رژیم در حملات اخیر که منجر به کشته و زخمی شدن بیش از صد هزار تن از اتباع ایران گردیده است را ارائه نمود.

وی سخنان خود را با ارزیابی آثار عزیمت تاریخساز برادر مجاهد مسعود رجوی به جوار خاک میهن و رشد و اعتلاء روزافزون مقاومت سراسری برای برقراری صلح و آزادی در میهن درزنجیرمان ایران ادامه داد و سپس با یادآوری مسئولیت خطیری که هموطنان

جنگ ضدمیهنی و خانمانسوز خمینی گزارشی از شکست‌های پیاپی و فزاینده‌ی رژیم در حملات اخیر که منجر به کشته و زخمی شدن بیش از صد هزار تن از اتباع ایران گردیده است را ارائه نمود.



پایان برد. برادر مجاهد حسین مهدوی آنگاه به سؤالات حاضرین در جلسه در رابطه با اوضاع ایران و مواضع سیاسی و اجتماعی سازمان مجاهدین خلق بطور مشروح پاسخ داد.

در قسمت پایانی برنامه سرود مصور صلح نمایش داده شد و در فواصل برنامه‌ها گروه هنری عارف چند ترانه‌ی انقلابی و ملی اجرا کرد که با استقبال و تشویق وسیع و گسترده‌ی هم‌میهنان آزاده‌مان روبرو گردید.

این گردهمایی در ساعت ۱۱ و پانزده دقیقه با خواندن دستجمعی سرود "فرمان مسعود" و در میان شعارهای "مرگ بر خمینی- درود بر رجوی"، "ایران رجوی، رجوی ایران" به پایان رسید.

## سخنرانی برادر مجاهد حسین مهدوی در گردهمایی هموطنان ایرانی مقیم اسپانیا



روز یکشنبه ۲۸/دیماه/۶۵، گروه کثیری از ایرانیان مقیم اسپانیا در جلسه‌ی گردهمایی انجمن دانشجویان مسلمان اسپانیا (هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران) شرکت کردند. مراسم در ساعت ۶ بعدازظهر با سرود ایران زمین شروع شد. در این برنامه منتخبی از ویدئوی سخنرانی برادر مجاهد سیدمحمد سیدالمحدثین در گردهمایی باشکوه بیش از ۴ هزار تن از هموطنانمان در آلمان به نمایش درآمد و هنگامی که برادر مجاهد سیدمحمد سیدالمحدثین پیام رهبر انقلاب نوین مردم ایران خطاب به هموطنان خارج از کشور و طلب یاری از آنان برای شرکت در سرنگونی هرچه سریع‌تر رژیم خمینی را ابلاغ نمود، جمعیت بشدت تحت تأثیر قرار گرفتند. آنگاه سروده‌ی مصور "گل به دیدار گلستان آمده" و قسمتی از زیارت رهبران عقیدتی مجاهدین مسعود و مریم رجوی از مشاهده متبرکی نجف و کربلا نمایش داده شد. در این موقع جمعیت حاضر در جلسه از جذبه‌ی این زیارت پرشور و تاریخی بشدت تحت تأثیر قرار گرفته و با شعارهای "مرگ بر خمینی، درود بر رجوی" نفرت خود را از رژیم سفاک و خون‌آشام خمینی و عشق و علاقه‌شان را نسبت به رهبری انقلاب نوین مردم ایران

ابراز می‌نمودند. در قسمت بعدی برنامه، برادر مجاهد حسین مهدوی عضو هیئت اجرایی سازمان مجاهدین خلق ایران و دبیر شورای ملی مقاومت به سخنرانی پرداخت. وی سخنان خود را با گزارش کوتاهی از آخرین تحولات سیاسی و وضعیت رژیم درمانده‌ی خمینی بلحاظ داخلی و بین‌المللی آغاز نمود و وضعیت فلاکت‌بار رژیم روبه‌تلاشی خمینی دجال که منجر به حذف ولایتعهد سفیه خمینی بدست خود وی شد را تشریح نمود. وی همچنین شرکت‌کنندگان را در جریان افتضاحات گسترده‌ی داخلی و بین‌المللی ناشی از روابط پنهانی رژیم خمینی با آمریکا و اسرائیل و گسترش روزافزون بحران‌های اجتماعی-اقتصادی این رژیم قرار داد. برادر مجاهد حسین مهدوی در قسمت دیگری از سخنانش با اشاره به

## مصاحبه «سیمای مقاومت»

## برادر مجاهد سرهنگ خلبان بهزاد معزی

مصاحبه‌ای که ذیلاً از نظرتان می‌گذرد، در روزهای آخر دیماه ۶۵ از سیمای مقاومت - برنامه‌ی تلویزیونی مجاهدین خلق ایران - پخش گردیده و در اینجا تا حدی که به چارچوب مطلب لطمه نخورد کوتاه شده و از حالت گفتار به نوشتار تبدیل شده است.

مصاحبه‌کننده: سؤالاتی در رابطه با تأثیرات معاملات پنهانی خرید سلاح توسط رژیم خمینی از آمریکا و اسرائیل در وضعیت نیروی هوایی، و رسیدگی به وضعیت خلبان‌ها مطرح است. در این زمینه صحبتی داشتیم با برادر مجاهد سرهنگ خلبان بهزاد معزی که توجه شما را به آن جلب می‌کنیم:

برادر مجاهد سرهنگ خلبان بهزاد معزی: بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران و بنام مسعود و مریم. صحبتیم را با اشاره به روابط پنهانی رژیم با اسرائیل که کوس رسوایی‌اش در سراسر جهان توسط مقاومت مسلحانه و مشروع ایران زده شده شروع می‌کنم.

ببینید این آخوندهای رذل، ۷ سال است جنگی را که حرث و نسل کشور ما را به باد داده با نام "فتح قدس" ادامه می‌دهند. درحالیکه با مشاور نخست‌وزیر اسرائیل - که در هیئت "مکفارلن" به تهران آمده بود - هاشمی‌رفسنجانی، میرحسین موسوی نخست‌وزیر خمینی، و احمد خمینی، مذاکره می‌کنند. یعنی از اینطرف با مشاور نخست‌وزیر اسرائیل مذاکره می‌کنند، از آنطرف جنگ را بنام "فتح قدس" ادامه می‌دهند. در اثر افشاگری‌های مقاومت، اکثر مردم میهن ما می‌دانند که این رژیم‌ی که با مکفارلن و مشاور نخست‌وزیر اسرائیل مذاکره می‌کند، همان رژیم‌ی است که رزمندگان قهرمان مجاهد خلق را توی پرچم آمریکا تیرباران می‌کرد و با پرچم آمریکا دفن می‌کرد. بنام اینکه اینها آمریکایی‌اند. البته بقول رهبر مقاومت، "فتح قدس" شان حتماً از این طریق است که آنقدر از اسرائیل اسلحه

بخرند که اسرائیل خلع سلاح شود!! بعد بروند فتحش کنند! نکته‌ی بعد که می‌خواهم بگویم این است که هر چقدر سلاح به رژیم آبرویافته‌ی خمینی داده شود کمکی به آن نیست این رژیم رفتنی و پابه‌گور است.

سؤال: با توجه به ماهیت ارتجاعی قرون وسطایی رژیم و

است!! حالا آمده‌اند می‌خواهند به یک نیروی مدرن نظارت کنند. این اصلاً امکان‌پذیر نیست. و فاجعه‌آفرین و ضایع‌بار است. من چند نمونه‌اش را برایتان می‌گویم: در پایگاه بوشهر خلبان کابین عقب یک هواپیمای F4، در اثر اینکه لوله‌ی اکسیژنش سوراخ بوده، بیهوش می‌شود. خلبان کابین جلو حالش خوب بوده، هواپیما را می‌نشانند. علت این بود که لوله سر مدت معین چک نشده بود. گزارش موثق توسط پرسنل نظامی مجاهد خلق داریم که اکثر هواپیماهای شکاری بعد از پرواز از

در بین پرسنل نیروی هوایی، بخصوص خلبان‌ها، روحیه در سطح بسیار پایینی قرار دارد. اکثراً تمایل به پروازهای جنگی ندارند. چون این جنگ را نامشروع و برای حفظ خمینی می‌دانند، نه برای حفظ میهنشان. اکثراً از صلح دز بین خلبان‌ها صحبت می‌شود، اکثراً با زور و اجبار به پرواز می‌روند. با حالت تب به پرواز فرستاده شده‌اند. با سینوزیت به پرواز فرستاده شده‌اند. خلبانی در پایگاه بندرعباس پایش بعلت ضربدیدگی باندپیچی بود، او را با دمپایی برای پرواز فرستاده‌اند که مقایر با هرگونه اصول ایمنی در دنیا می‌باشد. طبق آمار دقیقی که ما داریم ۳۵٪ از خلبان‌هایی که به علل پزشکی از رده‌ی پرواز خارج شده بودند، برای پرواز برگردانده شده‌اند، البته با فشار و تهدید.

مثلاً سانحه‌ی زاهدان که طی آن ۱۱۲ نفر سرباز و درجه‌دار و خلبان‌های هواپیما کشته شدند. این هواپیما اولاً سنگین بوده که نقض عملیاتی است. عملیاتی که تحت نظر اداره‌ی باصطلاح سیاسی - ایدئولوژیک خمینی اداره شود، مشخص است که چه جور عملیات هوایی خواهد بود!

سؤال: یعنی خارج از ظرفیت متداول پرسنل حمل می‌کرده است؟  
جواب: بله خارج از ظرفیتش، بعد موتورهایش فرسوده بوده است. قدرت کافی نداشته است. این هواپیما می‌رود تا در زاهدان بنشیند، بعلت تغییر سمت باد، می‌خواهد عمل دوباره رفتن را انجام دهد که بعلت سنگینی و بعلت فرسودگی موتور به کوه اصابت می‌کند و هر ۱۱۲ نفر کشته می‌شوند. موارد زیاد بوده است. سرگرد صلح‌جو در تهران با هواپیمای C-130 زمین خورد.

بالا گزارش می‌دهند که رادار یا سیستم اسلحه‌مان خراب است. به آنها دستور می‌دهند که بپرید، اشکال ندارد!

توی هواپیمای F4 دستگاهی بنام "آینس" هست که یک دستگاه ناوبری می‌باشد. مختصات به آن می‌دهند و پرواز می‌کند. این دستگاه اکثراً کار نمی‌کند. دستگاه دیگری دارند بنام I.F.F که ترجمه‌اش تشخیص دوست از دشمن است؛ به این ترتیب که دستگاه را روشن می‌کنند، کدی به آن می‌دهند که ایستگاه رادار این کد را می‌گیرد و تشخیص می‌دهد که این هواپیمای خودی است یا نه. کد را اگر نفرستد یعنی دشمن است. بگذریم از اینکه درصد بسیار پائینی از ایستگاه‌های رادارشان نیز کار می‌کنند. در تیرماه گذشته، هواپیمای F4 سرگرد فتح‌نژاد پرواز می‌کند. I.F.F. اش خراب بوده است. سروان اکبری هم از یک پایگاه دیگر پرواز می‌کند.

با وضعیتی که نیروی هوایی دارد آیا اساساً این قطعات خریداری شده تأثیری می‌تواند در نیروی هوایی داشته باشد؟

جواب: ببینید در کمیسیون فرماندهان که حداقل ماهی یکبار تشکیل می‌شود، فرماندهان حدود ۸۰-۷۰ درصد وسایل‌شان را "غیرعملیاتی" اعلام می‌کنند. که شامل هواپیما و وسایل پشتیبانی هواپیما می‌شود. از آن ۳۰-۲۰ درصد بقیه هم که عملیاتی اعلام می‌شوند، هواپیماها موقع روشن کردن "فیت" می‌کنند، یا بعد از روشن کردن تا سر باند می‌روند و برمی‌گردند. یا بعد از بلند شدن برمی‌گردند. چون حداقل موارد ایمنی درباره‌ی اینها رعایت نشده است. ببینید اصولاً تاریخ مصرف، چک‌های سر مدت معین، برای این رژیم مفهوم ندارد. چون این رژیم مال قرون وسطی است کارشان هم روضه‌خوانی در قبرستان‌ها بوده

## مصاحبه «سیمای مقاومت»

## بابرادر مجاهد سرهنگ خلبان بهزاد معزی

علل پائین بودن روحیه‌شان کاملاً مشخص است؛ وجود خود رژیم. رژیمی که این جنگ را ادامه می‌دهد. از اول جنگ، حدود ۱۸۰ خلبان کشته شده‌اند. تعداد زیادی اسیر شده‌اند. تعداد زیادی معلول و یا اخراج شده‌اند. همینطور از اول جنگ حدود ۲۰۰ خلبان توانستند از حاکمیت خمینی خارج شوند و به خارج کشور بیایند. کم‌کاری در واحدهای فنی، به موازات واحدهای پرواز ادامه دارد. مثلاً در صنایع هواپیمایی که مادر صنایع هواپیمایی ایران است، ظرفیتش در گذشته تعمیر ۴۰

نرسیده‌اند، چون برای آموزش خلبانی مدت زمان حدود یک تا دو سال وقت می‌خواهد. از آن مهتر، آمادگی نفر چه بلحاظ جسمی و چه بلحاظ روحی است. باید تحت آموزش‌های نیروی زمینی قرار بگیرد. مواد آموزش معینی را بگذرانند. بعد آموزش پرواز ببینند. نیروی هوایی سپاه ارتجاع در عرض این چند سالی که تشکیل شده طبق آماری که خودشان دادند، دو دوره فارغ‌التحصیل زبان بیرون داده است!! چند تا هم خلبان ناقص هلی‌کوپتر! چون این پاسداران

تیم بررسی سانحه، یک نقص فنی اعلام می‌کند. بعد از بررسی، رژیم تیم را عوض می‌کند و یک تیم دیگر را معین می‌کند آن تیم علت را "خطب خلبان" اعلام می‌کند.

سرگرد پدرام با هواپیما زمین خورد. تیم بلافاصله "خطب خلبان" اعلام کرد. تیرماه گذشته یک هواپیمای F4 نزدیک لاهیجان زمین خورد. بلافاصله "خطب خلبان" اعلام شد. تعداد زیادی تلفات داشته‌ایم. مثلاً یک هواپیمای F14 را در پایگاه

کم‌کاری در واحدهای فنی، به موازات واحدهای پرواز ادامه دارد. مثلاً در صنایع هواپیمایی که مادر صنایع هواپیمایی ایران است، ظرفیتش در گذشته تعمیر ۴۰ هواپیما در ماه بود در حالیکه الان گاه برای تعمیر فقط یک موتور تا دو ماه طول می‌دهند. موارد زیادی هم از همین صنایع هواپیمایی گزارش شده که بعلت کم‌کاری رودرروی رژیم ایستاده‌اند و گفته‌اند اگر می‌خواهید تیرباران بکنید. باز بعلت همین کم‌کاری و رعایت نکردن استانداردها و موازین ایمنی پرواز و بعلت حضور سرپرست‌های باصلاح حزب‌اللهی. خبر ترکیدن یک موتور هواپیما در همین صنایع هواپیمایی را داشتیم.

هواپیما در ماه بود در حالیکه الان گاه برای تعمیر فقط یک موتور تا دو ماه طول می‌دهند. موارد زیادی هم از همین صنایع هواپیمایی گزارش شده که بعلت کم‌کاری رودرروی رژیم ایستاده‌اند و گفته‌اند اگر می‌خواهید تیرباران بکنید. باز بعلت همین کم‌کاری و رعایت نکردن استانداردها و موازین ایمنی پرواز و بعلت حضور سرپرست‌های باصلاح حزب‌اللهی. خبر ترکیدن یک موتور هواپیما در همین صنایع هواپیمایی را داشتیم.

سؤال: جناب سرهنگ با این توضیحاتی که دادید مناسب است اگر پیامی دارید برای پرسنل ارتش بگوئید.

جواب: پیام من به پرسنل ارتش بویژه نیروی هوایی این است که بدانند که مثل بقیه‌ی مردم ایران که هیچ تأمینی ندارند، پرسنل نیروی هوایی هم هیچ تأمینی ندارند. نه بلحاظ جانی، نه بلحاظ مالی، نه بلحاظ کار. حتی درجه‌شان هم که سر موقع

تعلیم شکنجه و سرکوب دیده‌اند و این کار با خلبانی در یک راستا نیست!!

در بین پرسنل نیروی هوایی، بخصوص خلبان‌ها، روحیه در سطح بسیار پایینی قرار دارد. اکثراً تمایل به پروازهای جنگی ندارند. چون این جنگ را نامشروع و برای حفظ خه‌پنی می‌دانند، نه برای حفظ میهنشان. اکثراً از صلح در بین خلبان‌ها صحبت می‌شود، اکثراً با زور و اجبار به پرواز می‌روند. با حالت تب به پرواز فرستاده شده‌اند. با سینوزیت به پرواز فرستاده شده‌اند. خلبانی در پایگاه بندرعباس پایش بعلت ضربیدگی باندپیچی بود، او را با دمپایی برای پرواز فرستاده‌اند که مغایر با هرگونه اصول ایمنی در دنیا می‌باشد. طبق آمار دقیقی که ما داریم ۳۵٪ از خلبان‌هایی که به علل پزشکی از رده‌ی پرواز خارج شده بودند، برای پرواز برگردانده شده‌اند، البته با فشار و تهدید.

بوشهر با موشک هاگ زدند. دو تا هواپیمای F14 را در ماهشهر با موشک هاگ زدند. بطور کلی تا آخر سال ۶۴، ۵۴ هواپیمای ایرانی توسط توپچی‌های ایرانی زده شده است.

این رژیم متعلق به قرون گذشته است. قدرت درک زمان حاضر را ندارد. در بکارگیری تکنیک هم وامانده است. به همین علت از ابتدا به نیروی هوایی نظر خوبی نداشت و مثل گراز که مزرعه را خراب می‌کند، کشورمان را به ویرانی کشید. نیروی هوایی هم از این مقوله مستثنی نبود. رژیم نه‌تنها قدرت بهره گرفتن از نیروی هوایی را نداشت، بلکه آنرا تقریباً به سمت نابودی سوق داد. نیروی هوایی را به نصف تقلیل داد. باصلاح نیروی هوایی سپاه پاسداران درست کرد. با وجود این که چند سال از آن موقع می‌گذرد، قائم‌مقام فرماندهی نیروی هوایی سپاه ارتجاع تلویحاً گفت که به هیچ‌جا

باید بگیرند اداره‌ی سیاسی-ایدئولوژیک آخوندها باید تأیید کنند. بطور کلی تخصص برای این رژیم قابل درک نیست. خلبان‌ها باید بدانند که تخصص‌شان در چه راهی بکار گرفته می‌شود. باید به هر طریقی که می‌توانند از همکاری با رژیم خودداری کنند. خیلی راحت می‌توانند به عراق بیایند. بعد از پرواز، نزدیک مرز روی کانال گارد صحبت کنند بعد تمام فرودگاه‌های عراق به رویشان باز است و می‌توانند بشینند. خودشان را هوادار مجاهدین اعلام کنند و درخواست ملاقات با نماینده‌ی مجاهدین بکنند. اگر با هواپیما نمی‌توانند به هر طریق ممکن دیگر اقدام کنند. مرخصی بگیرند، از جنوب با قایق و کشتی خارج شوند. به هر طریقی که می‌توانند از راه زمینی، از مرزها خارج شوند و اینرا بدانند که بعلت ددمنشی رژیم و نقض حقوق بشر توسط آن (که در مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای دومین سال متوالی محکوم شد) هر جا بروند حمایت بین‌المللی نثارشان خواهد شد. اگر خارج شدن از حاکمیت رژیم برایشان مقدور نیست، کنار بکشند. همکاری نکنند. این رژیم دستش تا مرفق به خون مردم ما آلوده است. وزرای رژیم در شکنجه‌ی مجاهدین شرکت کرده‌اند. بعلت پافشاری رژیم در جنگ، در حالیکه تمام دنیا خواستار صلح است، همین تهاجم اخیرش چنددهه‌هزار نفر کشته داده است. چنددهه‌هزار خانواده بی‌سرپرست شدند. این درحالیست که نه‌استان کشور را سیل فراگرفته و این رژیم تمام امکانات شهرداری‌ها را -حتی شهرداری‌های شهرهای سیل‌زده را- روانه‌ی جیبه‌های جنگ خانمانسوزش کرده است. پرسنل نیروی هوایی باید بدانند هر نوع کاری، دور یا نزدیک با این رژیم، خلاف دین، آزادی و جوانمردی است. پس از پرسنل می‌خواهم که ضربه‌ی خودشان را به رژیم بزنند و در مقابل مردمشان سرفراز باشند.

مرگ بر خمینی

درد بر رجوی

زنده باد صلح و آزادی

\*\*\*

## تلفات انبوه و سرسام آور تهاجمات ضد کربلای ۵ و ۶

پس از تهاجمات دیوانوار ضد کربلای ۵ و ۶ و شکست فضاختبار این تهاجمات جنایتکارانه که هر کدام منجر به کشته و مجروح شدن دهها هزار نفر از اتباع ایران گردید، هر روز که میگذرد ابعاد فاجعه بار این جنگ افروزی رذیلانه خمینی بیشتر روشن می شود و خشم و انزجار مردم ایران از آن بیشتر برانگیخته می شود. اخبار و گزارشاتی که ذیلاً ملاحظه می کنید گوشه هایی از ابعاد سرسام آور تلفات در تهاجمات اخیر خمینی، شکست فضاختبار این تهاجمات، انعکاس جنگ افروزی خمینی در رسانه های خبری جهان و همچنین نقشه های رذیلانه و خائنانه خمینی برای شعله ور نگاه داشتن تنور جنگ خانمانسوز را منعکس می سازد.

### ابعاد سرسام آور

### تلفات تهاجمات ضد کربلای ۵ و ۶

گزارشات دریافتی از شهرهای سراسر میهن مان، حاکی از تشییع جنازه های روزمره و گسترده ی کشته شدگان جنگ طی روزهای اخیر است.

جنازه های مزبور، عمدتاً متعلق به کشته شدگان تهاجم جنایتکارانه ی ضد کربلای ۵ و بعضاً تهاجم ضد کربلای ۶ می باشد. بر اساس اطلاعاتی دفتر مجاهدین خلق در تهاجم ضد کربلای ۵ آمار کشته شدگان و مجروحین به بیش از ۵۰ هزار نفر بالغ می شود. تعداد جنازه های که در یک شهر و در یک نوبت تشییع می شود، معمولاً به دهها نفر بالغ می گردد و گاه متجاوز از یکصد نفر و یا حتی دویست نفر است. از جمله، روز دوشنبه ۲۹ دیماه، ۱۰۵ نفر از کشته شدگان تهاجم ضد کربلای ۵ را در قم تشییع کردند، با این حال گزارش مزبور حاکیست که هنوز تعداد زیادی جنازه در سردخانه های قم باقی مانده، که قرار است در روزهای آینده تشییع شود.

اسامی برخی شهرهای دیگر که تعداد جنازه های تشییع شده در آنها، طی روزهای ۲۵ تا ۲۹ دیماه در این شهرها بدست ما رسیده،

از اینقرار است: بم ۲۴۰ نفر، رفسنجان ۳۵ نفر، سیرجان ۲۵ نفر، کرمان ۷۸ نفر، اقلید ۱۴ نفر و کازرون ۸ نفر.

در کرج روز ۲۷ دیماه تشییع جنازه های صورت گرفته که در آن جنازه های ۹ نفر از فرهنگیان کرج که در جریان تهاجم دیوانوار ضد کربلای ۵ کشته شده اند به خاک سپرده شد. همچنین تنها در روز ۲۹ دیماه در تربت حیدریه ۱۴ جنازه، در یزد ۲۰ جنازه، در نیشابور ۴۰ جنازه، در مشهد ۷۰ جنازه، در اردبیل ۸ جنازه و در تبریز ۲۰ جنازه تشییع گردیده.

در روزهای ۲۹ و ۳۰ دیماه در قم ۱۰۵ نفر، در کرمان ۵۷ نفر، در همدان ۲۳ نفر و در تبریز ۱۱۲ نفر از کشته های جنگ تشییع جنازه شدند.

همچنین در روزهای اول و دوم بهمن ماه نیز در شهرهای مختلف کشور تشییع اجساد و کشته شده ها ادامه داشت منجمله در اصفهان ۱۲۰ نفر، مشهد ۱۱۷ نفر و تبریز ۴۰ نفر و همچنین در ۳ بهمن نیز در بندرانزلی ۱۵ جنازه ی کشته شدگان تهاجمات اخیر تشییع شد. بنا به گزارشات رسیده، از ابتدای تهاجمات

جنایتکارانه ی ضد کربلای ۴ و ۵ و ۶ تاکنون ۵۰۰ جنازه در استان کرمان تشییع گردیده است.

علاوه بر موارد فوق اخبار دریافتی حاکیست که از ۹۰۰ مزدوری که رژیم خمینی طی یکسال گذشته برای عبور از مناطق آبی به آنها آموزش غواصی داده بود تنها ۲۰ نفر باقی مانده اند.

بر اساس گزارشات مزبور پس از تهاجم شکست خورده ی ضد کربلای ۴ از این تعداد، ۱۵۰ نفر اسیر شده، ۲۰ نفر سالم مانده و بقیه کشته شده اند.

همچنین بر اساس یک گزارش دیگر، تمامی اعضای یک هیئت پزشکی که رژیم خمینی آنها را در اوایل دیماه گذشته به اجبار به جبهه های جنگ ضد میهنی اعزام نموده بود، جان خود را از دست داده اند.

بر اساس این گزارش هیئت پزشکی مذکور شامل ۸ دکتر متخصص بود که چند روز پس از شروع تهاجم تجاوزکارانه ی رژیم بنام ضد کربلای ۴، همگی در جبهه های جنگ کشته شده اند. این پزشکان تا قبل از اعزام اجباری به جبهه های مرگ همگی در بیمارستان ها به مداوای مردم اشتغال داشتند.

در میان کشته شدگان اسامی بسیاری از فرماندهان و مزدوران رده بالای رژیم و یا از افراد سرشناس وابسته به رژیم دیده می شود که برخی از آنها عبارتند از:

حاج علی محمدی فرماندهی یکی از گردان های لشکر موسوم ثارالله حمیدرضا و علیرضا رحمانی دو برادر استاندار جنایتکار گیلان حاج حسین لنگری مسئول پشتیبانی دانشگاه ضدامام حسین و از بنیانگذاران سپاه ضد مردمی زارع خواهرزاده ی آخوند محمد یزدی نایب رئیس مجلس خمینی میرحسینی معاون عملیاتی لشکر موسوم به ثارالله حاج غلامعلی کیاشی شور فرماندهی

عملیاتی لشکر ضد سیدالشهدا محمود سلیمی پسر نماینده ی مجلس ضد مردمی خمینی از میانه هوشنگ نوری سردبیر برنامه ی کارگر رادیوی رژیم.

محمد طاهری خواهرزاده ی ساداتیان رئیس دفتر رفسنجان. عابدینی فرماندهی گردان آفرند فرماندهی گردان مهدی زندی فرماندهی گردان ادوات

مهدی طهانی فرماندهی سپاه ضد مردمی سیرجان علی اصغر ولی زاده مسئول پشتیبانی قرارگاه حمزه کیانپور مسئول اطلاعات و عملیات لشکر ضد سیدالشهدا

حاج محمد عبادیان مسئول پشتیبانی مهندسی رزمی لشکر ضد رسول الله حاج اسماعیل اسکندری مسئول تدارکات لشکر ۱۹ فجر

محمد نقیب پور پسر امام جمعه ی تنکابن و مسئول تبلیغات تیپ ۳۸ ذوالفقار

داوود آجرلو فرماندهی گردان ضد علی اصغر از لشکر ضد سیدالشهدا

حاج حسین میررضی قائم مقام لشکر ضد سیدالشهدا

علیرضا خاموشی پسر علینقی خاموشی رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن

میثم سعیدی محمدی خواهرزاده ی علینقی خاموشی

محمد مشایخی معروف به رودباری مسئول مهندسی رزمی لشکر موسوم به ثارالله

حسین روح اللهی از فالانزهای معروف و جنایتکار بابل که در جاسوسی و سرکوب و همچنین در تحت فشار گذاشتن روستائیان بمنظور اعزام اجباری آنان در جبهه های جنگ بسیار فعال بود و هلاکت او در جبهه باعث خوشحالی عموم مردم بابل شده است. همچنین حسین آهی،

از مزدوران بسیج و اعزام اجباری در روستای کتاب بابل که

## تلفات انبوه و سرسام آور تهاجمات ضد کربلای ۵ و ۶

مجروحین تمام شده و پزشکان قادر به رادیوگرافی از مجروحین نیستند. همچنین در پی افزایش بی سابقه ی مجروحین اعزام اجباری پزشکان و سایر کادرهای پزشکی و درمانی به مسلخ جنگ خانمانسوز

است یکصد مجروح را جابجا کند، همچنین چندین پرواز نیز با هواپیماهای غول پیکر جمبوجت انجام شده که قادر است در هر پرواز ۳۰۰ تا ۴۰۰ مجروح را جابجا نماید. علاوه بر اینها در روز بیستم دیماه، ۶ قطار پر از مجروح نیز از مناطق جنگی به شهرهای ساری، قم، اراک، اصفهان و تهران، رفته و مجروحین خود را تخلیه نموده اند. در روزهای ۲۲، ۲۳ و ۲۴ دیماه نیز قطارهای پر از مجروح وارد اصفهان، گرگان و قائمشهر شده است. قطارهای حامل مجروحین نیز که وارد قم می شوند، بعلت اینکه بیمارستان های قم انباشته از مجروح است و دیگر گنجایش ندارند به مشهد منتقل می شوند.

شایان ذکر است که با تغییراتی که بخاطر حمل مجروح در این قطارها داده شده، هر قطار بطور متوسط ظرفیت حمل ۶۰۰ مجروح را دارد. بنا به گزارشات مزبور در روز ۲۲ دیماه نیز حدود ۴۰۰ مجروح به تبریز، یکصد مجروح به کرمان و ۲۰۰ مجروح نیز به شیراز منتقل گردیده و بستری شده اند. در همین روز ۵ یا ۶ هواپیمای C۱۳۰ حامل مجروح نیز مجروحین خود را در تهران تخلیه کرده اند.

در روزهای سوم و چهارم بهمن ماه، ۱۱ پرواز هواپیمای C۱۳۰ حامل مجروح از جبهه به شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، بندرعباس، شیراز و یزد، انجام گرفته که هر هواپیما بطور متوسط گنجایش یکصد مجروح را دارد. انتقال گسترده ی مجروحین به سراسر کشور در حالی است که هزاران مجروح نیز در شهرهای جنوبی و نزدیک مناطق جنگی بستری شده اند. از جمله در ظرف کمتر از ۲۴ ساعت بیش از هزار مجروح به شهرهای دزفول، شوشتر، سوسنگرد و ماهشهر منتقل گردیده و مجموع مجروحین این ۴ شهر به بیش از ۵۰۰۰ نفر رسیده است. انبوه مجروحین بقدری است که در تعدادی از بیمارستان ها فیلم رادیولوژی برای عکس گرفتن از

هلاکت او در جریان تهاجم تجاوزکارانه ی ضد کربلای ۵ باعث خوشحالی مردم ستمدیده ی روستای گناب شده است.

محمدجعفر شکرپور قائم مقام حزب منفور جمهوری در استان فارس حسینعلی حیدری یکی از فرماندهان طرح و عملیات لشکر ۱۷ ضدعلی ابن ابیطالب حاجی صادقی فرماندهی گردان تیپ ۲۱ ضدامام رضا

رشید روشنی فرماندهی گردان لشکر ۱۷ ضدعلی ابن ابیطالب شیخ حسین طباطبائی از آخوندهای رشت

حاج علی منتظرین مسئول مهندسی نیروی زمینی سپاه

احمد علوی فرماندهی گردان پل سازی قرارگاه حمزه

بیطرف فرماندهی یکی از تیپ های لشکر ۱۷ ضدعلی ابن ابیطالب

نوزاد فرماندهی گردان مقداد از لشکر ۲۲ ضدمحمد رسول الله

نعمت الله امیری مسئول بسیج قرارگاه دریایی نوح

محمدعلی سبجانی و رحمت الله اوهانی از فرماندهان لشکر ۳۱ ضدعاشورا

حسن کربلایی از فرماندهان گردان لشکر ۳۱ ضدعاشورا و حاج اکبر

اسفندیاری عضو شورای مرکزی جهاد سازندگی و مسئول ستاد

پشتیبانی و مهندسی جنگ استان مازندران در جنوب

از طرف دیگر گزارشات موثق حاکیست که تعداد مجروحین تهاجم

جنایتکارانه ی ضد کربلای ۵، که تنها ظرف ۳، ۴ روز اول بعد از تهاجم، از جبهه به شهرهای مختلف تخلیه

شده اند، از ۱۵ هزار نفر متجاوز بوده است.

بنا به این گزارشات تنها طی دو روز (۱۹ و ۲۰ دیماه)، بوسیله ی

۲۸ هواپیما بخشی از مجروحین را از منطقه ی جنگی و فرودگاه اهواز به

شهرهای مختلف کشور تخلیه کرده اند. هواپیماها اکثراً از نوع

C۱۳۰ بوده اند، که در هر پرواز قادر

بشدت افزایش یافته است. منجمه می توان از اعزام اجباری ۳۰۰ امدادگر توسط هلال احمر نام برد که روانه ی جبهه های جنگ ضد میهنی خمینی شدند. این در حالیست که بخش اعظم امکانات بیمارستان ها و درمانگاههای کشور نیز به مجروحین جنگی اختصاص یافته در بسیاری موارد از پذیرفتن بیماران عادی خودداری می شود.

### اعتراف به شکست فضاحت بار تهاجمات ضد کربلای ۵ و ۶ توسط عمال رژیم خمینی

عراق، که به کشته و مجروح شدن هزاران تن دیگر از اعزام شدگان اجباری به جبهه ها منجر گردید را متوجه ارتش دانسته است.

گزارش واصله حاکی است که در همین رابطه، تعدادی از افسران ارشد ارتش و از جمله ۶ سرهنگ، بعنوان مقصر در شکست این تهاجم تجاوزکارانه، توسط مزدوران خمینی دستگیر شده اند.

یادآوری می شود که، چندی پیش نیز بدنبال یکی از شکست های رژیم در جبهه های غربی، بدستور محسن رضایی فرماندهی جنایتکار سپاه پاسداران جنگ و سرکوب خمینی، تعدادی از افسران و فرماندهان ارتش توسط پاسداران دستگیر و پس از محاکمه در دادگاه صحرایی، تیرباران گردیدند.

گزارشات دریافتی همچنین حاکی است که بدنبال شکست ها و تلفات سرسام آور رژیم خمینی، در تهاجمات جنگ افروزانهای اخیرش به خاک عراق، جو شدیدی از نابسامانی، آشفتگی و تشتت در میان نیروهای رژیم مستقر در جبهه ها حاکم گردیده است بطوریکه، علاوه بر کاهش محسوس عنصر هماهنگی در مسائل مربوط به جنگ و اینکه هر کس کار خودش را می کند، موارد متعددی از تمرّد، سرپیچی از دستورات فرماندهان بالاتر، ناراضی و اعتراض نسبت به وضع موجود نیز در جبهه های جنگ ضد میهنی خمینی دیده شده است.

بقیه در صفحه ۳۴

دو هفته پس از تهاجم دیوانه وار ضد کربلای ۵ که به کشته و مجروح شدن دهها هزار نفر از اتباع ایران انجامید، "خرازی" جنایتکار طی یک کنفرانس مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی که روز ۲ بهمن ماه برگزار گردید ضمن اعتراف به شکست فضاحت بار در تهاجمات ضد کربلای ۵، در توجیه این شکست مفتضحانه گفت: "بعضی تصور می کنند که در این مرحله از عملیات، هدف (رژیم)، تصرف بصره است."

وی سپس به توجیه بسیار مسخره و رسوایی متوسل شد و گفت که "هدف، از کار انداختن ماشین جنگی عراق است." و در آن صورت "نه تنها گرفتن بصره بلکه گرفتن شهرهای دیگر عراق چون بغداد نیز هدفی ساده خواهد بود."

برخی خبرنگاران و مفسران نظامی با توجه به فاصله ی ۱۶ کیلومتری شهر بصره تا مرز ایران و شکست های بی دریبی رژیم در تهاجماتش، این فاصله را طولانی ترین ۱۶ کیلومتر جهان لقب داده اند. به گفته ی مفسران مذکور علیرغم جاروجنجال های تبلیغاتی رژیم خمینی دایر بر فتوحات خیالی، نیروهای خمینی هنوز به اولین خطوط دفاعی عراق هم نرسیده اند.

همچنین بر اساس یک گزارش موثق دیگر، رژیم جنگ افروز خمینی، شکست فضاحت بار تهاجم جنایتکارانه ی ضد کربلای ۶ به خاک



## اعتراض دستجمعی خانواده‌های زندانیان سیاسی

صدها تن از خانواده‌های زندانیان سیاسی در اعتراض به اعمال شکنجه و محدودیت‌های ضدانسانی دژخیمان خمینی نسبت به عزیزان خود، به یک تجمع اعتراضی در مقابل دادستانی ضدانقلاب رژیم در تهران مبادرت ورزیدند. تجمع اعتراضی مزبور صبح پنجشنبه بیست‌وپنجم دیماه صورت گرفت و تا چند ساعت ادامه داشت. دژخیمان جنایتکار خمینی اخیراً شماری از اسرای قهرمان مجاهد و مبارز را که دوران محکومیتشان تمام شده، از زندان گوهردشت به زندان اوین منتقل نموده و علاوه بر آنکه از آزاد نمودن آنها خودداری می‌کنند آنها را مورد ضرب و شتم و شکنجه‌ی مجدد نیز قرار می‌دهند. شکنجه‌گران خمینی همچنین از تأمین حداقل نیازهای صنفی زندانیان خودداری می‌کنند، بطوری که در اثر کمبود مواد غذایی و حتی نان، اکثر زندانیان دچار زخم‌معدة و ناراحتی‌های گوارشی شده‌اند. عده‌ای نیز در نتیجه‌ی ایجاد محدودیت توسط زندانیان برای استفاده از دستشویی دچار بیماری‌های کلیوی شده‌اند. مزدوران خمینی وسایل حرارتی زندان را خاموش کرده و از دادن پتو به زندانیان خودداری می‌کنند.

پدران و مادران زندانیان سیاسی در جریان تجمع اعتراضی خود در مقابل دادستانی ضدانقلاب رژیم در تهران، نسبت به این اقدامات جنایتکارانه‌ی مزدوران خمینی به اعتراض و افشاگری پرداختند. اعتراضات آنان موجب جلب حمایت و ابراز همدردی اهالی محل و مردمی که از آن منطقه عبور می‌کردند، گردید.

بدنبال تجمع اعتراضی خانواده‌های زندانیان و حمایت آشکار مردمی از آنان، مزدوران خمینی وحشت‌زده واکنش نشان داده و جنایتکاری بنام انصاری را برای صحبت با خانواده‌های زندانیان و آرام نمودن آنها فرستادند که این مزدور با خشم و افشاگری پدران و مادران زندانیان مواجه شد.

کارگزاران خائن خمینی سپس چند اتوبوس ملو از پاسداران جنایتکار را به محل اعزام نمودند و این مزدوران، کلیه خانواده‌ها را دستگیر کرده و با چشم‌های بسته به زندان اوین می‌برند. دژخیمان خمینی که در زندان نیز با مقاومت و اعتراض خانواده‌های زندانی مواجه می‌شوند، علیرغم دجالگری‌های دینفروشان‌ی رژیم ضدبشری، حتی از برگزاری نماز توسط خانواده‌های دستگیرشده نیز مانعت می‌کنند. رژیم خمینی در وحشت از انعکاس دستگیری خانواده‌ها، تعدادی از آنها را آزاد کرده است اما از سرنوشت بقیه اطلاعی در دست نیست.

این تجمع را بفهمند، اما پاسداران جنایتکار با اخطار و تهدید اسلحه از مردم می‌خواستند که زودتر منطقه را ترک کنند.

گزارشات دریافتی حاکی است، پاسداران زبون که از متفرق ساختن تجمع بزرگ خانواده‌های زندانیان قهرمان مجاهد و مبارز خلق عاجز مانده بودند، از شهربانی تقاضای نیروی کمکی نمودند اما خانواده‌های زندانیان سیاسی ضمن ادامه‌ی مقاومت، به کار توضیحی و افشاگرانه برای نیروهای مزبور پرداختند بطوریکه آنها کمی بعد محل را ترک نمودند. تجمع اعتراضی خانواده‌های زندانیان سیاسی در مقابل مجلس ضدمردمی تا حوالی ساعت ۱ بعدازظهر بطول انجامید. در این ساعت، خانواده‌ها درحالیکه پاسداران خمینی را مخاطب قرار داده و به آنها می‌گفتند "تا حق فرزندانمان را نگیریم آرام نخواهیم نشست"، به تجمع افشاگرانه‌ی خود در مقابل مجلس ارتجاع که چهارساعت‌ونیم بطول انجامید پایان دادند. مادران و خانواده‌های اسرای مجاهد و مبارز سپس با شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" از مقابل مجلس ارتجاع تا تقاطع خیابان مصدق به راهپیمایی پرداختند. که با استقبال و حمایت مردم و سرنشینان اتومبیل‌های در حال عبور مواجه شدند.

### اطلاعیه دفتر مطبوعاتی مجاهدین خلق در پاریس

\* اعتصاب غذای مجدد زندانیان سیاسی "اوین"

\* بازگشت لاجوردی "جلاد تهران" به زندان

\* تظاهرات ۴۰۰ تن از اعضای خانواده‌های زندانیان سیاسی

بر اساس گزارشات رسیده از زندان‌های رژیم خمینی، بدنبال اعتصاب غذای پیرومند زندانیان سیاسی زندان اوین که از اواخر آبانماه تا اوایل دیماه جریان داشت، بیش از ۲۰۰ تن از زندانیان مجاهد و مبارز در همین زندان از تاریخ ۲۰ دیماه دست به اعتصاب غذای دیگری زدند که تاکنون نیز ادامه دارد.

این اعتصاب غذا که در بخش دیگری از زندان اوین صورت می‌گیرد در اعتراض به اعمال سرکوب و شکنجه بر زندانیان، عدم رسیدگی‌های صنفی و بهداشتی صورت می‌گیرد.

بر اساس گزارش رسیده، خمینی بدنبال مطالعه‌ی یک گزارش ۳۰۰ صفحه‌ای که ساواک رژیم برای شخص او در مورد وضعیت زندان‌ها و مقاومت روزافزون زندانیان تهیه کرده بود، دستورات جدید خود مبنی بر تشدید شکنجه و آزار زندانیان سیاسی را صادر نموده است، به همین منظور لاجوردی "جلاد تهران" را بار دیگر به زندان اوین فرستاده است.

یادآوری می‌شود که در جریان اعتصاب غذای پیشین عوامل سرکوب خمینی برای درهم‌شکستن مقاومت زندانیان ۴۰ تن از آنان را به جوخه‌های اعدام سپردند.

همچنین ۴۰۰ تن از اعضای خانواده‌های زندانیان سیاسی در اعتراض به اعمال شکنجه و رفتار ضدانسانی و ایجاد محدودیت‌های شدید صنفی، در مقابل مجلس نامشروع خمینی در تهران به تظاهرات پرداختند.

این تظاهرات که از ساعت ۳ و ۹ دقیقه صبح ۱۶ دی آغاز شده بود چهارونیم ساعت بطول انجامید. تظاهرکنندگان که از مقابل مجلس تا تقاطع خیابان مصدق به راهپیمایی پرداختند شعار می‌دادند "زندانی سیاسی آزاد باید گردد".

دفتر مطبوعاتی مجاهدین خلق ایران - پاریس

۶/ بهمن/ ۱۳۶۵ - ۲۶/ ژانویه/ ۱۹۸۷

## گزارشی از تظاهرات خانواده‌های زندانیان سیاسی

به رفسنجانی مربوط می‌شود اما سرنوشت فرزندان ما به او ربطی ندارد؟! اضافه می‌کنیم که برحسب گزارشات واصله در همان روز افرادی از کشورهای خارجی در مجلس خمینی حضور داشته‌اند و مزدوران رژیم بخاطر اینکه با تظاهرات مادران زندانیان سیاسی آبروی ناداشته‌شان بیشتر رفته است، بشدت خشمگین شده بودند.

در اثنای تجمع خانواده‌های زندانیان سیاسی، نمایندگان مجلس بوزینگان خمینی، دسته‌دسته در پشت شیشه‌های مجلس ظاهر می‌شدند و با ترس و وحشت آنها را نظاره می‌کردند و متقابلاً خانواده‌ها نیز مشتهای گره‌کرده‌ی خود را به نشانه‌ی خشم و نفرت به آنها نشان می‌دادند.

اجتماع ۴۰۰ تن از اعضای خانواده‌های اسرای مجاهد و مبارز خلق به حالت نشسته در برابر مجلس ضدخلق، توجه شدید عابرین و سرنشینان اتومبیل‌هایی را که از مقابل مجلس خمینی عبور می‌کردند برانگیخته بود و مردم می‌خواستند علت

تظاهرات خانواده‌های زندانیان سیاسی از ساعت ۸/۵ صبح روز سه‌شنبه شانزدهم دیماه گذشته در مقابل مجلس ضدمردمی ارتجاع آغاز گردید و تا ساعت ۹/۵ صبح تعداد جمعیت بتدریج به ۴۰۰ نفر رسید.

پاسداران و گشتی‌های سرکوبگر که از مشاهده‌ی جمعیت دچار وحشت شده بودند، خانواده‌های معترض را تهدید می‌کردند که "پراکنده شوید وگرنه خونتان به گردن خودتان است". اما خانواده‌های زندانیان سیاسی ضمن بی‌اعتنایی به این تهدیدات مزدوران رژیم ضدبشری خمینی، خواستار حضور و پاسخگویی رفسنجانی جنایتکار شدند.

در قبال این درخواست یکی از پاسداران مزدور خطاب به مادران و خانواده‌های زندانیان سیاسی گفت اینطور مسائل ربطی به رفسنجانی ندارد که مادران شجاع زندانیان سیاسی دست به افشاگری زده و جواب دادند، چطور است که موضوع گروگان‌های آمریکایی در لبنان و مذاکرات محرمانه با آمریکایی‌ها

هم‌میهنان مبارز؛

لابد برخی از شنوندگان شنیده‌اند که رادیوی حزب دمکرات در برنامه‌ی ۱۵ دیماه خود، گفتاری درباره‌ی پلنوم این حزب پخش کرد و طی آن ضمن حمله به مجاهدین، ادعا نمود: "شورای مقاومت مجاهدین با وضعی که دارد روز بروز انحصاری‌تر شده و از فراگیر بودن دور می‌گردد."

در همانروز - یعنی ۱۵ دیماه - روزنامه‌ی ایتالیایی "پائیزه‌سرا" نیز مصاحبه‌ای را با دبیرکل حزب دمکرات به چاپ رساند که در آن آقای قاسملو مطابق معمول تمامی مصاحبه‌های خود در خارج کشور، فرصت را

می‌باشد. در همین زمینه آقای قاسملو مرتباً بنفع رژیم خمینی ادعا می‌کند که آلترناتیوی در برابر رژیم وجود ندارد تا باز هم فرضیه‌های ثبات و استحاله‌ی خمینی قوت بگیرد و مذاکره‌جویی و کنار آمدن با خمینی جلاد باصطلاح توجیه پیدا کند.

محور اساسی دیگر در صحبت‌های خارج از کشوری دبیرکل حزب دمکرات، لاف‌زنی‌های بی‌دروپیکری نظیر تکرار مداوم این مسئله است، که گویا ایشان، ۱۲ هزار نفر مسلح در اختیار دارند.

بدیهی است که اگر رهبری حزب دمکرات بجای پیشه‌کردن مذاکره‌جویی و سازش با رژیم

وگراف‌های عجیب راجع به نیروهایش بپردازد. بعنوان مثال آقای قاسملو در همین تابستان گذشته طی مصاحبه‌ای با بخش فارسی رادیو بی.بی.سی چنان عنان اختیار از دست داد، که ادعا کرد: "من می‌ترسم یک روز صبح از خواب بیدار شوم و مطلع شوم که فرماندهان ما در غیاب من تصمیم گرفته‌اند بسوی تهران لشکرکشی کنند!! البته این حرف‌ها را کسی جدی نمی‌گیرد. لذا ما نیز معمولاً به آنها چندان توجه نکرده‌ایم. اما چیزی که از آن نمی‌توان گذشت تحریف حقایق آشکار و خاک‌پاشیدن به چشم مردم کردستان است.

اینبار رهبری حزب دمکرات علاوه بر حمله و توهین نسبت به مجاهدین و شورای ملی مقاومت و علاوه بر مبالغه‌گویی‌هایی که آب به آسیاب دعوی ثبات رژیم خمینی می‌ریزد، در روز روشن باز هم دست به قلب و تحریف واقعیت‌های آشکار زده و برای سرپوش گذاشتن بر ننگ مذاکره‌جویی با رژیم خونخوار خمینی که همانا تنها دلیل خروج این حزب از شورای ملی مقاومت بود؛ مجاهدین و شورای ملی مقاومت را، هم در رادیو و هم در مصاحبه‌ی آقای قاسملو مورد حمله قرار داده است. بنابراین روشنگری و یادآوری برخی حقایق را لازم دانستیم.

همانطور که همه می‌دانند و همانطور که هم مجاهدین و هم دیگر اعضای شورا بارها تأکید و تصریح کرده‌اند، علت جدایی حزب دمکرات از شورای ملی مقاومت این بود که حزب برخلاف التزامات شورایی و برخلاف اصل و فلسفه‌ی وجودی این شورا باب مذاکره‌ی سیاسی با رژیم ضدبشری خمینی و جلاد بزرگ تمام مردم ایران را باز کرده بود و به هیچ قیمتی هم حاضر نبود از آن دست بکشد، تا آنکه نهایتاً شورای ملی مقاومت قطعنامه‌ی تنظیم کرد و طی آن با یادآوری و تأکید بر اساس موجودیت شورا - که همانا در نفی تام و تمام رژیم خمینی و کلیه‌ی جناح‌های درونی آن و تلاش برای سرنگونی رژیم خلاصه می‌شود و همان اساسی که حزب دمکرات نیز با پذیرش آن و با امضا و التزام دادن نسبت به آن به عضویت شورا پذیرفته شده بود - از حزب دمکرات خواست که از مذاکره‌جویی با دشمن ضدبشری دست بردارد و همچون دیگر اعضای شورا، این قطعنامه را امضا کند، شورا مهلتی را هم برای اینکار تعیین کرد، اما رهبری حزب دمکرات حاضر به دست برداشتن از مذاکره با رژیم سفاک خمینی نشد و بخاطر اصرار به حفظ ارتباطات و مذاکرات سیاسی خود با دشمن غدار و ضدبشری از شورا خارج شد. که البته این تصمیم رهبری حزب دمکرات بعدها موجب اعتراضات و رویگردانی‌های گسترده‌ای، چه در میان مردم کردستان و چه

## تلاش رهبری حزب دمکرات

### برای توجیه مذاکره‌جویی با دشمن ضدبشری

نقل از: رادیو صدای مجاهد

منظور رهبری حزب دمکرات از آمادگی مذاکره با "هر دولتی که بر سر کار باشد" این است که سیاست رسمی آن مذاکره با همین رژیم سفاک و ضدبشری خمینی است. بنابراین رهبری حزب دمکرات بیهوده می‌کوشد که با گلی‌گویی و با حمله به مجاهدین و بازی با کلمه‌ی دمکراسی، ننگ مذاکره‌جویی با دشمن غدار و ضدبشری را بپوشاند. بگذریم که در گذشته‌های نه چندان دور حزب دمکرات خود پیوسته می‌گفت و می‌نوشت که اعاده‌ی حقوق مردم ستمزده‌ی کردستان نه‌کار هر رژیمی، بلکه تنها در عهده‌ی یک رژیم و آلترناتیو دمکراتیک - انقلابی است.

خمینی و یا بجای درگیر شدن در جنگ و خونریزی‌های داخلی با جریان‌ات دیگر کردستان، قادر می‌بود چنین نیرویی را سازمان بدهد و با رژیم خمینی بجنگد، این امر قبل از همه برای مجاهدین اسباب خوشوقتی بود. اما واقعیت چیزی غیر از ادعاهای فوق‌العاده مبالغه‌آمیز آقای قاسملو و مصاحبه‌هایش در خارجه است. چرا که علیرغم ادعای مربوط به ۱۲ هزار فرد مسلح، مدت‌ها است که این حزب از موضع ضعف کامل در خط مذاکره با خمینی حرکت می‌کند که البته تأثیر بلافاصل آن تضعیف روحیه‌ی مقاومت و ایجاد تشقت در داخل حزب دمکرات است و آنوقت دبیرکل حزب برای سرپوش‌گذاشتن بر این موضع ضعف ناگزیر می‌شود که یا به مجاهدین و شورا حمله کند یا رژیم خمینی را قدرقدرت و باثبات جلوه داده و نیروهای خمینی در کردستان را حداقل چهار برابر بیشتر از میزان واقعی آن وانمود کند و یا به لاف

برای حمله به مجاهدین و شورای ملی مقاومت از دست نداد و همچنین راجع به خروج حزب از شورا مدعی گردید که: "ما متوجه شدیم که در آن شورا مجاهدین سعی می‌کنند به هر قیمتی سایر نیروها را تحت هژمونی خود درآورند و زمانی که متقاعد شدیم که دیگر شورا در بُعد دمکراتیک قابل ترمیم نیست، از آن خارج شدیم."

البته این اولین بار نیست که رهبری حزب دمکرات با چنین برچسب‌هایی مجاهدین را مورد حمله قرار می‌دهد. اساساً یکی از محورهای اساسی مصاحبه‌های قاسملو در خارج کشور که معمولاً هم هیچگاه از قلم نمی‌اندازد، حمله به مجاهدین و شورای ملی مقاومت است، همچنانکه رادیوی حزب نیز در همین راستا کراراً به مجاهدین و رهبری آن تاخته و حتی به رسم عشیرتی هتاک و اهانت نیز روا داشته است که ما عمدتاً آنها را شایسته‌ی پاسخ ندانسته‌ایم.

یکی دیگر از محورهای اساسی مصاحبه‌های دبیرکل حزب دمکرات، در خارج از کشور، که در رابطه با روزنامه‌ی پائیزه‌سرا هم تکرار شده، اغراق و مبالغه‌گویی شگفت‌انگیز، در مورد قدرت رژیم پوسیده و مفلوک خمینی است. آقای قاسملو باز هم در مصاحبه‌اش ادعا کرده که رژیم خمینی ۲۰۰ هزار نیروی مسلح، در کردستان گرد آورده است. مضمون مشخص سیاسی این مبالغه‌گویی، که در صحبت‌های دبیرکل حزب دمکرات، مرتباً تکرار می‌شود، تبلیغ برای ثبات رژیم متزلزل خمینی است که این امر نیز بطور غیرمستقیم در خدمت توجیه مذاکره‌جویی با این رژیم ضدخلقی

## يك موضوعی ننگین دیگر در ادامه خط مذاکره جویی

افسوس که جفاکاری رهبری حزب دمکرات با کلمات و لوٹ کردن آن، تنها به "دمکراسی" محدود نمی‌شود، بلکه بمنظور سرپوش گذاشتن بر فضیحت مذاکره جویی خود، مسئلهی "استقلال رأی حزبی" را هم بازیچهی مذاکره جویی‌هایش با دشمن ضدبشری قرار داده است.

لاابید به یاد دارید که یکی از دعاوی حزب دمکرات هنگام خروج از شورا این بود که گویا شورای ملی مقاومت درصدد بوده که استقلال رأی حزب دمکرات را مخدوش نماید، و مقصود رهبری حزب دمکرات از استقلال رأی و تصمیم‌گیری هم این بود که بتواند در عین عضویت داشتن در شورایی که برای سرنگونی تام‌وتمام رژیم خمینی تشکیل شده، با همین رژیم سر یک میز بنشیند و به مذاکره‌ی سیاسی بپردازد! و خلاصه لکه‌ی ننگ مذاکره با دشمن را به همه‌ی اعضای شورا نیز بچسباند.

و حالا بشنوید که رهبری حزب دمکرات در چارچوب این استدلال، که هر عقل سلیمی به سخافت آن گواهی می‌دهد، و برای توجیه موضع ضعف و زبونی خود در برابر رژیم، کارش بجایی رسیده که جنایات مزدوران پرننگ و فضیحت خمینی، یعنی گروه طالبانی را هم تحت عنوان کلمه‌ی "استقلال"، لاپوشانی می‌کند. شاید برخی شنوندگان شنیده باشند که رادیوی حزب دمکرات چند روز پیش، در قبال سؤالی در مورد موضع حزب دمکرات در برابر گروه طالبانی و مزدوری این گروه برای رژیم خمینی و پادویی این مزدوران برای پاسداران جنایتکار خمینی، پاسخ داد که گروه طالبانی یک حزب مستقل است و بنابراین کارهایش بخود وی بستگی دارد و هیچ ربطی به ما ندارد! دقت کنید: رادیوی حزب دمکرات در تاریخ ۱۲/دیماه/۶۵ در پاسخ به این سؤال که نظر حزب دمکرات راجع به اینکه گروه طالبانی پاسداران خمینی را به کردستان عراق می‌آورد، چیست، می‌گوید: "ما یعنی حزب دمکرات کردستان ایران سیاستی جدا داریم و اتحادیه‌ی میهنی همانند یک تشکیلات کردستان عراق سیاست و مسیری جدا برای خود دارد. اینکه یه‌کتی پاسدار به داخل کردستان عراق می‌آورد به خود وی بستگی دارد و هیچ ربطی به ما ندارد... در کار آنها دخالت نمی‌کنیم. وی را همانند مستقل بودن سایر احزاب سیاسی

دبیرکل، صراحتاً آمده است: "حزب ما هیچگاه اصل مذاکره را رد نکرده است، و هر دولتی که بر سر کار باشد و بخواهد صادقانه و بگونه‌ای جدی درباره‌ی خواست خودمختاری به مذاکره بپردازد، حزب دمکرات آماده است با وی به مذاکره بنشیند."

رهبری حزب دمکرات گاه اظهار می‌دارد که از دیدگاه علمی و بینش سیاسی برخوردار است. اما بدون اینکه چندان به علم و درک سیاسی نیاز باشد، هر کس که الفبای مسائل اجتماعی و سیاسی را بداند بخوبی درک می‌کند که کاربرد عبارت "هر دولتی که بر سر کار باشد و بخواهد صادقانه و بگونه‌ای جدی

## تلاش رهبری حزب دمکرات برای توجیه مذاکره جویی با دشمن ضدبشری

درباره‌ی خواست خودمختاری به مذاکره بپردازد" در توجیه مذاکره جویی با رژیم خمینی از نظر اجتماعی و سیاسی از هیچ پایه‌ی منطقی برخوردار نیست. مثلاً تمامی مردم محروم و ستمزده‌ی کردستان بخوبی می‌دانند که دولت‌های شاه و خمینی بخاطر ماهیت ضدخلقی خود هیچگاه نمی‌توانند "صادقانه و بگونه‌ای جدی درباره‌ی خواست خودمختاری به مذاکره" بپردازند. این حقیقت را بدون شک هر پیشمرگه‌ی صادق تأیید می‌کند که مذاکره با دشمن ارتجاعی و ضدخلقی جز به معنی بهدر دادن خون شهیدان و رنج و زحمت مردمی که در برابر رژیم جلااد خمینی مقاومت کرده‌اند نمی‌باشد. ضمناً معلوم است که منظور رهبری حزب دمکرات از آمادگی مذاکره با "هر دولتی که بر سر کار باشد" این است که سیاست رسمی آن مذاکره با همین رژیم سفاک و ضدبشری خمینی است. بنابراین رهبری حزب دمکرات بیهوده می‌کوشد که با کلی‌گویی و با حمله به مجاهدین و بازی با کلمه‌ی دمکراسی، ننگ مذاکره جویی با دشمن غدار و ضدبشری را ببوشاند. بگذریم که در گذشته‌ای نه چندان دور حزب دمکرات خود پیوسته می‌گفت و می‌نوشت که اعاده‌ی حقوق مردم ستمزده‌ی کردستان نه کار هر رژیمی، بلکه تنها در عهده‌ی یک رژیم و آلترناتیو دمکراتیک - انقلابی است.

کمااینکه تاکنون هیچ نیروی سراسری جز شورای ملی مقاومت و جز مجاهدین پای اعاده‌ی حقوق مردم کردستان را امضا ننموده است. بویژه مجاهدین که در این سال‌ها با خون خود ضرورت اعاده‌ی حقوق هموطنان ستمزده‌ی خود در کردستان را صحه گذاشته‌اند.

در میان پیشمرگان و در درون حزب گردید و به اعتبار و موقعیت این حزب از لحاظ داخلی و بین‌المللی شدیداً لطمه زد. از نظر تاریخی نیز به اثبات رسید که در فقدان یک رهبری انقلابی، جنبش‌های محلی و منطقه‌ای دیر یا زود از مبارزه‌ی پیگیر و فعال با رژیم‌های ارتجاعی خسته و مایوس شده و تحت فشارها و مصائب مبارزاتی به آستانه‌ی سازش درمی‌غلتنند و لذا به تیغ‌کشی سیاسی علیه استوارترین نیروی انقلابی سراسری می‌پردازند و جالب اینکه درحالیکه خود بویی از

دمکراسی انقلابی نبرده‌اند، برای توجیه مذاکره جویی و سازشکاری خود، دمکراسی‌خواهی از مجاهدین را مستمسک قرار می‌دهند. یعنی همان شیوه و حربیه ارتجاعی و امپریالیستی را، که میانه‌بازان فرومایه‌ی خارجه‌نشین از مدت‌ها قبل علیه مجاهدین بکار گرفته بودند و اکنون پس از افشای ماجرای کمک‌های سازمان سیا به بقایای شاه و خمینی برای تاخت‌وتاز علیه مقاومت انقلابی سراسری، آبخشور استعماری اینگونه برچسب‌ها علیه مجاهدین بر همگان روشن گردیده است.

اما رهبری حزب دمکرات پس از خروج از شورا نیز، همواره و بکرات، بر خط خود مبنی بر مذاکره جویی با رژیم خمینی تأکید کرده است، مثلاً آقای قاسملو در مصاحبه‌ای با خبرگزاری فرانسه در تاریخ ۱۴/خرداد امسال تصریح کرد که در گفتگو را بر روی تهران نبسته است. وی همچنین طی مصاحبه‌ای با بخش فارسی رادیو بی.بی.سی که در تاریخ ۲۸/مردادماه امسال پخش شد، بار دیگر پس از حملات و برچسب‌زدن‌های معمول خود به مجاهدین، در مورد مذاکره، صراحتاً بر بازگذاشتن دائمی باب مذاکره بر روی رژیم خمینی تأکید کرده و گفت: "ما همیشه اعلام کرده‌ایم که حاضر به مذاکره هستیم..."

حزب دمکرات همچنین ضمن انتشار اسناد کنگره‌ی هفتم این حزب (که مسائل زیادی را در درون این حزب نیز برانگیخت) بطور واضح و آشکار بر مذاکره و مذاکره جویی بعنوان سیاست رسمی خود تصریح کرد.

در جزوه‌ای که طی آن، اسناد کنگره‌ی هفتم حزب دمکرات منتشر شد، ضمن گزارش سیاسی کمیته‌ی مرکزی به کنگره‌ی هفتم توسط

به این ترتیب مشاهده می‌شود که کلمه "استقلال" نیز، همچون دمکراسی فقط سرپوش تمایلات سازشکارانه است.

البته هم‌میهنان کرد ما آگاه‌تر از آن هستند که گول کلمات را بخورند، و مفهوم واقعی دمکراسی و استقلال مورد ادعای رهبری حزب دمکرات را درنیايند. بخصوص که خوب می‌دانند رهبری حزب دمکرات در حرف - آنهم البته در اروپا - اینچنین خوشگوار و شیرین از دمکراسی دم می‌زند، ولی در خود کردستان و یا در درون حزب، با مردم چه می‌کند و چگونه با زورگویی‌ها و اجحافات خود باعث واردگی و انفعال عده‌ی زیادی شده است. و اینهم موضوعی است که عنداللزوم ما با ذکر جزئیات در آینده به آن خواهیم پرداخت. اگر چه برای مردم مبارز کردستان که رژیم خمینی و ستم و سرکوب آن را با پوست و گوشت خود لمس کرده‌اند، عملکردهای ضددمکراتیک رهبری حزب دمکرات هرگز مجوز کوتاه آمدن در برابر رژیم ضدبشری خمینی نبوده و نیست و آنها همچنان به مبارزه‌ی خود ادامه می‌دهند.

مردم کردستان می‌دانند که هم حمله‌ی رهبری حزب دمکرات به مجاهدین به بهانه‌ی دمکراسی، و هم تبلیغ این مسئله از سوی حزب که رژیم آلترناتیو و حتی یک اپوزیسیون نیرومند ندارد و تثبیت شده است، و هم سرپوش گذاشتن بر جنایات و آدمکشی‌های دارودسته‌ی جلال طالبانی که آشکارا از جنگ‌طلبی خمینی جانبداری می‌کند و به روی مقاومت خنجر می‌کشد، همه و همه عوارض خط مذاکره‌جویی و کنار آمدن با دشمن از موضع ضعف و زبونی است. بدیهی است این مواضع رهبری حزب دمکرات از چشمان تیزبین مردم هوشیار و مبارز کردستان پنهان نمی‌ماند و آنان اجازه نمی‌دهند که مقاومت مردم کردستان و خون پیشمرگان توسط رهبری حزب دمکرات به ثمن بخش به رژیم خمینی و مزدوران جنایتکارش فروخته شود.

این حق مسلم مردم ایران، بویژه حق مردم کردستان است که از مواضع گروه‌های سیاسی و گروه‌های کرد ایرانی درباره‌ی این مزدوران خمینی مطلع شوند، شاید در آن هنگام تصور اینکه کار رهبری حزب دمکرات در تعقیب خط مذاکره‌جویی به اینجا بکشد که به لاپوشانی جنایات گروه طالبانی با اینهمه ننگ و فضیحت آشکار بپردازد دشوار بود، اما چه باید کرد که این عاقبت همه‌ی کسانی است که از مقاومت دور، و به دشمن ضدبشری نزدیک می‌شوند. بر اساس اخبار و گزارشات موثقی که از تهران بدست ما رسیده و ضروری است که به اطلاع هم‌میهنان بخصوص مردم دلیر کردستان برسد، یکی از مأموریت‌های طالبانی مزدور، جلب گروه‌های کرد ایرانی به رژیم خمینی است، که این مسئولیت را تحت امر پاسدار ذوالقدر، فرماندهی قرارگاه رمضان پیگیری می‌کند و در همین رابطه ملاقات‌هایی هم با برخی مسئولین حزب دمکرات داشته است، که نتیجه‌ی این ملاقات‌ها چه بطور حضوری توسط خود جلال طالبانی و چه از طریق پاسدار ذوالقدر به تهران و رفسنجانی جنایتکار گزارش شده است.

سندج را به اعتراضات خشمگینانه علیه آنان برانگیخت و مردم این شهرها آنها را با خفت و خواری تمام از شهر و محله‌ی خود رانده‌اند.

شنوندگان عزیز "صدای مجاهد" و بویژه مردم کردستان بیاد دارند که چندی پیش پس از آنکه گروه طالبانی ده‌رزمنده‌ی مجاهد خلق را در حال عبور به ایزان و بدون اینکه کمترین قصد درگیری با گروه طالبانی داشته باشند، ناجوانمردانه کشتار کرد و پس از آنکه طالبانی بطور تمام‌عیار به مزدوری خمینی درآمد و سر از تهران و زیر عبا‌ی رفسنجانی درآورد؛ ما گفتیم که

## تلاش رهبری حزب دمکرات برای توجیه مذاکره‌جویی با دشمن ضدبشری

مردم کردستان می‌دانند که هم حمله‌ی رهبری حزب دمکرات به مجاهدین به بهانه‌ی دمکراسی، و هم تبلیغ این مسئله از سوی حزب که رژیم آلترناتیو و حتی یک اپوزیسیون نیرومند ندارد و تثبیت شده است، و هم سرپوش گذاشتن بر جنایات و آدمکشی‌های دارودسته‌ی جلال طالبانی که آشکارا از جنگ‌طلبی خمینی جانبداری می‌کند و به روی مقاومت خنجر می‌کشد، همه و همه عوارض خط مذاکره‌جویی و کنار آمدن با دشمن از موضع ضعف و زبونی است. بدیهی است این مواضع رهبری حزب دمکرات از چشمان تیزبین مردم هوشیار و مبارز کردستان پنهان نمی‌ماند و آنان اجازه نمی‌دهند که مقاومت مردم کردستان و خون پیشمرگان توسط رهبری حزب دمکرات به ثمن بخش به رژیم خمینی و مزدوران جنایتکارش فروخته شود.

ضدیت ورزیده باشند، تا آخر خط مزدوری و جنایت تاخت.

رهبری حزب دمکرات با بازی کردن سازشکارانه با کلمه‌ی استقلال حزبی، به توجیه خیانت و جنایت طالبانی مزدور پرداخته که آشکارا اعلام می‌کند سرسپردگی خمینی است و از جنگ‌طلبی ارتجاعی و ضدمردمی خمینی حمایت می‌کند. درحالیکه خود این طالبانی در سال ۶۲ اعلام می‌کرد که جنگ جز در خدمت استعمار و صهیونیسم و ارتجاع نیست. رهبری حزب دمکرات در منطق سازش با دشمن ضدبشری، گروه مزدور طالبانی را که آلت‌دست پاسداران جنایتکار خمینی و هیزمکش خوار و فرومایه‌ی این جنگ ارتجاعی و امپریالیستی شده، بوسیله‌ی بازی کردن با مفهوم "استقلال رأی حزبی" عملاً تبرئه می‌کند.

رهبری حزب دمکرات با سرپوش قرار دادن کلمه‌ی استقلال به لاپوشانی عملکردهای جنایتکارانه‌ی دارودسته‌ی اوپاشی برخاسته که همدستی آنان با پاسداران و تعدی و تجاوز مکرر آنها به جان و مال و ناموس هم‌میهنان کرد ما، مردم دلیر و آگاه شهرهای بانه، سقز، سردشت، مهاباد و

## احسان نراقی قلم بمزد در خیمان خمینی و مزدور ساواک شاه

شگرفی را بر علیه خمینی و برای "صلح و آزادی" به پیش می‌برند، توهین کرده است. او از موضع "فیلسوف‌مآبانه" سعی می‌کند جنایات ساواک شاه و ساوامای خمینی را توجیه کند. اما درباره‌ی اظهار نظر وی در مورد اسلام مورد ادعای خمینی و "کاریزمای مذهبی-سیاسی" او و اینکه "با اشاره به نزدیک بودن مرگش هزار سرباز را به گریه انداخت" نیز: اولاً- تا آنجا که به "توانایی" توجیه دیکتاتوری برمی‌گردد، مضحکه‌هایی که نراقی در مزدوری ساواک و در وصف "دیکتاتوری شاهنشاهی" می‌گفت الحق "آبرومندان" تر از خزعبلاتی است که در وصف دیکتاتوری مذهبی خمینی بهم می‌بافد.

ثانیاً- نراقی و کسانی که احتمالاً بخواهند فرضیه‌های او را جدی بگیرند، باید بدانند که "زبده‌ترین" اسلام‌شناسان خمینی و "مداحان" رژیم خمینی، بنا به ماهیت ضدتاریخی و ارتجاعی "اسلام" خمینی، آنقدر به تناقض‌گویی و مهمل‌بافی دچار شده‌اند که از طرف ایرانیان بلحاظ فکری و بینش به "دایناسورها" معروف هستند. بنابراین بهتر است نراقی، کاری به کار اسلام و فرهنگ اسلامی که هیچ ربطی به دیکتاتوری فئاتیک خمینی ندارند، نداشته باشد و به همان "افتخارات" شاه‌پسندانه و خمینی‌طلبانه اکتفا کند.

بیژن اصلی

انجمن دانشجویان مسلمان ایرانی  
هواداران

سازمان مجاهدین خلق ایران  
رم - ۳۰/۳۰/۳۰/۳۰/۳۰

تلقی می‌کنند" وی همچنین به نمایش گمدی تلویزیون ایتالیا درباره‌ی روابط پنهانی خمینی با آمریکا اعتراض نموده و ادعا کرده بود که این گارها مردم ایران (!) را ناراحت می‌کند. نراقی مزدور، اختناق قرون‌وسطایی خمینی را نیز توجیه کرده و تیترو و سوتیترو مصاحبه‌اش عبارت از این بود که: "ایران تحت حاکمیت شیطان نیست" و "در تهران انتقاد امکان‌پذیر است اما شوخی (توهین‌آمیز) نه!!". جالب اینکه نراقی، مزدور دستگاه‌های سرکوب شاه و شیخ، خودش را "روشنفکر" و "مخالف" خمینی هم جا زده بود! از طرف هواداران مجاهدین خلق توضیحی درباره‌ی ماهیت احسان نراقی و مصاحبه‌ی او برای روزنامه‌ی مزدور فرستاده شد که در شماره‌ی ۱۸/ژانویه/۸۷ این روزنامه درج گردید. متن پاسخ هواداران مجاهدین را ذیلأ ملاحظه می‌کنید.

احسان نراقی مزدور سابق ساواک شاه و یکی از قلم‌بمزد های رژیم ضدبشری خمینی که در شماره‌ی ۷۷ نشریه‌ی اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان مختصراً به چگونگی مزدوری او و ارتباطش با سازمان تبلیغات ضداسلامی رژیم خمینی اشاره کردیم، چندی قبل طی مصاحبه‌ای که در شماره‌ی ۳۰/نوامبر/۸۶ روزنامه‌ی ایتالیایی کوریر دلا سرا منتشر شده، به توجیه درباره‌ی اختناق خمینی و تبلیغ برای استبداد قرون‌وسطایی حاکم پرداخت.

این مزدور در مصاحبه‌اش برای خمینی و سیاست جنگ و سرکوب او تبلیغ کرده و چنین وانمود کرده بود که مرتجعین در ایران پایگاه گسترده‌ی مردمی دارند. نراقی مزدور در مصاحبه‌اش منجمله گفته بود: "در ایران ۶۰۰ هزار اروپایی‌مآب و ۳۰ میلیون دهاتی وجود دارد و شکی نیست که این اکثریت دهاتی مسئله‌ی آزادی‌های فردی را بی‌معنی

### CORRIERE DELLA SERA

کوریر دلا سرا- ایتالیا

۱۸/ژانویه/۸۷

افکنده شد و بعداً نیز که با وساطت بنی‌صدر آزاد شد، بنی‌صدر بدلیل دافعه‌ی شدید اجتماعی امثال نراقی بخاطر سوابق جنایت‌بارشان از تأیید "لکه‌ی ننگ" هرگونه دخالت در آزاد کردن او، تا موقعی که در داخل ایران بود، خودداری می‌کرد.

نراقی هم اکنون نیز از جمله در مصاحبه با روزنامه‌ی شما با بیان اینکه "در ایران ۳۰ میلیون دهاتی وجود دارد... که اکثریت عظیم آنان مسئله‌ی آزادی‌های فردی را بی‌معنی تلقی می‌کنند". در واقع به مردم ایران که با شعار "استقلال و آزادی" شاه را سرنگون کردند و با بهای سنگین ۵۰ هزار اعدامی و ۱۴۰ هزار زندانی سیاسی مقاومت

عمومی بین‌المللی برخوردار باشد. و مطمئناً او نیز به همین دلیل از این اتیکت نامناسب برای خودش استفاده می‌کند. اما جالب اینکه در زیر تیترو همین مصاحبه با گفتن اینکه "در تهران انتقاد امکان‌پذیر است اما شوخی (توهین‌آمیز) نه"، دم خروس بیرون زده و این سؤال به ذهن می‌رسد که پس به چه دلیل او "تحت تعقیب خمینی" است!؟

برای روشن شدن مطلب توجه شما را به نکات زیر جلب می‌کنم:

احسان نراقی پس از سرنگونی دیکتاتوری شاه و بجرم همکاری و مزدوری ساواک بیرحم و وحشی توسط مردم دستگیر و متعاقباً به زندان

آقای سردبیر،  
مصاحبه‌ی خبرنگار روزنامه‌ی شما با "احسان نراقی" که در روزنامه‌ی کوریر دلا سرا ۳۰/نوامبر/۸۶ تحت عنوان "ایران تحت حاکمیت شیطان نیست" را مشاهده کردم.

احسان نراقی یکی از بااصطلاح "روشنفکران" و "ایدئولوگ‌های سیاسی" ساواک بیرحم و منفور شاه است و مطمئناً از روی ناآگاهی از طرف روزنامه‌ی شما بعنوان "نویسنده‌ی ایرانی تحت تعقیب خمینی" معرفی شده است. البته خمینی آنقدر جنایات ضدبشری کرده است که از دافعه‌ی او و همچنین به یمن تلاش‌های مجاهدین خلق ایران هر "تحت تعقیب از طرف خمینی"، از یک سبب‌اتی انسان‌دوستانه در افکار

ارتجاع: جنگ، جنگ، اختناق

انقلاب: صلح، صلح، آزادی

### بر ملا کردن مواضع جنایتکارانه

## جلاد خراسان از طرف مزدوران خمینی

در حالیکه رژیم خمینی پس از مجازات انقلابی حسین قانع گلپای، جلاد خراسان و رئیس کل زندان ها و شکنجه گاه های خمینی جلاد در این استان، بطرز زبونانه ای تلاش می کرد که مقام و موقعیت این دژخیم را پوشیده نگاه دارد؛ کارگزاران و دژخیمان خمینی در نهادهای جنگ و جنایت رژیم که در میان آنها اسامی دادستانی ضدانقلاب رژیم در مشهد، اداره ی کل زندان ها، پلیس قضایی خراسان، و دفتر نمایندگی منتظری جنایتکار مشاهده می شود، طی اطلاعیه ای همراه با سوز و گداز شدید بخاطر از دست دادن این مهمترین مهره ی جنایتکار خمینی در خراسان، مشاغل این جلاد و موقعیت او را برملا کردند. همانطور که در کلیشه ی مقابل ملاحظه می کنید در این اطلاعیه مشاغل جنایتکارانه ی جلاد خراسان در دادستانی ضدانقلابی خمینی در این استان و اداره ی کل زندان های استان خراسان صراحتاً قید شده و از طرف اداره ی کل زندان های استان خراسان و دادسرای ضدانقلابی خمینی و نمایندگی منتظری مجالس ختمی برای جلاد معدوم خراسان در روزهای سه شنبه شانزدهم، چهارشنبه هفدهم و پنجشنبه هجدهم دیماه، اعلام شده است.

یادآوری می کنیم که ابتدا رژیم خمینی در تلاش زبونانه اش برای پنهان نگاه داشتن موقعیت این دژخیم و مجازات شدن او توسط رزمندگان مجاهد خلق، لاشه ی او را میان کشته های جنگ و بدون سروصدا و مراسم خاص بگور سپرده بود.

عروج عاشقانه شهید مسازروا مشارک برادر حسین اصغر قانع گلپای که بدست مزدوران شب بروت و فریب خورده شرق و غرب به خاک و خون کشیده شده پیشگاه حضرت ولی عصر (عج) و امام امت و امت نهاد پرورش بریک و شملت عرض می نمایم ،

شهید حسین قانع : از او ان جوانی به ندای انسانم خویش لبیک گفت و سالهایی را در سرد و سوزناک نظام طاغوت سپری نمود. ایامی را در سبزه های ستم شاه گذراند و پس از بیروزی انقلاب نگو همشده اسلامی همواره بر سترهای کونکون حبه و جهاد، دادستانی انقلاب اسلامی مشهد، اداره کل زندان های خراسان، دانشگاه و انجمن اسلامی دانشجویان آگاه به هدیه راه شهیدان و دوستان رزمنده خویش بود. عارفانه و مشتاقانه در انتظار نهادت لحظه نزاری میگرد و عاقبت به بدیدار محبوب خود شناخت.

برای همکاری باوری دلروز، برای دانشجویان مذهبی آگاه و برای خانواده برپستی رشوف سبب بود.

روحش شاد و راهش پر رهرو باد

مراسم تنظیم و بزرگداشت آن شهید شرح ذیل اعلام میگردد:

سه شنبه: ۶۵/۱۰/۱۶ صبح از ساعت ۹ الی ۱۱ بعد از ظهر از ساعت ۲ الی ۴ مجدداً مهدی واقع در خیابان فلسطین، از طرف خانواده شهید.

چهارشنبه: ۶۵/۱۰/۱۷ صبح از ساعت ۹ الی ۱۱ مسجد دانشگاه واقع در اول احمدآباد، از طرف دفتر نماز بندگی حضرت آیت الله العظمی منتظری در دانشگاه مشهد، جهاد دانشگاهی مدیریت دانشگاه، انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه مشهد

بعد از ظهر: از ساعت ۲ الی ۴ مسجد جامع کوهراشاد، از طرف دادستانی انقلاب اسلامی مشهد، اداره کل زندانها، پلیس قضایی خراسان

پنجشنبه: ۶۵/۱۰/۱۸ بعد از ظهر از ساعت ۲ الی ۴ مسجد حاج الزمان واقع در میدان حاج الزمان، از طرف بستگان شهید.

ضمناً همه روزه بعد از ظهرها مجلس زنان در منزل شهید واقع در بلوار رحمت، مقابل ملوکا سی بسیج اول نامه خیز، میلان دوم جنب آرایشگاه سفید مساند،

امیدواریم با شرکت امت هشته در صحنه و حیرت آمیز مراسم فوق هر چه با شکوه تر برگزار گردد

روابط عمومی دادسرای انقلاب اسلامی مشهد  
انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه مشهد

## عملکردهای مرتجعین در مدرسه ها

اداره آموزش و پرورش  
تاریخ: ۷۶/۶/۲۳  
شماره: ۱۰۱۰۱۰۰۰۰۰۰  
پوست: ن

**محرماتنه**

وزارت آموزش و پرورش  
اداره آموزش و پرورش تهران

از: اداره آموزش و پرورش منطقه ۳  
به: کلیه واحدهای آموزشی

احتراماً با توجه به شروع سال تحصیلی جدید بدینوسیله به شما مسئول محترم ابلاغ میگردد که دانش آموزان از پوشیدن هرگونه لباس "جین" خودداری نموده و بدیهی است که عدم اجرای این دستور به معنای توهین به موازین مقدس اسلامی خواهد بود. و مدرسه هیچگونه تعیدی نسبت به این امر تحصیل اینگونه دانش آموزان خاطرخواهد داشت.

مراعات را بصورت شفاهی به اولیاء دانش آموزان اعلام نمائید.  
رونوشت به: کلیه واحدهای آموزشی  
دستان - راهنمایی - دبیرستان ( دخترستان )

**محرماتنه**

اداره  
تاریخ: ۷۶/۶/۲۳  
شماره: ۱۰۱۰۱۰۰۰۰۰۰۰  
پوست: ن

**خیلی محرماتنه**

وزارت آموزش و پرورش  
اداره آموزش و پرورش تهران

از: اداره آموزش و پرورش منطقه ۳  
به: کلیه واحدهای آموزشی

احتراماً با نظریه افزایش بیدار گویا در سال تحصیلی ۶۴-۶۳ عده ای از همکاران با طرز فکری که چنداً از آنچه که در گزارش به آنها ابلاغ گردیده در محیط آموزشی حضور و در کلاسها افکار و عقاید شخصی خویش را تبلیغ مینمایند در صورت مشاهده اینگونه موارد در سال تحصیلی جدید بلافاصله اداره را مشا هدها اینگونه موارد در سال تحصیلی جدید بلافاصله اداره را در جریان امر قرار داده تا نسبت به پاکسازی آنها اقدام لازم مبذول گردد.  
رونوشت به:

ابتدایی - راهنمایی - دبیرستان ( دخترانه )

**خیلی محرماتنه**

## روابط پنهانی رژیم خمینی با آمریکا

## پس از افشای افتضاحات گذشته همچنان ادامه دارد

\* خبرگزاری رویترز ۲/ بهمن: منابع کنگرهی آمریکا گفتند که جرج شولتز وزیر امور خارجهی آمریکا در شهادت امروز خود اظهار داشت که سازمان سیا، حتی بعد از افشای معاملات سلاح با رژیم ایران به انجام تماس جهت معاوضه سلاح با گروگان‌ها با رژیم خمینی ادامه داده... شبکهی تلویزیونی C. B. S به نقل از منابعی که نامشان فاش نشده گفته است که شولتز در اظهارات خود در مقابل کمیتهی روابط خارجی کنگره امروز گفته است که پس از آنکه وی در اواخر سال ۱۹۸۶ مسئول سیاست ایران شد ملاقاتی با نمایندگان سازمان سیا بعمل آورد. آنها او را در این ملاقات تحت فشار قرار دادند تا به آنها اجازه داده شود به تماس‌های خود با رژیم خمینی ادامه دهند و شولتز تنها در صورت حضور دائمی نماینده‌ای از وزارت امور خارجهی آمریکا موافقت نمود... یک نمایندهی کنگرهی آمریکا و سایر منابع گفتند که تماس‌ها و اقدامات جدید بعد از آنکه فروش سلاح به ایران با اجازهی ریگان در ماه نوامبر گذشته افشاء شد و ریگان علناً گفت که هیچ فروش دیگری به ایران صورت نخواهد گرفت،

انجام شده است. منابع گفتند که شولتز با ملاقاتی بین آمریکا و نمایندگان رژیم خمینی در اروپا ظاهراً در لندن در ۶/ دسامبر ۸۶ موافقت نمود اما وی تعجب کرد از اینکه مزدوران رژیم با یک برنامه‌ی ۹ ماده‌ای حضور یافتند و مجدداً خواستار معاوضه سلاح‌های آمریکایی با گروگان‌های آمریکایی در لبنان شده‌اند...

جرج شولتز همچنین به نمایندگان کنگره گفته است وی مدارکی را یافته که ظاهراً طرحی برای معاوضه سلاح با گروگان‌ها بوده که الیور نورث و سازمان سیا پس از افشاشدن معاملات سلاح با ایران مجدداً ریخته بودند.

\* روزنامهی دیلی تلگراف ۳/ بهمن: ظاهراً یک خانهی امن در لندن توسط مقامات رسمی آمریکا برای گفتگوهای مخفی با ایران در ماه گذشته، سه هفته پس از اینکه پرزیدنت ریگان اعلام کرد که وی دستور داده هیچ سلاح دیگری به تهران ارسال نشود، استفاده شد. ۶/ دسامبر، تاریخ ملاقات، روزی بود که ریگان در پیام رادیویی خود تکرار کرد که تلاش‌های وی برای برقراری رابطه با مدره‌های ایران قطع شده است.

## «میان‌رو» های سرهنگ نورث!

روزنامه‌ی دالاس مورنینگ نیوز، در سرمقاله‌ی بیست و نهم دیماه خود، با انگشت گذاشتن بر وجود رابطه‌ی مستقیم میان وضعیت بی‌ثبات و متزلزل رژیم و برقراری مذاکره و معامله‌ی دارودسته‌ی خمینی با آمریکا نوشت: "جان پویندکستر و سرهنگ اولیور نورث، تشخیص دادند که با فروش سلاح به آیت‌الله، پایه‌های لرزان رژیم فئاتیک‌های مذهبی را تقویت خواهند کرد."

این روزنامه، ضمن انعکاس کنفرانس مطبوعاتی مجاهدین شکنجه‌شده که در آمریکا برگزار شد، می‌نویسد: "یک زن جوان ۲۵ ساله توضیح داد که چگونه با گابل او را بشدت زده بودند... او... هنوز از آثار خونریزی گلیه‌اش رنج می‌برد. زن دیگری نیز گفت که چگونه او را وادار کرده‌اند اعدام شوهرش را تماشا کنند... نمایندگان مجلس ایران، که در شکنجه کردن این قربانیان شرکت داشتند، در زمره‌ی آن باصطلاح میان‌روهایی می‌باشند که نورث در سفر پنهانی خود به تهران با آنها ملاقات کرده بود! شرح حال این قربانیان تصویر دردناکی از فساد سیاسی در ایران است... آمریکا باید عمیقاً از وصف این شکنجه‌ها آزرده گردد."

## اهمیت ادامه

## جنگ رژیم خمینی با عراق برای اسرائیل

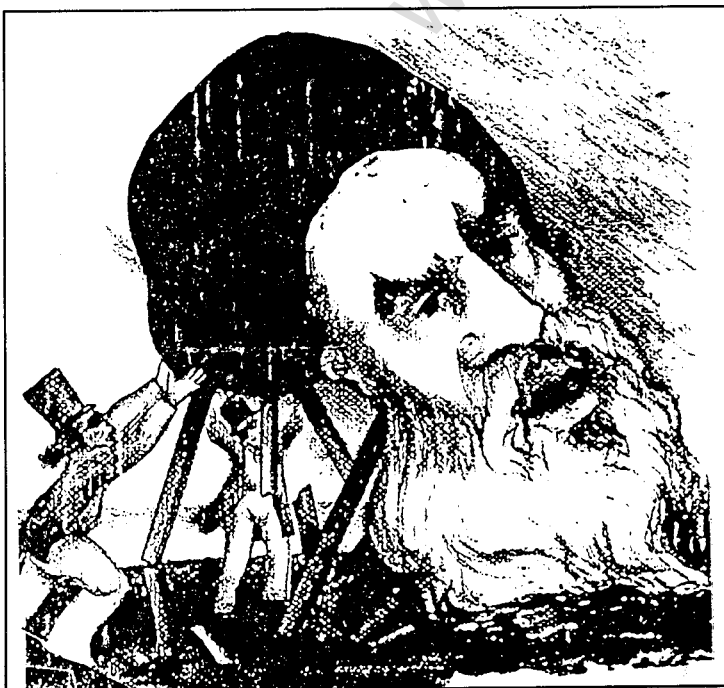
روزنامه‌ی کریستین ساینس مانیتور در شماره‌ی ۲۵/ دی با تأکید بر اینکه رژیم خمینی تمام عایدات خود را نیز مصروف جنگ ساخته است، دلایل تداوم رابطه‌ی رژیم خمینی با اسرائیل را مورد بررسی قرار داده و می‌نویسد: "عامل اسرائیل در جنگ ایران و عراق بسیار مهم است. (رژیم) ایران بدلیل دریافت قطعات یدکی هواپیما و تانک‌های آمریکایی از اسرائیل به آن مدیون می‌باشد. اسرائیل این کمک را برغم اینکه خمینی ادعای دشمنی با اسرائیل می‌کند، داده است."

این روزنامه سپس اضافه می‌کند: "عراق نیز یک دشمن قسم‌خورده‌ی اسرائیل است و می‌تواند یک عامل نظامی در صورت بروز جنگ دیگری بین اعراب و اسرائیل باشد. در این میان اسرائیل از ادامه‌ی جنگ ایران و عراق که عراق را خنثی می‌کند و از اسرائیل دور نگاه می‌دارد سود جسته است."

هفته‌نامه‌ی الیوم السابع

۶۵/ دی/ ۲۹

الیوم السابع



Milliyet

ملیت - ترکیه

۶۵/ دی/ ۲۹

پشت پرده‌ی روابط آمریکا - خمینی  
سفره‌ی شیطان



رژیم ضد مردمی خمینی از مدتی پیش تبلیغات دجالگرانه‌ای را شروع کرده که گویا می‌خواهد با افزایش صادرات کالاهای غیرنفتی، جای خالی درآمد نفت را که به حدود ۱/۳ میزان سابق کاهش یافته، پر کند و خود را از ورشکستگی اقتصادی نجات دهد. این تبلیغات در شرایطی است که نسبت صادرات غیرنفتی به صادرات نفت، ۲ در برابر ۹۸ است و از طرف دیگر صادرات کالاهای غیرنفتی، بدلیل نابودی کلیه میانی تولیدی کشور طی سال‌های اخیر، مرتباً سیر نزولی داشته و بنا به آماری که

درآمد خود را به این وسیله جبران می‌کند و جای ۹۲ تا ۹۳ درصد بقیه همچنان خالیست. اما رژیمی که روز بروز می‌کشد، رژیمی که بخاطر اضافه کردن یک روز به حیات نتگین خود حاضر است تمامی یک کشور و همه‌ی مردم را نابود کند، با این حساب و کتاب‌ها کاری ندارد و مثل غریقی است که برای نجات خود به هر خس‌وخاشاکی چنگ می‌زند و هر جنایتی را در حق مردم مرتکب می‌شود تا فقط یک دلار ارز بیشتر بدست آورد و یک فشنگ اضافی برای جنگ پلیدش بخرد. با این

اما دامنه‌ی اجناس صادراتی فقط به میوه و صیفی‌جات و اقلامی از قبیل هندوانه و خربزه محدود نمی‌شود؛ معاون مزدور اقتصادی و بازرگانی وزارت صنایع چندی پیش طی مصاحبه‌ای اعلام کرد که بمنظور مقابله با کاهش شدید درآمدهای ارزی، صادرات ۶۲ قلم کالا آزاد شده است. او بخصوص تأکید کرد که در میان این ۶۲ قلم، صدور برخی کالاهای کوپنی نظیر روغن‌نباتی، قند و شکر، پودر و صابون هم آزاد اعلام شده است. بعداً هم در میان کالاهایی که رژیم ضد مردمی خمینی گاه به گاه

## صدور ضروری‌ترین کالاهای مایحتاج مردم برای تأمین هزینه‌های جنگ و سرکوب

خود رژیم منتشر نموده از سال ۵۶، که معادل ۶۰۰ میلیون دلار بوده، در سال ۶۳ به کمتر از نصف، یعنی به ۲۸۰ میلیون دلار کاهش یافته است. بعنوان مثال برخی کالاهای صادراتی سنتی نظیر پنبه، بکلی از فهرست صادرات حذف گردیده و برخی دیگر نظیر قالی و خاویار نیز افت فاحش داشته است.

اما علیرغم این واقعیات رژیم ضد مردمی خمینی با روش‌هایی که بعداً اشاره خواهیم کرد، ادعا می‌کند که توانسته است: میزان صادرات کالاهای غیرنفتی را در سال گذشته به ۵۰۰ میلیون دلار برساند و سردمداران رژیم بخود وعده می‌دهند که با شیره‌کش کردن همه‌ی امکانات کشور و با به پول نزدیک کردن هر چیزی که در خارج از کشور قابل فروش باشد، از خیار و هندوانه گرفته تا مواد معدنی و غیره، این میزان را به حدود یک میلیارد دلار برسانند. اگر همه‌ی ادعاهای رژیم را درست بپذیریم و فرض کنیم که همه‌ی آرزوهای رژیم هم در این زمینه تحقق پیدا کند، تازه رژیم خواهد توانست ۱ میلیارد از ۱۲ تا ۱۴ میلیارد دلار کسری درآمد خود بخاطر کاهش صدور نفت را جبران کند. یعنی رژیم فلاکت‌زده‌ی خمینی تنها ۷ تا ۸ درصد از کسری

بینش ضد بشری و با وجود آنکه در حال حاضر میهن خمینی‌زده‌ی ما تقریباً در شرایط قحطی بسر می‌برد و کلیه‌ی مواد غذایی بشدت کمیاب و حتی نایاب است، رژیم پلید خمینی، همین مختصر قوت لایموت باقیمانده را نیز از گلو‌ی مردم می‌برد و آنرا به خارج کشور صادر می‌کند.

از جمله اقلامی که رژیم با سروصدا اعلام کرد که صادراتش را زیاد کرده، میوه‌جات و صیفی‌جات است. نظیر خربزه و هندوانه، خیار و گوجه‌فرنگی، پیاز و سیب‌زمینی، سبزیجات و امثالهم. یعنی بخشی از همان چیزهایی که طی سال‌های اخیر فریاد مردم از کمبود و گرانی آنها به آسمان بلند شده است. اما بعد از سیاست خائنانه‌ی صدور این کالاهای بود که قیمت‌ها باز هم بطور وحشتناکی افزایش پیدا کرد؛ بطوریکه قیمت خیار هم که در میان باصطلاح میوه‌ها جزء معدود چیزهایی بود که مردم کم‌درآمد و زحمتکش هم به آن دسترسی داشتند، ناگهان به کیلویی ۳۰، ۴۰ تومان رسید. در مورد سایر اقلام نیز قیمت‌ها بطور چشمگیری افزایش یافت، تا آنجا که حتی روزنامه‌های جیره‌خوار خود رژیم نیز نوشتند که علت افزایش بی‌سابقه‌ی قیمت میوه‌جات در سال جاری، صادرات بی‌رویه‌ی آنهاست.

صادرات آنها را خبر می‌داد، کالاهایی نظیر برنج، و حتی شیرخشک و سرم نیز مشاهده شد. به این ترتیب درحالیکه اساسی‌ترین کالاهای مورد نیاز و قوت روزانه‌ی مردم نظیر برنج و قند و شکر و روغن‌نباتی نایاب است، رژیم پلید خمینی آنها را به خارج صادر می‌کند. مثلاً در شرایطی که یک قوطی شیرخشک در بازار به قیمت ۱۵۰ تومان و ۲۰۰ تومان هم پیدا نمی‌شود و خانواده‌های فقیر از فرط درماندگی، یا ناچار می‌شوند فرزندان دل‌بند خود را سر راه بگذارند و یا گاه پدران از فرط لاعلاجی کودکان شیرخوار خود را به زمین می‌کوبند؛ ورق‌پاره‌ی رسالت جزو اقلام صادراتی که در چهار ماه اول سال جاری از استان فارس به شیخ‌نشین‌ها صادر شده از "شیر خشک" هم نام می‌برد! و درحالیکه در بیمارستان‌ها واکسن و سرم پیدا نمی‌شود، نتگین‌نامه‌ی جمهوری ۲۹ تیرماه از صادرات واکسن و سرم به کشور چین خبر می‌دهد!

اینجاست که ضد مردمی بودن و ضد بشری بودن رژیم پلید خمینی ملموس‌تر می‌شود. رژیمی که کشاورزی مملکت را به نابودی کشانده، و کشور را از هر حیث محتاج و وابسته به خارج کرده، اما

در عین حال برای تأمین هزینه‌های جنگ میهن‌بربادده خود همان مختصر مواد غذایی را هم از هر نوع که هست، از دهان مردم ربوده و برای بدست آوردن ارز به خارج صادر می‌کند. رفسنجانی جنایتکار در همین رابطه به کارگزاران و سردمداران رژیم در استان‌های کشور خط می‌دهد که: "شما باید در استان‌ها دقت کنید و ببینید برای صادراتمان هرچه که می‌توانید تبدیل به ارز کنید و گانال‌های صدور را تسریع کنید." رفسنجانی خائن در ادامه‌ی همین سخنان وقیحانه می‌افزاید: "مردم را راهنمایی کنید و به آنها بگوئید که بعضی اقلام را مصرف نکنند تا صادر شود." بر اساس گفته‌ی رفسنجانی جنایتکار و دیگر سران رژیم، مردم باید از گوشت و برنج و قند و شکر و حتی نان شب خود و شیرخشک اطفال شیرخوارشان بزنند، تا رژیم بتواند آنها را صادر کند و ارز بدست بیاورد و با ارز حاصله، از اسرائیل سلاح و تجهیزات جنگی به چند برابر قیمت بخرد.

در اینجا ممکن است که یک نکته مبهم و حتی معما جلوه کند و آن اینکه وقتی قیمت هندوانه، خربزه یا خیار در داخل اینقدر بالاست، و یا وقتی که شیر خشک در بازار داخلی هر قوطی ۱۵۰ تا ۲۰۰ تومان فروخته می‌شود، رژیم یا بعبارت درست‌تر باند غارتگر وابسته به رژیم چه نفعی از صادرات این کالاهای می‌برد؟ چون قطعاً قیمت این کالاهای مثلاً در کشورهای خلیج فارس بسیار ارزان‌تر از ایران است. فی‌المثل در خردادماه هندوانه‌ای که به امارات صادر شد از قرار کیلویی ۶ تومان قیمت‌گذاری شد درحالیکه همان موقع قیمت هندوانه در داخل بیش از ده تومان بود! جواب این معما هم تنها با درک و فهم عمق ماهیت پلید و شگردهای ضد مردمی این رژیم و باندهای غارتگرش امکانپذیر است. به این معنی که به نوشته‌ی ورق‌پاره‌های رژیم، خود صادرات میوه و امثالهم به تنهایی صرفی ندارد، منتها رژیم به ایادی‌اش اجازه داده است که در بقیه‌درصفحه‌ی ۳۳

## اخبار... ورود ادعای سیاسی

### اوج دنائت خمینی گرایانه بنی صدر خائن

بنی صدر خائن، در ادامه ی مجیزگویی ها و کاسه لیبسی های ذلیلانه اش به درگاه دژخیم جماران، تهاجمات تجاوزکارانه و جنایتکارانه ی ضد کربلای ۴ و ۵ خمینی را که تاکنون به کشته و مجروح شدن بیش از صد هزار تن از اتباع ایران انجامیده است، با وقاحت ضد مردمی و ضد ملی مشمژکننده های مورد تأیید قرار داد.

وی در شماره ی مورخ ۲۷/دی تا ۱۰ بهمن ماه ننگین نامه ی موسوم به "انقلاب اسلامی" جنگ افروزی های تجاوزکارانه و آکنده از ننگ و جنایت پدر معنوی خمینی خون آشام را در حوض فرومایگی به حماسه ی جاودان عاشورای حسینی، تشبیه کرد و آنرا مورد تمجید قرار داد و نوشت: "ناگهان دو حمله با اسامی کربلای ۴ و ۵ انجام می گیرد. اینبار اسمها با مسمی می شود"

بنی صدر خائن برای آستانبوسی درگاه ولایت فقیه خمینی دژخیم، با نهایت دریدگی و زدالت ضد اسلامی و ضد حسینی نوشته است که: "میدان جنگ به صحنه ی کربلای شهیدان ما" تبدیل شد.

عبرت آموز اینکه اگر چه بنی صدر خائن در نهایت پستی و سخافت به یک چنین مجیزگویی های ننگینی درباره ی جنایات جنگی و تجاوزکارانه ی خمینی خون آشام مبادرت می ورزد، و اگر چه برای تقرب به آستان دژخیم خون آشام جماران این چنین خود را به ننگ بدترین خیانت ها علیه خلق و اسلام و انقلاب "مفتخر" می سازد، اما از فرط بی مصرف بودن و بی آبرو شدن، نه تنها به درگاه ارتجاع راه نمی یابد، بلکه رژیم خمینی او را همراه با نوکر بی اختیار مثل دستمال مصرف شده ای به خارجی ها پیشکش می کند و رسماً خطاب به دولت دست راستی فرانسه می گوید: "بختیار و بنی صدر مال شما"

### تغییر خط تولید صنایع کشور برای تأمین نیازهای جنگی رژیم

در راستای اختصاص تمامی امکانات کشور به جنگ ضد میهنی و منجمله تغییر خط تولید در پاره ای کارخانجات بمنظور تأمین نیازهای رژیم در جبهه های مرگ، رژیم جنگ افروز خمینی با سمت دادن ته مانده ی صنایع ورشکسته ی کشور به تولید اسلحه و تجهیزات نظامی، آخرین گامها را برای انهدام کامل صنایع کشور برداشته است. طبق گزارشات دریافتی از خط تولید کارخانه ی سایپا (مونتاژکننده ی اتومبیل های رنو) برای ساخت پوکه ی انواع گلوله های سلاح برای سپاه ضد خلقی استفاده می شود.

همچنین سپاه ضد خلقی با انعقاد قراردادی بمبلغ ۵۰ میلیون تومان از کارخانه ی تراکتورسازی تبریز برای تهیه ی انواع لوله های توپ و خمپاره استفاده می کند. علاوه بر این خط تولید ماشین سازی تبریز نیز برای همین منظور اختصاص یافته است.

شرکت "ایدم" نیز تهیه ی موتور قایق های متعلق به سپاه سرکوبگر خمینی را برعهده دارد و سپاه قسمت تراشکاری آنرا نیز برای تهیه ی قطعات مورد نیاز ماشین آلات جنگی خود، در اختیار گرفته است.

### ابراز مخالفت سوریه با گسترش جنگ

رئیس جمهور سوریه طی مصاحبه ای با روزنامه ی القیس (۴/بهمن) گفت: "من قبلاً نیز چندبار گفته ام که با گسترش جنگ به هر کشور دیگر که منظورم کشورهای عربی منطقه می باشد و نیز اشغال سرزمین عراق مخالف می باشم و حکومت ایران نیز از مواضع ما آگاه می باشد."

### ایران در دهانه آتشفشان قیام

روزنامه ی عربی زبان اخبارالاسبوع - ۴/دی طی مقاله ای با مدنظر قرار دادن شرایط بغایت بحرانی رژیم خمینی نوشته است: "ایران در دهانه ی آتشفشان قرار گرفته و مردم ایران در انتظار فرصتی برای برپایی قیام انقلابی علیه رژیم حاکم می باشند."

اخبارالاسبوع با عطف توجه به سمپاتی پرسنل مردمی و میهن پرست ارتش نسبت به مقاومت مجاهدین می نویسد: "تعدادی از خلبانان، با دستوراتی که از سوی فرماندهی پاسداران رژیم، برای بمباران مقرهای اپوزیسیون در نقاط مختلف ایران به آنها ابلاغ می شود، مخالفت می کنند."

روزنامه ی اخبارالاسبوع سپس ادامه می دهد که: منابع دولتی در تهران فاش ساختند که این نیروهای اپوزیسیون دارای سلاح های زیادی هستند... و تعداد زیادی از نیروهای ارتش با ترک مواضع خود به پایگاههای آنها آمده و با این سلاحها در نبرد برای رهایی کشور از ستم حکام آن شرکت نموده اند.

### راه گریزی برای رژیم نیست! مجاهد خلق همه جا در کمین است

بدنبال ابراز وحشت و سوزوگداز شدید رفسنجانی جنایتکار از نفوذ و حضور گسترده ی مجاهدین در سراسر کشور و زیر نظر بودن کلیه ی تحرکات و فعل و انفعالات رژیم توسط مجاهدین، وزارت ساواک خمینی عده ی زیادی از عوامل اطلاعاتی خود را به جبهه ها و قرارگاههای جنگی فرستاده است. این عده از ادارات و ارگانهای مختلف در شهرها جمع آوری و با یک سازماندهی جدید و در ترکیب با نفرات درونی وزارت اطلاعات به مناطق جنگی اعزام شده اند. وظیفه ی این افراد جلوگیری از درزکردن اطلاعات مربوط به جبهه ها، نظیر ابعاد شکست تهاجمات و آمار تلفات و خسارات وارده به نیروهای رژیم می باشد؛ زیرا افزایش مستمر آنها توسط مجاهدین، رژیم پلید و ضد مردمی خمینی را بشدت کلافه کرده و در تنگنا قرار داده است. از طرف دیگر، با توجه به هلاکت دژخیمانی همچون حسین قانع گلپای در مشهد و آخوند فخرالدین طباطبایی در اهواز ترس و وحشت از مجاهدین و سلاح رزمندگان مجاهد خلق، تک تک مزدوران و عوامل سرکوبگر و جنگ افروز رژیم را نیز فرا گرفته است. بسیاری از این مزدوران خانه و محل سکونت خود را تغییر داده و آدرس خود را از نزدیکترین کسانشان نیز مخفی می کنند. برخی از مزدوران در بیان وحشت خود اظهار داشته اند که "ما هویت خود را حتی از فرزندانمان هم مخفی می کنیم."

بسیاری از مزدوران نیز اعتراف کرده اند که در وحشت از مجاهدین آنها حتی از دادن اطلاعات صحیح خودشان به مأموران سرشماری رژیم نیز خودداری کرده اند، زیرا به گفته ی آنان خیلی از آمارگیرها هم حتماً از مجاهدین هستند.

همچنین این خائنین، وحشت زده و ترسان، بخیال خودشان برای آنکه گرفتار مجاهدین و آتش ستم سوز سلاح آنان نشوند، برای دید و بازدید با اقوام و دوستان خود، از خانه ی بستگان خود استفاده می کنند.

## اخبار... ورود اداهای سیاسی

### موضعگیری مجدد اتحاد شوروی علیه ادامه جنگ ایران و عراق

رادیو مسکو طی تفسیری پیرامون تهاجمات جنگ‌افروزان اخیر رژیم خمینی که به از سرگیری دور جدیدی از جنگ شهرها نیز کشیده شده، بار دیگر اعلام نمود که اتحاد شوروی، خواهان توقف فوری جنگ ایران و عراق و اتخاذ شیوه‌های صلح‌آمیز است.

رادیو مسکو در این برنامه که در تاریخ ۲/ بهمن پخش شد به بیانیهی اخیر دولت شوروی که طی آن، ادامه جنگ ایران و عراق را فاجعه‌بار خوانده و خواستار توقف آن شده بود اشاره کرد و افزود: "اتحاد شوروی با تأکید بر ضرورت جلوگیری از گسترش گانگ خطرناک جنگ در خاورمیانه بار دیگر به سود منتقل کردن مناقشه ایران و عراق به مجرای راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز پشت میز مذاکره اظهار نظر کرده است. اتحاد شوروی آماده است به این امر کمک همه‌جانبه بنماید."

### رئیس‌جمهور آمریکا خواهان پایان جنگ گردید

به گزارش خبرگزاری‌ها، رئیس‌جمهور آمریکا درباره جنگ ایران و عراق، بیانیه‌ای منتشر کرد و در آن خواستار پایان بخشیدن به جنگ و حل مسالمت‌آمیز اختلافات از طریق گفتگو و مذاکرات صلح‌آمیز گردید.

وی در بیانیهی خود گفت که آمریکا خواهان ختم جنگ بدون اینکه هیچ برنده و یا بازنده‌ای داشته باشد، می‌باشد. او از رژیم خمینی خواست که در جستجو برای حل و فصل اختلافات از راه گفتگو به عراق بپیوندد.

### تهاجم بی‌ثمر ضد کربلای ۵ با تلفات سرسام‌آور

تلویزیون سراسری آلمان روز سه‌شنبه ۳۰/ دی ضمن پخش گزارشی درباره جنگ ایران و عراق، گفت که بنظر می‌رسد حملهی (ضد) کربلای ۵ متوقف شده است. تلویزیون آلمان در حالیکه صحنه‌ای از تجمع مزدوران رژیم در بیت‌العنکبوت جماران را نشان می‌داد افزود: مراسمی که در این فیلم می‌بینید یک عزاداری برای ۹۰ هزار کشته نیست، بلکه یک جشن پیروزی برای چند کیلومتر ناچیزی است که رژیم خمینی از خاک عراق اشغال کرده است.

### تهران از خط مشی ادامه جنگ دفاع می‌کند

رادیو مسکو، طی تفسیری، درباره جنگ ایران و عراق، تأکید نمود، اعلامیهی دولت اتحاد شوروی، مبنی بر توقف فوری جنگ ایران و عراق، از سوی محافل جهانی، مقامات دولتی و شخصیت‌های سیاسی بسیاری از کشورها، با رضامندی مورد استقبال قرار گرفته است.

این رادیو سپس به واکنش و موضعگیری روزنامه‌ی جیره‌خوار رژیم در قبال بیانیهی رسمی اتحاد شوروی که در آن بر ضرورت خاتمه‌ی جنگ تأکید شده، پرداخته و می‌گوید: "از واکنش مطبوعات رسمی ایران... چنین استنباط می‌شود که در تهران از خط‌مشی ادامه جنگ تا پیروزی دفاع می‌کنند و همزمان سعی دارند تقصیر آنرا از گردن خود به گردن دیگران بیاندازند."

### قربانیان خردسال

### جنگ و جنایت خمینی

کارگزاران جنایتکار رژیم در آموزش و پرورش، یک روز در هفته در مدارس تهران بنام بسیج نامگذاری کرده و طی آن علاوه بر اجرای نمایشات مبتذل تبلیغاتی، برنامه‌های ویژه‌ای نظیر تیراندازی و انفجار در همان محوطه‌ی مدرسه برگزار می‌کنند. ایادی رژیم به این ترتیب می‌کوشند تا با آشنا ساختن دانش‌آموزان به اینگونه برنامه‌ها آنها را برای اعزام اجباری به جبهه‌های جنگ آماده کنند. در همین رابطه چندی پیش یکی از مزدوران امور تربیتی در یکی از مدارس راهنمایی تهران، هنگام ورود دانش‌آموزان به مدرسه و بدون اعلام قبلی، یک سیم انفجاری را با صدای مهیبی منفجر می‌کند بطوری که دود و صدای ناشی از این انفجار، دانش‌آموزان این مدرسه و سایر مدارس اطراف را بشدت وحشت‌زده کرده و خشم و اعتراض آنها را علیه وحشیگری‌های مزدوران رژیم برانگیخته بود.

ایادی جنایتکار رژیم در آموزش و پرورش، همچنین به بهانه‌ی آموزش نظامی و تمرین تیراندازی از دانش‌آموزان ثبت‌نام بعمل می‌آورند و پس از مدتی آنها را همراه با سپاهیان ضد‌محمد به جبهه‌های مرگ اعزام می‌کنند.

گزارشات شاهدان عینی حاکی است که ترکیب سنی کسانی که در سپاه ضد‌محمد به جبهه‌ها اعزام شده‌اند عمدتاً شامل نوجوانان کمتر از ۱۸ سال و پیرمردهای ۶۰ سال به بالا بوده است. ضمناً بسیاری از این افراد کسانی هستند که بر اثر تهاجمات وحشیانه‌ی مزدوران سربازگیری، بخصوص از روستاها دستگیر شده و بزور به جبهه‌های مرگ اعزام شده‌اند.

بر اساس برخی دیگر از گزارشات، چند هفته قبل از تهاجم و شکست بزرگ اخیر رژیم یعنی در اوایل آذرماه، بعلت اعزام گسترده‌ی جوانان و نوجوانان به جبهه‌ها، تحت عنوان سپاهیان محمد، تمامی اتوبوس‌های مسافربری بین‌شهری بکار گرفته شده بود و در همین رابطه ترمینال مسافربری تهران تعطیل گردید.

### بزرگترین مجموعه دارایی کشور

### در خدمت جنگ ضد میهنی

رژیم جنگ‌افروز و ضد‌مردمی خمینی، تمامی بنیاد چپاول و غارت مستضعفان را که بزرگترین مجموعه‌ی ثروت و امکانات کشور را در بر می‌گیرد، رسماً در خدمت جنگ ضد میهنی خود قرار داد.

رادیوی خمینی روز چهارشنبه اول بهمن اعلام کرد که تمامی واحدهای تابعه‌ی این بنیاد در سراسر کشور اعلام آمادگی کرده‌اند که نیازهای سپاه ضد حضرت مهدی را تأمین کنند. رادیوی رژیم اضافه کرد که در همین رابطه، قائم‌مقام بنیاد ضد مستضعفان و رئیس شورای جنگ این بنیاد، برای سرازیر کردن تمامی امکانات بنیاد به تنور جنگ خانمانسوز خمینی، بخشنامه‌ی صادر کرد و طی آن بر ضرورت بسیج تمامی امکانات این بنیاد برای تأمین نیاز سپاه ضد حضرت مهدی، تأکید کرد.

## اخبار... و رویدادهای سیاسی

### تلاش‌های رژیم خمینی برای اعزام اجباری مردم به جبهه‌ها

بر اساس گزارشات دریافتی از شهرهای مختلف ایران، کارگزاران خمینی علاوه بر طرح اعزام اجباری در دهه‌ی موسوم به فجر یعنی دوازدهم تا بیست و دوم بهمن‌ماه، برای هفتم بهمن‌ماه نیز طرح خائنانه‌ی مشابهی در نظر گرفته‌اند. کارگزاران خائن رژیم درصند که عمده نیروهای مورد نظر را از میان دانش‌آموزان و کارگران به جبهه‌های مرگ اعزام کنند و برای تحویل گرفتن اعزامی‌های جدید این طرح ضد‌مردمی، پادگان‌هایی نیز در تهران و شهرهای اصفهان، کرج و زنجان تخلیه و آماده شده است.

رژیم ضد‌مردمی خمینی در دیماه گذشته نیز برای مقابله با بحران کمبود نیروی انسانی برای ارگان‌های سپاه، کمیته، شهربانی، و ژاندارمری دستگیری ۵۰ هزار نفر مشمول غایب را بعنوان سهمیه تعیین کرده بود. از این تعداد ۱۵ هزار نفر سهمیه شهربانی، ۱۳ هزار نفر سهمیه سپاه ضد‌مردمی و ۲۲ هزار نفر دیگر سهمیه ژاندارمری و کمیته‌های سرکوبگر تعیین شده بود. تلاش مزدوران جنگ و جنایت خمینی در رسیدن به سهمیه تعیین‌شده علیرغم راه انداختن گشتی‌های متعدد و دستگیری‌های مستمر خیابانی، با شکست مواجه شده است. بطوری که کارگزاران رژیم رسماً اعتراف می‌کنند که آمار نیروهای اعزام اجباری به جبهه‌های مرگ از همراه تاکنون رو به کاهش گذاشته است.

بنا به گزارشات رسیده در مقابله با تلاش‌های خائنانه‌ی رژیم خمینی برای دستگیری و اعزام اجباری جوانان و نوجوانان میهنان به مسلخ جنگ خانمانسوز اهالی محله‌های مختلف با همسایگان خود قرار گذاشته‌اند که در صورت مراجعه‌ی مزدوران سربازگیری رژیم، جوانان خود را به کمک یکدیگر و خانه به خانه فراری دهند.

### درباره ادعاهای پوچ خمینی

در حالیکه رژیم جنگ‌افروز خمینی در ادامه‌ی جاروجنجال‌های تبلیغاتی مدعی پیروزی‌ها و فتوحات خیالی دیگری شده و در اخبار رادیویی خود نیز به تفصیل درباره‌ی آن به رجزخوانی پرداخته است، رادیو B.O.C که بخش فارسی آن آشکارا از مواضع جنگ‌افروزان‌ی رژیم خمینی حمایت می‌کند، روز چهارشنبه اول بهمن در سرویس جهانی خود که به زبان انگلیسی برنامه پخش می‌کند گفت: علیرغم ادعاهای حکومت ایران نبرد بمیزان زیادی کاهش یافته و هیچ نشانه‌ای دایر بر اینکه نیروهای خمینی توانسته باشند بطرف شهر بصره رخنه نمایند وجود ندارد.

مفسر سرویس جهانی رادیو B.O.C ضمن تماس تلفنی با چند تن از اتباع انگلستان که در بصره بسر می‌برند درباره‌ی تبلیغات عوام‌فریبانه‌ی رژیم خمینی به نقل از خبرنگار خود افزود: "بصره در فاصله‌ی کمتر از ۱۶ کیلومتری مرز ایران و عراق قرار دارد بنابراین با هر حرکت نیروهای حکومت ایران می‌توان گفت که آنها به بصره نزدیک شده‌اند. اما این ۱۶ کیلومتر مسافتی طولانی است و طی کردن آن مشکل است. بخصوص که مواضع دفاعی عراق بسیار خوب تهیه شده و همچنان پایرجاست." سرویس جهانی B.O.C همچنین گفت: "تساوی ماهواره‌ای می‌گویند که نیروهای خمینی حتی نتوانسته‌اند به اولین خط دفاعی عراق در شرق بصره نیز رخنه نمایند، بنابراین با توجه به این مسئله مردم بصره درست می‌گویند که اثری از نیروهای خمینی مشاهده نمی‌کنند."

### تهدید و ارباب دانش‌آموزانی که قصد دارند از جبهه‌ها برگردند

کارگزاران جنگ و جنایت رژیم در سپاه ضد‌مردمی، به تهدید و ارباب دانش‌آموزانی که به اجبار روانه‌ی مسلخ شده و قصد بازگشت دارند، پرداخته و به آنها می‌گویند در صورت ترک جبهه و نگرفتن برگ تصفیه حساب، شما را به مدرسه راه نخواهند داد، در هیچ‌جا اجازه‌ی کار نخواهید یافت و در پرونده‌تان نیز بعنوان سوء‌پیشینه نوشته خواهد شد.

کارگزاران خمینی که با بن‌بست نظامی و بحران نیرو مواجهند در عین حال از دادن برگه‌ی تصفیه حساب به دانش‌آموزان خودداری می‌کنند. آنها به افراد گردان ضدامام حسین که اکثراً دانش‌آموز هستند، گفته‌اند بجای برگ تصفیه حساب به شما مرخصی می‌دهیم و در بازگشت از مرخصی برگ تصفیه حساب خواهیم داد. اما افراد گردان مزبور با دادن شعار "ما مرخصی نمی‌خواهیم... یا مرگ یا تصفیه" به اعتراض پرداخته‌اند. کارگزاران خمینی به دانش‌آموزان کم سن‌وسال در ابتدا می‌گویند که شما فقط در قسمت پشتیبانی کار خواهید کرد اما بعداً کمبود نیرو را مطرح کرده و آنها را به اجبار به خطوط مقدم جبهه می‌فرستند.

### تلفات گسترده تهاجمات شکست‌خورده

#### و نیاز شدید رژیم

#### به تأمین نیرو برای جبهه‌های مرگ

رژیم جنگ‌افروز خمینی بدنبال تحمل تلفات و ضایعات بسیار سنگین در تهاجمات تجاوزکارانه‌ی اخیر، روز ۳۰/دیماه/۶۵، ۵ هزار نفر از مزدوران سرکوبگر خود در کمیته‌های ضد‌مردمی را راهی جبهه‌های جنگ ضد‌میهنی کرد.

سرکرده‌ی کمیته‌های ضد‌مردمی در توضیح علت اعزام ۵ هزار تن از مزدوران سرکوبگر کمیته‌ها به جبهه‌های جنگ گفت علیرغم اینکه رژیم به مزدوران کمیته‌چی در تمام نقاط کشور احتیاج دارد اما جنگ اکنون یکی از مقاطع بسیار حساس و حیاتی خود را می‌گذراند و رژیم بشدت به اعزام نیرو به جبهه‌ها نیازمند است.

### رابطه ناگسستنی جنگ و بقای رژیم خمینی

روزنامه‌ی فیلادلفیا اینکوایرر چاپ آمریکا در شماره‌ی ۲۸/دیماه/۶۵ خود طی تفسیری درباره‌ی تهاجمات تجاوزکارانه‌ی اخیر خمینی به خاک عراق، رابطه‌ی ناگسستنی جنگ و بقای رژیم خمینی را مورد تأکید قرار داد و به نقل از یک کارشناس مسائل خاورمیانه نوشت: "تا زمانیکه خمینی زنده است، جنگ تمام نخواهد شد... با بودن خمینی، رژیم او تن به صلح نخواهد داد، مگر آنکه تحت فشار شدید خارجی و بین‌المللی قرار گیرد."

این روزنامه به نقل از مقامات آمریکایی همچنین می‌افزاید که "علیرغم تهاجم اخیر (رژیم) ایران، جنگ همچنان در حالت بن‌بست قرار دارد."

## اخبار... ورود ادعای سیاسی

### اوضاع فاجعه‌بار بهداشت و درمان

مردی، وزیر بهداشت و درمان رژیم، طی مصاحبه‌ای که در کیهان ۲۲/دی درج شده درباره‌ی اوضاع نابسامان و فاجعه‌بار بهداشت و درمان در رژیم ضد مردمی خمینی، اعتراف کرد که علیرغم ۱۵ تا ۱۶ برابر شدن تعداد بیماران و مراجعین بیمارستان‌های دولتی ظرف ۲-۴ سال اخیر، بودجه و اعتبارات این وزارتخانه، نه تنها افزایش نیافته، بلکه کاهش هم داشته است.

وی در قسمت دیگری از مصاحبه‌اش در پاسخ به این سؤال که چرا کیفیت غذاهایی که در بیمارستان‌های دولتی، داده می‌شود، تا این حد، پائین است، با کمال وقاحت گفت؛ اگر اعتبارات، باز هم کمتر شود، ممکن است غذا را مجبور شویم، کمتر هم بکنیم. این بستگی به میزان اعتباری دارد که بما می‌دهند.

### فروش لباس‌های

### اهدایی مردم برای سیل‌زدگان

ایادی دزد و غارتگر رژیم در مناطق سیل‌زده، بجای توزیع کمک‌های مردمی در میان هموطنان محروم این مناطق، اجناس ارسالی را در انبارهای رژیم جمع‌آوری کرده و اخیراً در نهایت پستی و رذالت اقدام به فروش لباس‌های ارسالی توسط مردم، نموده‌اند. در همین رابطه بخشنامه‌ی زیر نیز توسط یکی از ارگان‌های رژیم در یکی از مناطق سیل‌زده صادر شده است:

"مقادیر قابل توجهی لباس مستعمل اهدایی ملت ایثارگر جهت آسیب‌دیدگان استان در انبار امدادی این جمعیت موجود می‌باشد لذا انتظار دارد با توجه به اینکه لباس‌های موردنظر قابل استفاده می‌باشد دستور فرمائید در سطح شهر پیگیری شود چنانچه کسی پیدا می‌شود این لباس‌های مستعمل را خریداری نماید به این جمعیت معرفی نمائید تا اقدامات لازم بعمل آید"

این دزدی رذیلانه و نوظهور رژیم، در شرایطی صورت می‌گیرد که مردم مصیبت‌زده‌ی این مناطق از حداقل امکانات زیستی نظیر پوشاک و وسایل گرم‌کننده نیز بی‌بهره بوده و بشدت نیازمند اینگونه کمک‌ها می‌باشند. با این حال رژیم ضد مردمی خمینی که خود از همان ابتدا به بهانه‌ی جنگ خانمانسوز از ارائه هرگونه کمکی به مردم سیل‌زده خودداری کرده است، از لباس‌های ارسال شده برای سیل‌زدگان نیز نگذشته و آنرا به ممری برای دزدی نوظهور خود تبدیل کرده است. یادآوری می‌شود که چندی پیش نیز کارگزاران رژیم، رسماً از مردم خواستند که ضمن قطع کمک‌های جنسی برای سیل‌زدگان، کمک‌های خود را بصورت نقدی به شماره حساب‌های رژیم در بانک، واریز نمایند تا زحمت فروش اجناس ارسالی برای سیل‌زدگان را که بالا کشیده‌اند، نداشته و در عوض، کمک‌های نقدی را مستقیم‌تر به مصرف جنگ و سرکوب برسانند.

### خودکشی راننده شرکت واحد

یکی از رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی کرمان بنام "حامد زند" در اثر فشار و زورگویی‌های رئیس سرسپرده و فالانژ شرکت مزبور خودکشی نمود. وی در وصیتنامه‌ی خود رئیس مزدور شرکت واحد اتوبوسرانی کرمان را که با سختگیری‌های توأم با تهدید و فشار طاقت‌فرسایش تمامی کارکنان شرکت را بستوه آورده است، مسبب اصلی این عمل خود معرفی کرده است.

### اکیپ‌های جدید شکار موشولین برای مقابله با موج فرار از سربازی

بنا به گزارشات رسیده علیرغم شکست مفتضحانه و پرتلفات اخیر رژیم در جبهه‌های جنگ، کارگزاران جنگ و جنایت خمینی همچنان به سربازگیری و دستگیری جوانان و نوجوانان برای اعزام به جبهه‌های مرگ و تباهی ادامه می‌دهند. گزارشات رسیده حاکیست که سربازگیری در تهران و شهرستان‌ها بشدت هر چه تمامتر ادامه دارد و حمله و هجوم‌های وحشیانه‌ی ایادی رژیم به خیابان‌ها، معابر عمومی و تجمعات مردم برای دستگیری‌های گسترده افزایش بیشتری یافته است. بر اساس همین گزارشات از حدود یکماه پیش متولدین سال ۴۹ نیز مشمول اعلام شده و به آنها اجازه‌ی خروج از کشور داده نمی‌شود. متولدین سال ۵۰ به بعد نیز تنها با سپردن وثیقه‌ی مالی می‌توانند از کشور خارج بشوند.

همچنین از سوی معاون ژاندارمری دستورالعملی خطاب به کلیه نواحی و دوایر تابعه در رابطه با دستگیری موشولین صادر شده است. بر مبنای این دستورالعمل، ژاندارمری می‌بایستی در اجرای قانون نظام وظیفه‌ی عمومی مصوبه‌ی مجلس ضد مردمی با سپاه و کمیته و شهربانی همکاری کرده و به دستگیری موشولین فراری بپردازد. بدنبال این ابلاغیه در برخی از شهرها اکیپ‌هایی از نیروهای تلفیقی شامل نیروهای سپاه ضد مردمی، ژاندارمری و شهربانی تشکیل شده که با فرماندهی مزدوران سپاه به گشت در شهرها و دستگیری موشولین فراری اقدام می‌کنند.

### انزجار اسیران از خمینی جنگ‌افروز

روز چهارشنبه ۲۴/دی، تعداد کثیری از اسرای ایرانی که در جریان تهاجم شکست‌خورده‌ی موسوم به ضدکربلای ۶ به اسارت درآمده بودند، هنگام عبور از شهرهای عراق، با سردادن شعار مرگ بر خمینی نفرت و انزجار خود را از جنگ ضدمیهنی خمینی ابراز می‌نمودند.

این اسرا که با شور و حرارت بطرز بی‌سابقه‌ای شعارهای مرگ بر خمینی را تکرار می‌کردند، تنها چند ساعت پیش از آن، و در پی شکست مفتضحانه‌ی تهاجم رژیم خمینی در جبهه‌ی سومار به اسارت درآمده بودند.

### ماده ۱۲ قانون ضدانسانی مجازات

### در رژیم خمینی

مقتدایی سخنگوی جنایتکار شورای عالی قضایی خمینی طی مصاحبه‌ای در روز سه‌شنبه ۱۶/دی گفت برحسب ماده‌ی ۱۲ قانون ضداسلامی مرتجعین "مدت کلیه‌ی حبس‌ها از روزی شروع می‌شود که محکوم به موجب حکم قطعی قابل اجرا، محبوس شده باشد." وی برای توجیه این قانون ارتجاعی و ضد مردمی وعده‌ی مسخره‌ای را مطرح کرد و اضافه نمود که قرار شده قضات در حین صدور حکم، توجه به ایام بازداشت محکوم داشته باشند.

## اخبار... ورویدادهای سیاسی

### بستگان خمینی دجال در اسرائیل مداوای شوند

بدنبال انتشار گزارشی در روزنامه‌ی اسرائیلی معاریو مینی بر معالجه‌ی یکی از نزدیکان خمینی دجال در اسرائیل، دکتر اسحاق لیپشیتز از مؤسسه‌ی چشم‌پزشکی هرزیلیای اسرائیل در تاریخ ۱/ بهمن به رویتر گفت: این حقیقت دارد من نمی‌توانم دروغ بگویم اما نمی‌توانم جزئیات آنرا فاش نمایم. او گفت که بیمار جوان ۲۲ ساله می‌باشد... به احتمال زیاد برای معالجه به اسرائیل خواهد آمد. لیپشیتز از گفتن نام بیمار خودداری کرد و فقط گفت: "وی خیلی به خمینی نزدیک می‌باشد".

قابل توجه است که مطابق گزارشات موثق، تاکنون شماری از فرماندهان سپاه جنگ و جنایت خمینی نیز در بیمارستان‌های اسرائیل مورد معالجه و مداوا قرار گرفته‌اند.

### گوشه‌ای از غارت‌های کلان رژیم از مردم

در مجلس ضد مردمی خمینی، موارد متعددی از سوءاستفاده‌های گسترده‌ی مالی توسط ایادی رژیم در تهیه و توزیع لوازم یدکی وارداتی شرکت‌های تحت پوشش وزارت صنایع سنگین رژیم برملا گردید.

مطهری یکی از اعضای مجلس ضد مردمی خمینی از جمله فاش ساخت که کارگزاران رژیم در شرکت‌های "گواه" و "ایران‌خودرو"، قیمت‌ها را ۲۰۰ تا ۶۰۰ درصد افزایش داده و با حاکم کردن سیستم چند نرخ، کالاها را در هر یک از شرکت‌های دولتی و تعاونی‌ها، به هر قیمتی که توانسته‌اند و از دستشان برآمده فروخته‌اند.

این مزدور طی گزارشی که به مجلس نامشروع خمینی ارائه داد و در اطلاعات ۱۱/دیماه درج شده اعتراف کرد که گردانندگان شرکت‌های "گواه" و "ایران‌خودرو" علیرغم سودهای غارتگرانه‌ای که از گرانفروشی و دادن سهمیه‌های اجباری و غیرقابل مصرف به جیب می‌زدند، مالیات نمی‌پرداختند و برای فرار از پرداخت مالیات نیز با دستکاری دفاتر شرکت، حساب‌ها را جابجا می‌کردند.

عملکرد خائنانه‌ی ایادی خمینی در شرکت‌های یادشده که بهای آن از کیسه‌ی مصرف‌کننده پرداخت می‌شود و بیشترین فشار آن بر مردم زحمتکش و محروم وارد می‌شود، به همینجا خاتمه نمی‌یابد، بلکه ایادی دزد و غارتگر رژیم با احتکار قطعات ضروری اتومبیل در انبارها، عملاً زمینه‌ی ایجاد بازار سیاه و چپاول مردم را فراهم کرده‌اند. در گزارش خوانده شده در مجلس ضد مردمی صراحتاً اعتراف شده است که بر اثر این احتکار خائنانه، مردم در تهران و شهرستان‌ها، بایستی در صف‌های طولانی، از نیمه‌های شب‌های سرد زمستان در انتظار گرفتن قطعات یدکی اتومبیل بمانند.

در گزارش مزبور به نمونه‌هایی از سودهای کلان و غارتگرانه در این شرکت‌ها اشاره شده و گفته شده که این شرکت‌ها بدلیل نرخ‌گذاری دلخواه خود، از برخی کالاها سودهای سرسام‌آوری برده‌اند و منجمله لایه‌ی فتر بنز را از یک شرکت داخلی به مبلغ حدود ۱,۹۰۰ ریال خریده‌اند و آنرا به مبلغ ۸,۳۲۸ ریال یعنی با ۵۰۰ درصد سود فروخته‌اند.

### سانسور گزارش

### ورشکستگی رژیم در ورق‌پاره‌ی کیهان

شماره‌ی یکشنبه بیست‌وهشتم دیماه ورق‌پاره‌ی کیهان، بخاطر انتشار یک گزارش اقتصادی که در آن به کسر بودجه‌ی عظیم رژیم و نیز حراج خائنانه‌ی نفت اشاره کرده، توسط نخست‌وزیری رژیم خمینی توقیف گردید.

در این گزارش اقتصادی اعتراف شده بود که رژیم خمینی برای سال ۶۶ با ۱۵۰ میلیارد تومان کسر بودجه مواجه است و برای تأمین هزینه‌های سرسام‌آور جنگ، نفت ایران را به قیمت بسیار نازل بشک‌های ۱۰ دلار یعنی حدود نصف بهای کنونی آن در بازارهای جهانی بفروش می‌رساند.

در نتیجه‌ی سانسور گزارش اقتصادی مزبور توسط نخست‌وزیر رژیم، روزنامه‌ی کیهان که معمولاً هر روز ساعت ۱ بعدازظهر توزیع می‌شود، در روز یکشنبه بیست‌وهشتم دیماه با ۵ ساعت تأخیر حوالی ساعت ۶ بعدازظهر توزیع شد.

### رژیم فقط قادر به تأمین ۱/۳ برق مورد نیاز کشور است

در رابطه با اخبار مربوط به کمبود برق و خاموشی‌های مکرر و طولانی‌مدت در سراسر کشور، گزارش می‌رسد که بدلیل خرابی نیروگاههای برق و عدم ترمیم و توسعه‌ی آن از سوی رژیم، تولید برق در داخل کشور به ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ مگاوات کاهش پیدا کرده است. در صورتی که حداقل نیاز کشور به برق بیش از ۷۰۰۰ مگاوات در روز می‌باشد و اگر کلیه‌ی نیروگاههای موجود هم با حداکثر ظرفیت خود کار کنند، قادر به تولید بیش از ۵۰۰۰ مگاوات برق نمی‌باشند.

### مبادله پسته رفسنجانی با سلاح اسرائیلی

آخوند محمد هاشمیان امام‌جمعه‌ی رفسنجان که از بستگان رفسنجانی جنایتکار و عضو هیئت مدیره‌ی شرکت صادرات پسته‌ی او می‌باشد در مصاحبه‌ی خود با ننگین‌نامه‌ی جمهوری مورخ ۲۳/دی ضمن اعتراف به اینکه رفسنجانی خائن بمنظور دزدی و غارت هر چه بیشتر، تسهیلات فراوانی برای شرکت مزبور فراهم کرده، به نقش این شرکت در تأمین نیازهای جبهه‌های مرگ خمینی از طریق وجوه غارت شده و نیز اخاذی از مردم اشاره کرد و گفت: "هر وقت که بخواهیم کاروانی راه بیاندازیم اگر در زمان خاصی هم باشد که مردم پول نداشته باشند شرکت هر چقدر پول که بخواهند به آنها می‌دهد و اجناس و نیازهای جبهه را فراهم می‌کنیم و موقع ضبط پسته که مالکین پولدار می‌شوند، پول شرکت را پس می‌دهند بدون اینکه شرکت از این وامی که می‌دهد توقعی داشته باشد"

وی سپس اضافه می‌کند که "ما وسایلی که موردنیاز جبهه است از قبیل قطعات یدکی که مربوط به امور جنگی باشد چه مربوط به امور خود جبهه باشد که باید از خارج بیاید و دولت این ارز را ندارد... ما از همین جا... پسته را می‌فروشیم به خارج و اجناس فوق را می‌گیریم و به جبهه می‌دهیم."

شایان ذکر است که روزنامه‌ی آلمانی زوددویچه سایتونگ (۸/آذر) نیز در مطلبی تحت عنوان "نتیجه‌ی سردرد سیاسی و پسته" در اینباره نوشت: "امروز هر بچه‌ای در اسرائیل می‌داند که چرا قیمت پسته به یک‌سوم رسیده است، بخاطر اینکه بازار از پسته‌هایی که ایران با آنها بهای ارسال تسلیحات توسط اسرائیل به ایران را پرداخته اشباع شده است."

## اخبار... ورود ادعاهای سیاسی

### آخرین سؤال درباره پایان عمر رژیم

روزنامه‌ی ساندی تلگراف مورخ ۲۸/دی در رابطه با تهاجمات جنایتکارانه‌ی اخیر خمینی و سرنوشت رژیم پوسیده‌ی او در مواجهه با مقاومت اعتلایابنده‌ی مردم ایران مقاله‌ی منتشر کرده است. ساندی تلگراف می‌نویسد: "تاکتیک امواج انسانی که توسط آیت‌الله‌های تهران بکار گرفته شده، طی ۶ سال و ۴ ماه جنگ، تلفات جانی عظیمی ببار آورده...". این روزنامه در جای دیگر اشاره می‌کند که: "در حال حاضر دیپلمات‌های غربی بر این باورند که واحدهای فنانیک تهران که تهاجماتشان بمثابة خودکشی است، با تلفات سنگینی دفع خواهند شد...". این روزنامه سپس با تأکید بر گسترش اشکال مختلف مقاومت‌های مردمی علیه رژیم و جنگ خانمان‌برانداز خمینی می‌افزاید: "دیپلمات‌های غربی اکنون این سؤال را مطرح می‌کنند درحالی‌که نشانه‌های نارضایتی گسترده، بروشنی در حال بروز است، آخوندهای حاکم چه مدت دیگر می‌توانند ادامه دهند؟ متعاقب شکست حمله‌ی رژیم در ایام گریسمس، (بخاک عراق) دو عملیات تخریبی، در دو پایگاه نظامی در تهران صورت گرفت. در آن هنگام در پادگان ولی عصر (عشرت‌آباد)، بزرگترین مرکز پاسداران رژیم، آتش‌سوزی مهیبی رخ داد و یک انفجار نیز، پادگان بهشتی را که انبار مهمات و بعضی از سلاح‌هایی است که اخیراً از آمریکا خریداری شده، درهم گوبید...". ساندی تلگراف در ادامه‌ی مقاله‌ی خود به مخالفت پرسنل ملی و میهن‌پرست ارتش با جنگ اشاره کرده و در رابطه با مقاومت گسترده‌ی مردمی علیه رژیم خمینی می‌نویسد اخیراً ۵۰ هزار نفر از مردم تهران پس از خارج شدن از یک مسابقه‌ی فوتبال دست به تظاهرات گسترده‌ی زدند و ۱۸۰۰ نفر مردم معترض در مشهد نیز به خیابان‌ها ریختند.

### سرقت شبانه تریلی‌ها

در اواسط دیماه گذشته، مزدوران خمینی کلیه‌ی تریلی‌های متعلق به افراد و یا مؤسسات خصوصی که در خیابان‌های تهران پارک شده بود را بدون حضور و اطلاع صاحبان آنها، تصرف کرده و به جبهه‌های جنگ ضد میهنی فرستاده‌اند.

رانندگان و صاحبان تریلی‌های به سرقت رفته، پس از با خبر شدن از اینکه تریلی‌های آنها توسط مزدوران دزد و غارتگر رژیم از محل پارک آنها ربوده شده و به جبهه‌ها ارسال گردیده، علیه این اقدام ضد مردمی رژیم به ادارات مربوطه شکایت کرده‌اند. ولی رژیم از بازپس‌دادن تریلی‌های آنها خودداری ورزیده است.

### صدور شیر نوزادان برای تأمین ارز

در ادامه‌ی سیاست خائنانه‌ی صدور کالاهای مورد نیاز مردم به خارج از کشور و در بحبوحه‌ی کمیابی و نایابی مایحتاج عمومی، رژیم ورشکسته‌ی خمینی برای تأمین ارز مورد نیاز خود از هر طریق ممکن، اقدام به صدور شیرخشک به قیمت کیلویی ۶ تومان نموده است. درحالی‌که شیرخشک نوزادان در داخل کشور بشدت کمیاب است و قیمت آن در داخل کشور دهها برابر بهای صادراتی آن می‌باشد. بنحوی که مردم مجبورند هر قوطی نیم‌کیلویی شیرخشک را که قیمت رسمی آن ۲۵ تومان است، در صورت دستیابی به آن در بازار سیاه به قیمت ۱۵۰ تا ۲۰۰ تومان بخرند. یک گزارش دیگر حاکی است که بدلیل کمبود شدید شیرخشک قیمت سرلاک که غذای مخصوص نوزادان است نیز بشدت افزایش یافته و هر قوطی آن که غذای ۲ روز یک نوزاد را تأمین می‌کند، به بهای ۱۸۰ تومان به فروش می‌رسد.

### باز هم دروغپردازی زبوانه

توسط رژیم درمانده خمینی در مورد ضربه به مجاهدین

رژیم درمانده‌ی خمینی، بار دیگر به جعل خبر و دعاوی سراپا دروغ، در مورد وارد آوردن باصطلاح ضربات نظامی بر مجاهدین متوسل گردید و مدعی شد که در یک هجوم مزدورانش به پایگاه مجاهدین، ۱۳ تن از مجاهدین بشهادت رسیده‌اند.

کارگزاران تبلیغاتی رژیم برای جعل این خبر بطرز احمقانه‌ی به شیوه‌ی پاس دادن به یکدیگر متوسل شده‌اند. بدین ترتیب که ننگین‌نامه‌ی جمهوری در شماره‌ی بیست‌ونهم دیماه خود به نقل از واحد مرکزی خبر رژیم، و این ارگان دروغپردازی به نقل از یک نشریه‌ی مجهول‌الهویه‌ی دیگر و این ورق‌پاره نیز بنوبه‌ی خود به نقل از مزدوران خمینی، که رژیم از آنها تحت عنوان مجهول "انقلابیون مسلمان کرد عراقی" نام برده، بدون ذکر تاریخ مدعی شده که در یک باصطلاح هجوم موفقیت‌آمیز مزدوران خمینی به پایگاه مجاهدین در منطقه‌ی "صفرا" ۱۳ تن از مجاهدین کشته شده و مزدوران یک دستگاه بیسیم متعلق به مجاهدین را به غنیمت برده‌اند. خبری که از اساس کذب محض بوده و در واقع چیزی بیش از آرزوهای بربادرفته و رؤیاهای ضدانقلابی سردمداران رژیم خمینی و مزدوران آنان را منعکس نمی‌کند.

در همین حال تناقضات ابلهانه‌ی خبر مذکور که بسیار ناشیانه جعل شده نیز جالب است.

جمهوری مدعی می‌شود که گوئیا؛ پس از حمله‌ی ادعایی رژیم به پایگاه عملیاتی مجاهدین در جریان عملیات موسوم به فتح، یعنی همان حمله‌ی که مطلقاً دروغ بوده است، مجاهدین در منطقه‌ی "صفرا" پایگاه تاسیس نموده‌اند.

البته باید گفت تنها چیزی که در این داستان سراپا دروغ واقعیت دارد اینست که خمینی دجال در غرقاب بن‌بست‌های علاج‌ناپذیر رژیمش و در منتهای ضعف و زبونی و وحشت از اعتلای مقاومت سراسری مجاهدین شدیداً به قدرت‌نمایی کاذب نیاز دارد و از اینروست که هر چند وقت یکبار جعلیات رسوا و دروغ‌های مضحک و نجومی را بهم می‌بافد و مدعی می‌شود که به مجاهدین ضربه زده است تا شاید بدینوسیله به نیروهای مایوس، متزلزل و سرخورده‌ی خود باصطلاح روحیه بدهد. نمونه‌های دیگری از دروغپردازی‌های بسیار مضحک و مکرر رژیم در همین زمینه که منتهای افلاس و درماندگی دشمن ضدبشری را نشان می‌دهد، در نشریه‌ی اتحادیه شماره‌های ۶۹ و ۷۴ و ۷۷ افشا شده است.

### اعزام اجباری

#### رانندگان شرکت واحد به جبهه‌های مرگ

رژیم خمینی اخیراً ۴۰۰ نفر از رانندگان و کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی را با زور روانه‌ی جبهه‌های جنگ ساخته است. رژیم همچنین برای کشاندن رانندگان و کارگران شرکت واحد به جبهه‌ها، به این شیوه‌ی دجالگرانه متوسل شده است که، هر کس به جبهه اعزام شود و ۶ ماه در جبهه بماند اگر بعد از ۶ ماه از جبهه‌های مرگ خمینی جان سالم بدر ببرد - رتبه‌ی او یک‌پایه ترفیع پیدا خواهد کرد.



## اخبار... ورود اداهای سیاسی

### چپاول مضاعف، شیوه‌های ردیلانه‌تر

در حالیکه بنزین بشدت کمیاب است، رژیم ضد مردمی خمینی، با ایجاد بازار سیاه برای کوپن بنزین و چاپ و توزیع مقادیر زیادی کوپن به قیمت‌های بسیار گزاف در بازار آزاد، دست به یک چپاول خائنانه‌ی دیگر زده است.

بر اساس یک گزارش موثق، در اوایل آذرماه گذشته، دولت خمینی تعداد دهها هزار کوپن ۱۰۰ لیتری بنزین که شامل ۱۷ میلیون لیتر بنزین می‌شد، در چاپخانه‌ی مرکزی به چاپ رساند و برای توزیع در اختیار شرکت نفت گذاشت. اما درست در همین زمان و حتی قبل از آنکه کوپن‌های رسمی بین مردم توزیع شود، نظیر همین کوپن‌ها به مقدار بسیار زیاد توسط عوامل رژیم بین فروشندگان کوپن در بازار سیاه توزیع شده و آزادانه در خیابان‌ها و مراکز مخصوص، بفروش می‌رسید. این اقدام خائنانه، که با سوءاستفاده از نیاز شدید مردم به بنزین صورت می‌گیرد، باعث شده، که بعثت شلوغی و تراکم صفاها در مقابل پمپ‌بنزین‌ها و کمبود بنزین بسیاری از مردم از دریافت سهمیه‌ی اندک بنزین کوپنی خود نیز محروم بمانند.

### شتاب فروپاشی و تشدید تضادهای درونی رژیم

در ادامه‌ی بحران فروپاشی درونی رژیم متزلزل خمینی و تشدید تضادها در بالاترین سطوح حکومتی، منتظری ابله ولیعهد رانده‌شده‌ی دژخیم جماران در یک جلسه‌ی خصوصی گفته است که طرح مسئله‌ی "ولایت فقیه" متأثر از حسن آیت معدوم است و همچنین اظهار نموده که من اشتباه کردم از اینکه پیشنهاد تشکیل وزارت اطلاعات را دادم و الان می‌گویم که ری‌شهری باید محاکمه شود.

از سوی دیگر رفسنجانی ملیجک دربار خمینی که گفته می‌شود یکی از عناصر باندی است که بجای ولیعهدی منتظری ابله خواهان باصلاح شورای رهبری بعد از مرگ خمینی می‌باشد، در جلسه‌ی گفته شده است باید کانال‌های ارتباطی منتظری را کور کرد و ملاقات‌ها و صحبت‌های منتظری را باید کنترل کنیم. عوامل وابسته به این باند، رفسنجانی، خامنه‌ای و مشکینی را برای شورای رهبری معرفی می‌کنند و حتی در این ترکیب فرضی نیز برای ولیعهد سفیه خمینی جایی در نظر نگرفته‌اند.

### غار ت رسمی

### آثار گرانقیمت باستانی توسط ایادی رژیم

رژیم خمینی، بمنظور تأمین بخشی از هزینه‌های سرسام‌آور جنگ و سرکوب، شیوه‌ی جدیدی را در غارت منابع ملی بخدمت گرفته و آثار باستانی و اشیاء عتیقه و گرانقیمت را از طریق ایادی خود در بازارهای جهانی به فروش می‌رساند. میزان غارت گنجینه‌های تاریخی و آثار گرانبهایی که توسط کارگزاران رژیم دزد و جنایتکار خمینی صورت گرفته بقدری زیاد است که مطابق اعترافات صریح ایادی خمینی، در حال حاضر بخش عظیمی از میراث فرهنگی سرزمین ما در اختیار دیگران و بویژه در اختیار موزه‌های کشورهای اروپایی و آمریکا قرار گرفته است. بطوریکه تنها یک مجموعه‌ی آثار هنری ایرانی در واشنگتن به مبلغ ۷ میلیون دلار فروخته شده است.

ورق‌پاره‌ی کیهان (۲۹/دی) در رابطه با ابعاد گسترده‌ی این شیوه‌ی خائنانه‌ی چپاول می‌نویسد که موزه‌های کشورهای آسیایی نیز در پی موزه‌های آمریکا و اروپا از این آثار پر شده و کشورهای هستند که از ایادی رژیم دعوت می‌کنند که بدون ویزا به آن کشور سفر کرده و برای آنها آثار گرانبهای باستانی و اشیاء عتیقه ببرند.

\*

### بازداشت مجدد داماد منتظری

### و بالا گرفتن تضاد بین دجال و سفیه جنایتکار

بر اساس گزارشات موثق، وزارت ساواک خمینی، در ادامه‌ی قضایای مربوط به سیدمهدی هاشمی که اساساً بمنظور تضعیف و پائین کشیدن منتظری، از منصب ولایتعهدی خمینی دجال علم گردید، مجدداً هادی هاشمی داماد منتظری و برادر سیدمهدی هاشمی را دستگیر کرده است.

بنابراین گزارشات هادی هاشمی را برای پاسخ به چند سؤال از قم به تهران فرا می‌خوانند، و وقتی که وی به تهران می‌رسد بلافاصله او را بازداشت می‌کنند.

گزارشات رسیده حاکیست که قبل از دستگیری سیدهادی هاشمی، منتظری به وی گفته "مصاحبه کردن حرام است و تحت هیچ شرایطی نباید مصاحبه کنی." ولیعهد سفیه خمینی همچنین به داماد خود گفته است برو از کار خود در تلویزیون دفاع کن و من هم از تو پشتیبانی می‌کنم.

در این رابطه تضاد میان خمینی دجال که سرخ تمامی این قضایا مستقیماً به وی مربوط می‌شود و ولیعهد معزولش باز هم بالا گرفته بنحوی که منتظری در جلسه‌ی درس خود در قم شدیداً به مصاحبه گرفتن از سیدمهدی هاشمی حمله کرده است.

### "کارمزد" تحویل کوپن ارزاق ۳ برابر شد

رژیم خمینی، در ادامه‌ی اخاذی‌های غارتگرانه از مردم که بصورت مرمز درآمدی برای تأمین هزینه‌های سرسام‌آور جنگ و سرکوب درآمده، کارمزد تحویل کوپن ارزاق و مایحتاج عمومی را افزایش داده است. گزارش رسیده در این زمینه حاکی است که تا چندی پیش اوراق کوپن که می‌بایستی بطور رایگان در اختیار مردم قرار گیرد و در شعب بانک صادرات به مبلغ ۱۰ تومان فروخته می‌شد، این مبلغ اکنون به ۳ برابر افزایش یافته است.

همچنین کارگزاران رژیم در آموزش و پرورش، تحویل کارنامه‌ی دانش‌آموزان مدارس را به اخذ مبالغی از آنان تحت عنوان کمک به جبهه‌های جنگ، مشروط کرده‌اند. در بسیاری از مدارس، گفته شده که کارنامه‌ی امتحانات ثلث اول دانش‌آموزان را بعد از کمک آنها به جبهه‌ها، تحویل خواهند داد.

### سرکوب وحشیانه‌ی یک فریاد اعتراض

چندی پیش یک زن بجان‌آمده از شرایط مرگباری که رژیم ضد بشری خمینی در میهن درزنجیرمان بوجود آورده است، در مراسم نمایش نماز جمعه‌ی تهران فریاد می‌زند "بابا بس کنید، بجای حرف زدن به درد مردم برسید، من نفت ندارم تا بچه‌هایم را گرم کنم، مایحتاج عمومی و مواد خوراکی هم ندارم. چکار کنم." که بلافاصله چند زن فالانژ (کلاغ‌سیاه) بر سرش ریخته و در حالیکه می‌گویند این زن مجاهد است بطرز وحشیانه‌ای او را زیر مشت و لگد می‌گیرند، و دست آخر نیز او را به ۳۵ ضربه شلاق محکوم می‌کنند.

## سه سروده از کمال رفعت صفائی

## اندوه ما چنین است:

اندوه نادیده چیست؟  
اندوه نادیده:  
مقتول گم‌گشته‌ای است  
که زخم‌های او را  
نمی‌توان قضاوت کرد.

اندوه ما چنین است:  
پرنده‌ی نامکشوف  
گم‌گشته در میدان سینه‌ی مجروح

باری به هر جهت،  
حق را به داوران خویش می‌دهیم  
تا دیده‌های خود را قضاوت کنند  
تا یک از هزار دیده‌ی خود را  
- تا یک از هزار گفتمانی ما را!

\*

## ای چهچه سحرگاهی!

خون پرنده بی‌پرنده نیز غزلخوان است  
زیرا که من شنیده‌ام، بسیار  
از سنگ و خاک، آواز!

ای چهچه سحرگاهی  
من هر چه گشته‌ام  
ندیده‌ام، گلوگاهی!

۲/ شهریور ۶۵

## ای شاخسار انجیر

عاشق‌کشان بدانید، ما عشق ماندگاریم  
در جان خود بسوزیم، بر تشنگان بیاریم

ای درّه‌ها ببینید، بر قلّه‌ها جهیدیم  
تا ماه سبز خود را، در گهگشان گذاریم

زنجیرها شکستیم، پائیزها فسرديم  
با دانه‌ها رسیدیم، تا باغ‌ها بگاریم

ای سرزمین گلگون، ما را نگاه در خون  
یا در فراق یاریم یا بر فراز داریم

چون شعله در سیه‌چال جستی بزن به آفاق  
تا در میان آتش، زنجیر واگذاریم

ای خسروان بمیرید، در سنگ ره گشودیم  
شیرین نازنین را، در خون خویش داریم

ای شاخسار انجیر، تلخی نشست در دل  
ما را بگیر در خود، ما تشنه‌ی بهاریم

## استقبال پر شور مردم از «سیمای مقاومت»

گذاشته است و حتی خانه‌ی خالی در  
آن ناحیه‌ی شهر دیگر پیدا  
نمی‌شود.

شایان ذکر است که رژیم درمانده‌ی  
خمینی در وحشت از استقبال گسترده‌ی  
مردم از برنامه‌های تلویزیونی مجاهدین  
خلق ایران برای ممانعت از تماشای "سیمای  
مقاومت" توسط مردم، دست به اقدامات  
زبوانه‌ای زده و منجمله در برخی شهرها  
به هنگام پخش این برنامه برق سراسری  
شهر را قطع می‌کند.

...

بر اساس گزارشات رسیده، مردم  
آزاده‌ی کرمانشاه که برنامه‌ی تلویزیونی  
مجاهدین خلق بیش از ۵۰ درصد شهر آنان  
را می‌پوشاند، برای دریافت تصویر بهتر  
شیوه‌های مختلفی را بکار می‌برند و از  
جمله با نصب آنتن‌های تقویت‌کننده، تمامی  
برنامه‌های سیمای مقاومت را براحتی  
مشاهده می‌کنند.

در شهر "کامیاران" که "سیمای  
مقاومت" فقط در یک قسمت از شهر قابل  
رؤیت می‌باشد، استقبال مردمی به حدی  
است که روی اجاره‌خانه‌های آن منطقه تأثیر

"سیمای مقاومت" برنامه‌ی تلویزیونی  
سازمان مجاهدین خلق ایران، که مناطق  
غربی و جنوبی کشور را تحت پوشش خود  
دارد، از جانب اکثریت قریب به اتفاق  
مردم این مناطق، با استقبال زایدالوصفی  
مواجه شده است. بطوریکه در ساعت پخش  
برنامه‌های آن، بسیاری از هموطنان آزاده،  
هواداران سازمان و پشتیبانان مقاومت رنج  
جایجایی، تردد و بعضاً مسافرت بین دو  
شهر را بخود می‌پذیرند تا در نقطه‌ای که  
تصویر بهتر دریافت می‌شود، برنامه‌ی  
سیمای مقاومت را تماشا کنند.

## کنفرانس مطبوعاتی مجاهدین خلق ایران در شهر بوستون - آمریکا

از چپ به راست: خواهر مجاهد اعظم ریاحی  
برادر مجاهد حسین مدنی و برادر مجاهد بهزاد نظیری



روز سه شنبه ۲۳ دیماه، مجاهدین شکنجه شده، اعظم ریاحی و بهزاد نظیری و همچنین برادر مجاهد حسین مدنی نماینده‌ی مجاهدین خلق، طی یک کنفرانس مطبوعاتی، در بوستون آمریکا به افشای جنایات خمینی و نقض شدید حقوق بشر در ایران، تشریح بحران‌های گریبانگیر رژیم و بویژه بحران ناشی از برقراری روابط پنهانی و معاملات تسلیحاتی با آمریکا و اسرائیل و همچنین موقعیت روبه‌اعتلای مقاومت ایران پرداختند.

کنفرانس مطبوعاتی مجاهدین خلق در بوستون که خبر برگزاری آن پیشاپیش توسط خبرگزاری آسوشیتدپرس مخابره گردیده بود، با استقبال نمایندگان رسانه‌های خبری روبرو شد و بیش از ۲۰ خبرنگار و گزارشگر، از روزنامه‌ها و رادیو تلویزیون‌ها و همچنین نمایندگان خبرگزاری‌های آسوشیتدپرس و یونایتدپرس در آن شرکت نمودند. مجاهدین شکنجه شده، اعظم ریاحی و بهزاد نظیری در کنفرانس مطبوعاتی مجاهدین خلق در بوستون، ابعاد وحشی‌گری‌ها و جنایات

دژخیمان خمینی در زندان‌ها و مقاومت‌های حماسی اسرای مجاهد و مبارز خلق را به تفصیل تشریح نمودند و آنگاه نماینده‌ی مجاهدین خلق نیز بی‌پایگی این تبلیغات که گویا عناصری باصطلاح میان‌رو در درون رژیم وجود دارند را توضیح داد و تأکید نمود که رژیم خمینی سراسر جنگ و سرکوب و اختناق است و به یمن مقاومت پیروزمند مردم ایران، این رژیم بی‌آینده و متزلزل بوده و هیچ راه‌حل و جانشینی در درون خود ندارد.

گزارشات دریافتی حاکی است که سه کانال رادیویی و ۴ کانال تلویزیونی بوستون آمریکا و نیز روزنامه‌های گسترده‌الانتشار این شهر به همراه تعدادی از خبرگزاری‌ها و رسانه‌های عمومی در نخستین روز برگزاری کنفرانس گزارشات و تصاویری از کنفرانس مطبوعاتی مجاهدین خلق ایران را منعکس نمودند.

ذیلاً توجه شما را به انعکاس مصاحبه‌ی مجاهدین از بندرسته در چند رسانه‌ی خبری آمریکا جلب می‌کنیم:

روز سه شنبه ۲۳ دیماه، مجاهدین شکنجه شده، اعظم ریاحی و بهزاد نظیری و همچنین برادر مجاهد حسین مدنی نماینده‌ی مجاهدین خلق، طی یک کنفرانس مطبوعاتی، در بوستون آمریکا به افشای جنایات خمینی و نقض شدید حقوق بشر در ایران، تشریح بحران‌های گریبانگیر رژیم و بویژه بحران ناشی از برقراری روابط پنهانی و معاملات تسلیحاتی با آمریکا و اسرائیل و همچنین موقعیت روبه‌اعتلای مقاومت ایران پرداختند.

کنفرانس مطبوعاتی مجاهدین خلق در بوستون که خبر برگزاری آن پیشاپیش توسط خبرگزاری آسوشیتدپرس مخابره گردیده بود، با استقبال نمایندگان رسانه‌های خبری روبرو شد و بیش از ۲۰ خبرنگار و گزارشگر، از روزنامه‌ها و رادیو تلویزیون‌ها و همچنین نمایندگان خبرگزاری‌های آسوشیتدپرس و یونایتدپرس در آن شرکت نمودند. مجاهدین شکنجه شده، اعظم ریاحی و بهزاد نظیری در کنفرانس مطبوعاتی مجاهدین خلق در بوستون، ابعاد وحشی‌گری‌ها و جنایات

## Khomeini victims rip arms deal

The Boston Herald

بوستون هرالد - آمریکا

۱۴ ژانویه/۱۹۸۷

### قربانیان خمینی

### معامله سلاح را شدیداً مورد حمله قرار می دهند

نویسنده: هری دیکسن

نظیری سپس از مرز پاکستان گذشت و به پاریس پرواز کرد. نظیری، یک دانشجوی زمین‌شناسی سابق، بعثت شغلش بعنوان یک گزارشگر برای آژانس خبری فرانسه در ایران دستگیر شد. حسین مدنی، یک سخنگوی سازمان ضدخمینی مجاهدین خلق ایران گفت مشکل تروریسم با یک معامله ساده سلاح در عوض گروگان‌ها متوقف نمی‌شود.

زندانیان سابق خواستار اعمال تحریم علیه حکومت خمینی شدند.

اثر شلاق‌های مداوم با کابل الکتریکی ایجاد شده‌اند. او در یک اتاق عمومی بهداری جایی که انتظار می‌رفت بمیرد رها شد، اعضای جنبش مقاومت ایران او را از بیمارستان بیرون آوردند.

نظیری که حالا در پاریس زندگی می‌کند در جریان انتقال بین دو زندان فرار کرد.

اعضای جنبش مقاومت متوجه این انتقال شدند و مینی‌وس مربوطه را هنگامیکه برای تدارکات توقف کرده بود پیدا کردند.

مطبوعاتی دیروز در بوستون گفت "مردم ایران ایده‌ی وجود "مدره" ای در رژیم خمینی را به مسخره می‌گیرند."

ریاحی و نظیری هر دو آثار شکنجه از دوران حبس‌شان در زندان‌های وحشیانه‌ی خمینی را با خود حمل می‌کنند.

ریاحی کفش‌هایش را بیرون آورد و پاهایش را برای نشان دادن دو محل زخم به اندازه‌ی توپ‌های بیس‌بال روی کف پاهایش روی میز کنفرانس گذاشت. او گفت که این زخم‌ها در

دو تن از کسانی که از اتاق‌های شکنجه‌ی خمینی جان سالم بدر برده‌اند دیروز گفتند که تلاش عقیم‌مانده‌ی دولت ریگان برای معامله با "مدره‌های" ایران محکوم به شکست بود زیرا آنها اساساً وجود ندارند.

اعظم ریاحی، و بهزاد نظیری، این ایده را که ریگان صرفاً در عوض گروگان‌هایی که توسط افراطیون لبنان نگهداشته شده‌اند سلاح‌ها را داده، مسخره دانستند.

ریاحی در یک کنفرانس

آمده اند. این گروه می گوید که در سال های حکومت خمینی ۵۰ هزار نفر اعدام شده اند. گروه حقوق بشری عفو بین الملل اعدام ۶۵۷۸ نفر از مخالفین را تایید کرده است. نظیری دانشجوی سابق دانشگاه بوردو فرانسه در زمان دستگیری اش در اواسط ۱۹۸۲ خبرنگار نیمه وقت بود.

وی گفت اتهامش اعتراض به دستگیری و اعدام خواهر بزرگترش که تکنیسین دوربین تلویزیون و یکی از اعضای مجاهدین بوده، می باشد. نظیری همچنین گزارشی در مورد اعدام ها در خیابان های شهرها و سرکوب اقلیت های مذهبی و مخالفین سیاسی داده است.

نظیری بخاطر می آورد که به همراه ۱۰۰ نفر دیگر در سلولی به طول ۱۸ فوت و عرض ۱۵ فوت پس از محکومیت ۸ ساله اش به دلایل سیاسی بسر برده و بطور روزانه شکنجه می شده است. وی گفت در ۱۹۸۵ وقتی از زندان قزل حصار به یک زندان دیگر منتقل می شده، موفق به فرار گردیده است.

وی در حالیکه می افزود مردم خیابان توجه پاسداران را منحرف کردند تا افراد مقاومت بتوانند وی را از صحنه خارج کنند گفت "فرار وقتی ممکن شد که پاسداران از ماشین برای چند دقیقه پیاده شدند".

پس از فرار نظیری پدر ۶۵ ساله اش که پروفسور دانشگاه بود دستگیر گردید و به زندان افتاد. برادر ریاحی و یکی از عموزاده هایش نیز پس از فرار وی در ۱۴ ماه پیش دستگیر شدند.

ریاحی گفت وی محکوم به اعدام زیر شکنجه شده بود ولی او وقتی به قسمت بهداری زندان فرستاده شد فرار کرد. وی برای معالجه و بازگشت به زندان برای ازسرگیری شکنجه ها به درمانگاه انتقال یافته بود ولی بوسیله پزشکان به خارج درمانگاه منتقل گردید.

مجاهدین وی را کمک کردند تا به سوئد فرار نماید.

\*\*\*

## کنفرانس مطبوعاتی مجاهدین خلق ایران در شهر بوستون - آمریکا

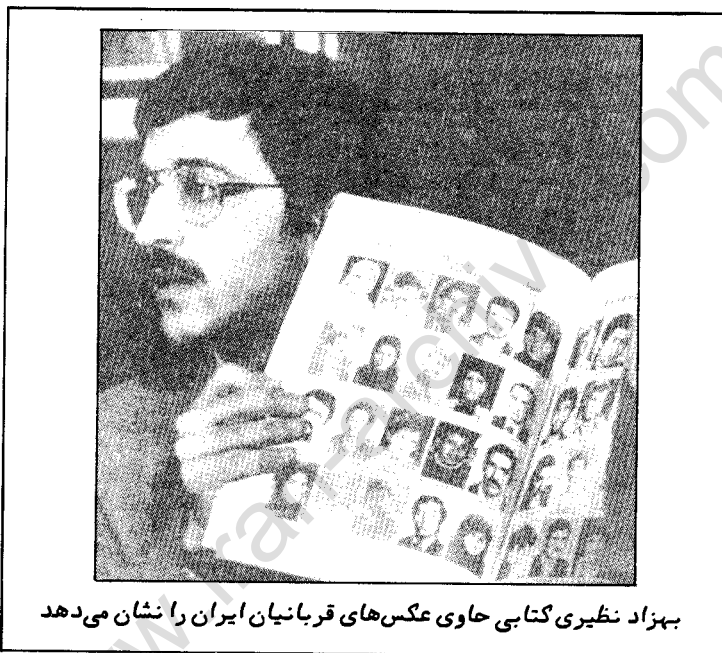
بوستون گلوب - آمریکا

۱۴ ژانویه / ۱۹۸۷

The Boston Globe

دو ایرانی

از شکنجه و زندانی شدن سخن می گویند



بهزاد نظیری کتابی حاوی عکس های قربانیان ایران را نشان می دهد

حراکتی که به عمر رژیم خمینی بیفزاید ناراضی اند و از آن بسیار تلخکام خواهند بود." وی به خبرنگاران گفت که شاهد تجاوز به مادر ۴۵ ساله ای بوده که چشمانش کور شده و مورد ضرب و شتم مداوم بوده. وی همچنین قتل آذر روستایی دانش آموز ۱۹ ساله ای را در تاریخ ۳ فوریه / ۱۹۸۳ بخاطر آورد که بجرم تبلیغ بر علیه رژیم خمینی اعدام شده بود. ریاحی گفت که وی شاهد شکنجه و تجاوز به زنی در مقابل ۳۴ زندانی دیگر بوده که سپس توسط پاسداران خمینی اعدام گردید.

ریاحی و نظیری به کمک جنبش مقاومت مجاهدین که مدارک اعدام ۱۲ هزار نفر ایرانی را جمع آوری کرده اند به بوستون

می شدند آنها هیچگاه قادر نبودند کمر خود را راست کنند. ریاحی و نظیری که امیدوارند توضیحاتشان در مورد شکنجه و تجاوز به حقوق مردم، حمایت از مقاومتشان را افزایش دهد، تلاش های آشکار دولت ریگان برای تحکیم مناسبات با باصطلاح میانه روها در ایران را مورد سؤال قرار داده و اعلام کردند که در کشورشان هیچ جناح میانه رویی وجود ندارد. ریاحی در اشاره به جنجال برانگیخته شده در مورد فروش سلاح به ایران گفت، "با توجه به اینکه برخی از هموطنان ما در پرچم آمریکا پیچیده و اعدام شده اند تا اعدایشان توجیه شود، با توجه به جنایاتی که در طول حاکمیت رژیم خمینی اتفاق افتاده، مردم ایران از هرگونه

در سن ۲۵ سالگی بدن ریاحی از جای زخم هایی که به گفته ی او بدست پاسداران بر بدنش، به جرم شرکت در تظاهرات ضد دولتی در سال ۱۹۸۲، ایجاد شده، پر بود: سوراخ هایی به شکل تخم مرغ بر کف پاهایش بوسیله ی پوست برداشته شده از ران هایش پر شده اند. مچ دستش را هیچگاه نمی تواند بطور طبیعی حرکت بدهد و یکی از پرده های گوشش در اثر ضرباتی که به سرش وارد شده آسیب دیده است.

دولت ایران استفاده از شکنجه بطور وسیع برای خاموش کردن اعتراضات سیاسی و سرکوب گروه های ضد رژیم را انکار می کند. ولی سازمان مجاهدین خلق ایران، گروه اصلی مقاومت داخلی، تخمین می زند که ۱۴۰،۰۰۰ هزار نفر توسط رژیم خمینی زندانی شده اند.

دیروز طی مصاحبه ای در بوستون، ریاحی و بهزاد نظیری ۲۷ ساله که قبلاً گزارشگر آژانس خبری فرانسه بود در مورد شکنجه هایی که متحمل شده بودند و همچنین اعدام های سیستماتیک که شاهد آن بوده اند سخن گفتند.

نظیری گفت که اعمال شکنجه در زندان های خمینی امری سیستماتیک محسوب می شود. آنجا من شاهد بودم که زندانیان مجبور بودند در سلول هایی به ارتفاع ۲ فوت برای مدت ۶ ماه بحالت چمباتمه بنشینند. سپس وقتی که آزاد

حقوق بشر اختصاص دارد قرار گیرد و شهادت دهد. او با وجود اینکه پس از فرارش سه عمل جراحی انجام داده باز هم الان یکی از کلیه هایش کار نمی کند، دو تا از دنده هایش شکسته، پای چپش فلج گشته و تاندون های پایش غیرقابل علاج اند و تکه تکه شده اند و قسمت راست بدنش بی حس است...

مینا وطنی، چند ماهی است که از ایران خارج شده است، قبل از اینکه در برابر سازمان ملل متحد شهادت دهد، در این مصاحبهی اختصاصی با "پانوراما" (اولین مصاحبهی انجام شده با یک روزنامهی غربی است) چیزهایی را که در چهار زندان متحمل شده و دیده است نقل می کند.

سؤال: چرا دستگیر شدید؟  
آیا بعنوان مخالف شناخته شده بودید؟

جواب: من تنها یک معلم بودم که از ۱۹۷۹ فعالیت های سیاسی ام را در مدرسه، در کنار مجاهدین خلق، سازمان مقاومت، شروع کردم. به همین خاطر توسط مزدوران خمینی شناخته و بعداً هم اخراج شدم. از اواسط ۱۹۸۱ تعقیب هواداران مجاهدین شروع شد. در ماه نوامبر موجی از دستگیری ها صورت گرفت. آنانی که مرا بردند، حتی از نام من هم خبری نداشتند.

سؤال: شما را مورد بازجویی قرار دادند؟ چه چیزی می خواستند بدانند؟

جواب: نه. هیچگونه بازجویی در کار نبود. فوراً مرا تحت شکنجه قرار دادند. هنوز چند دقیقه ای از ورودم به حیاط اوین، بزرگترین زندان تهران، نگذشته بود که مرا در یک اتاق شکنجه حبس کردند.

سؤال: چه رفتاری با شما کردند؟



A sinistra, Mina Vatani, sopravvissuta alle torture. Sopra, un reparto di mojahedin

IRAN/TORTURE

## Mi hanno crocifissa

ایران - شکنجه

مرا به صلیب کشیدند

Una donna iraniana denuncerà all'Onu le sevizie subite a Teheran. Ecco che cosa rivelerà.

یک زن ایرانی از شکنجه و آزاری که در تهران متحمل شده در برابر سازمان ملل متحد شکایت خواهد برد اینها آن چیزی است که او افشا خواهد کرد



دیگر به همین روش بود. اما این تنها ابتدای کابوس بود سفر در زندان های جهنمی خمینی از آن زمان بیش از سه سال طول می کشد.

آن دختر که تقریباً بطور معجزه آسا جان سالم بدر برده امروز آمده است تا در مقابل مجمع عمومی ملل متحد، اجلاسهای که به نقض

را کشان کشان به درون یکی از دو ماشین ببرند. مردم به کمکش می شتابند، اما پاسداران مسلسلها را بطرف آنها نشانه می گیرند و فریاد می زنند: "هیچکس از جایش تکان نخورد."

دختر در طول مسیر که با ماشین تا زندان اوین نیم ساعت راه بود، شاهد هفت دستگیری

از: کیارا سوتوکرونا

تهران ۱۹۸۱، روزی مثل روزهای دیگر در اواسط ماه نوامبر، دختری در یکی از خیابان های مرکز در حال قدم زدن است. ناگهان دو ماشین وی را متوقف می سازند. اینان پاسداران خمینی هستند. با مشت و لگد سعی می کنند دختر

زندانیان اعمال می‌کردند. آنجا بردند. من و یک زن و یک مرد مجاهد دیگر، همراه با سایر محکومین بودیم. یک اعدام ساختگی برای ترساندندان ترتیب دادند. یکدفعه از بین صفوف حاضرین یک نفر را خارج ساختند. سپس دیدیم وی را بر روی زمین می‌کشند و برمی‌گردانند. صورتش کاملاً زرد شده بود. فهمیدیم که خوش را کشیده‌اند.

سؤال: منظورتان چیست؟  
 جواب: بنا به فتوای خمینی از زندانیان سیاسی خون گرفته می‌شود. و ما در اسنادمان اصل این دستور کتبی را منتشر کردیم. در زندان‌های خمینی خون زندانیان را می‌کشند تا خون تازه برای پاسداران بفرستند.

سؤال: و بعد شاهد چه اتفاقاتی بودید؟

جواب: بعد از این صحنه در گوشه‌ای از زندان ۳۲ زندانی را با چشم‌های بسته به صف کردند. پاسداران چشم‌هایمان را باز کردند، سپس زانو زدند و تفنگ‌هایشان را بسویمان گرفتند. آنها را دیدم که جلوی پاهایمان بر زمین افتادند. بعد هم ما را مجبور کردند تا از نزدیک ببینیم که چگونه به هر کدام تیر خلاص می‌زنند. هرگز نمی‌توانم نگاههای آن افراد نیمه‌جان را فراموش کنم.

سؤال: شما چگونه توانسته‌اید مقاومت کنید؟

جواب: در زندان‌های رژیم خمینی هیچکس نمی‌تواند مطمئن باشد که نجات خواهد یافت، هر لحظه امکان اعدام وجود دارد. لاجوردی، معروف به جلاذ تهران، که در آن موقع دادستان زندان اوین بود ضمن تهدید ما می‌گفت که درب سلول‌ها برای ما تنها موقعی باز خواهد شد که بخواهند اجسادمان را ببرند. اما من از همان‌موقع از داخل زندان با مقاومت تماس داشتم.

سؤال: زمان آنرا بخاطر دارید؟

جواب: بله. اولی ۳۵ قربانی در تاریخ ۸/فوریه/۱۹۸۲، دومین بار ۷۰ نفر در تاریخ ۱۱/فوریه/۱۹۸۲ بود. خیلی از محکومین را می‌شناختم. آنان آنقدر وحشتناک شکنجه شده بودند که بسختی راه می‌رفتند. اولین بار سه نفر از ما را

سؤال: زنان زیادی در زندان بودند؟

جواب: بله خیلی بودند. موقعی که من دستگیر شدم، شمار زندانیان سیاسی در اوین تقریباً به ده هزار نفر می‌رسید، و در بین آنان چهارهزار نفر زن بودند. به‌رحال برای رژیم خمینی تفاوتی بین زن و مرد نیست. همه بطور وحشیانه، حتی بچه‌ها نیز، شکنجه می‌شوند. در این زندان‌ها شرایط امکان زندگی کردن وجود ندارد. ما را در سلول‌هایی جای می‌دادند که ماکزیم گنجایش ۲۰ الی ۳۰ نفر را داشت. اما ما گاه تا صدنفر و آن انباشته بودیم، صدنفر و تماماً زخمی. هوا نبود، بوی خون و مدفوع وحشتناک بود. هیچ پنجره‌ای وجود نداشت و کاملاً در تاریکی بسر می‌بردیم.

حتی زنانی را دیدم که در چنین سلول‌هایی وضع حمل کرده بودند. حتی آب برای پاک کردن نوزاد و یا پارچه برای پیچیدن نوزاد نبود. و مادرهایی را می‌شناسم که مجبور شدند تیرباران فرزندانشان را ببینند.

سؤال: در کجا تیرباران‌ها صورت می‌گرفت؟

جواب: در حیاط زندان اوین و در اکثر مواقع در جلوی چشم زندانیان دیگر صورت می‌گرفت. آن شیوه هم یک نوع شکنجه روحی بود. شخصاً شاهد دو مورد اعدام دستجمعی بودم.

سؤال: زمان آنرا بخاطر دارید؟

جواب: بله. اولی ۳۵ قربانی در تاریخ ۸/فوریه/۱۹۸۲، دومین بار ۷۰ نفر در تاریخ ۱۱/فوریه/۱۹۸۲ بود. خیلی از محکومین را می‌شناختم. آنان آنقدر وحشتناک شکنجه شده بودند که بسختی راه می‌رفتند. اولین بار سه نفر از ما را



## گزیده مطبوعات جهان

ایران - شکنجه

### مراهبه صلیب کشیدند

در آنموقع دیگر از تمام بدنم خون جاری می‌شد، پاهایم نیز باد کرده بودند. برای شانزده ساعت مرا به همان شکل آویزان نگه داشتند. یکی از مچ‌هایم از دستبند خارج شده بود و برای هشت ساعت از یک دست آویزان بودم. بعد از اینکه مرا پائین آوردند، دوباره مچ دست‌هایم را از پشت بسته و مرا از سقف آویزان کردند.

سؤال: در اتاق شکنجه تنها بودید؟

جواب: در همان اتاق فرد دیگری را که می‌شناختم آوردند و وی را جلوی من به صلیب کشیدند، وی که یکی از همکاران مرد من بود، برای سه شبانه‌روز به آن شکل آویزان بود و تحت شکنجه قرار داشت. وی متأسفانه نتوانست جان بدر ببرد.

سؤال: شکنجه در روزهای بعد هم ادامه یافت؟

جواب: بله، مطمئناً. و هر بار آنقدر ضربه وارد می‌کردند تا بیهوش گردم. و سپس مرا در آنجا بحال خود رها می‌کردند و همینکه بیهوش می‌آمدم دوباره شروع می‌کردند. یکبار هم چندین لیتر آب بخوردم دادند تا بعداً با زور ممت و لگد آن را خارج کنند. اینها بعضی از انواع شکنجه‌هایی هستند که بر روی

جواب: مرا به یک میز بسته و آنقدر شلاق زدند تا از بدنم خون جاری شد. همه جای آن اتاق، دیوارها و کف آن از قبل خونی بود. صدای فریادهای وحشتناکی می‌آمد. درحالیکه به تختی بسته شده بودم، در زیر ضربات شلاق شروع به خون استفرغ کردن نمودم، بعد در دهانم یک تکه پارچه چپاندند و کمی بعد آن را که خونی نیز بود مجدداً به حلقم فرو می‌کردند. شکنجه‌گران چهار تا بودند و هر نیم‌ساعت جایشان را با هم عوض می‌کردند.

سؤال: (شکنجه) چقدر بطول انجامید؟

جواب: اولین بار از ساعت یک‌ونیم تا یازده شب. و از شیوه‌های متعدد برای شکنجه استفاده کردند. بعد از اینکه بر روی تخت مرا شلاق زدند، مرا بر روی پاهایم قرار داده و شروع به زدنم با صندلی و میله‌های آهنی کردند. بعداً مرا بر روی دیوار به صلیب کشیدند، بدینگونه که مرا از مچ‌های دستم با دو دستبند آویزان کردند. با پاهایم حتی نمی‌توانستم به زمین برسم. شکنجه‌گر با میله‌ی آهنی بطرف من می‌دوید و با میله‌ی آهنی ضربات محکم به شکم می‌زد و

باصطلاح افراد آراسته و نجیب در حکومت ایران خواند گنج و متحیر شد. نظیری گفت "من خودم یک عضو پارلمان، هادی خامنه‌ای، همین کسی که در اینجا مدره نامیده می‌شود را وقتی در سلولم بودم دیدم."

ریاحی که چهره‌ای باز، بردبار و متین دارد می‌گوید او نیز هنگامی که در اوین زندانی بوده، سخنگوی پارلمان، هاشمی‌رفسنجانی را، که در مورد مأموریت مکفارلن و سرهنگ دوم الیور ال‌نورث به ایران سخن رانده است، در آنجا دیده است.

"او به گاردها دستور تجاوز به زنان را می‌داد، به بازجویان دستور می‌داد بیشتر اطلاعات بگیرند، شکنجه از طریق بلندگوها پخش می‌شد."

ریاحی در اوت/۱۹۸۲ بخاطر فعالیت در رابطه با مقاومت دستگیر شد. او گفت، طی دو سال در اوین، او مورد ضرب و شتم قرار گرفت و مکرراً با لگد به او ضربه زده شده و با کابل به او شلاق زده‌اند. درحالیکه جورابش را برای نشان دادن یک برآمدگی بنفش‌رنگ وحشتناک به اندازه‌ی یک تخم‌مرغ بیرون می‌آورد گفت او متحمل یک جراحی پیوند پوست شد و بلافاصله پس از آن مجدداً با شلاق شکنجه شد، بطوری که این برآمدگی باز شد. او در سال ۱۹۸۵ از ایران فرار کرد و حالا در سوئد، جایی که او برای جراحات داخلی تحت مداوا است، زندگی می‌کند.

مجاهدین تعداد زندانیان سیاسی در ایران را ۱۴۰,۰۰۰ نفر و تعداد اعدام‌شدگان را ۵۰,۰۰۰ نفر اعلام کرده‌اند. مجاهدین کتابچه‌های جالبی حاوی جزئیات روش‌های شکنجه چاپ کرده‌اند که عکس‌هایی از قربانیان ناقص‌العضو را نشان می‌دهند.

محققینی که صحبت‌های این قربانیان را می‌شنوند و مطالبشان را می‌خوانند ممکن است حیرت‌زده شوند که چرا دولت ریگان عذاب‌دهندگان این افراد را حمایت می‌کند...

\* \* \*

واشنگتن پست - آمریکا

۶/ ژانویه ۸۷

The Washington Post



## یک تماس افراطی

## An Immoderate Approach

تلویزیون بوده و به مقاومت پیوسته بود. او در مه/۱۹۸۲ بوسیله‌ی یک جوخه‌ی تیرباران اعدام شد. در ایران اعضای خانواده بخاطر جرم یکدیگر (توسط رژیم) مورد مجازات قرار می‌گیرند. بعد از اینکه نظیری در سال ۱۹۸۵ فرار کرد، پدر ۶۵ ساله‌اش را دستگیر کردند. در طی ۳ سالی که او در زندان گذراند، نظیری به‌مراه ۱۰۰ نفر دیگر در یک سلول ۱۵ فوت در ۱۸ فوت نگهداری و بطور روزانه شکنجه می‌شد. با کابل از پا تا شانه‌هایش شلاق زده می‌شد. به او گفته می‌شد، "تو سعی می‌کنی جای خواهرت را در مقاومت پر کنی." در یک مصاحبه او گفت "من از اینکه عده‌ای فکر می‌کنند که تعدادی معتدل در ایران وجود دارند متحیر شدم." "طبقه‌ی حاگمه با خمینی موافق است. او چاره‌ای جز حکومت با شکنجه، سرکوب، زندان و جنگ ندارد. اگر او انجام این ۴ چیز را متوقف کند، گارش تمام است."

نقطه‌ی موردنظر نظیری در صحبت‌های رسمی محسن رضائی، فرمانده‌ی سپاه پاسداران، منعکس شده است: "ما تروری سراسری و یگپارچه ایجاد می‌کنیم که ضدانقلابیون را کنترل می‌کند. وقتی این ترور قطع می‌شود ضدانقلابیون جان می‌گیرند و پخش می‌شوند."

نظیری که حالا در پاریس زندگی می‌کند و خاطراتش را می‌نویسد، وقتی که درباره‌ی نزدیکی پرزیدنت ریگان با

داستان‌هایی می‌گویند که موجب می‌شود اظهارات دولت ریگان درباره‌ی عناصر "منطقی" که قرار است با آنها در ایران رابطه برقرار شود، به همان اندازه پوچ و نامعقول بنظر برسد که چگونگی پیشقدم شدن در اینکار.

نظیری، لاغر و عینکی، متولد تهران و فارغ‌التحصیل مدرسه‌ی فرانسوی‌ها در تهران می‌باشد. چون خمینی دانشگاه تهران را بست، نظیری برای تحصیل در رشته‌ی زمین‌شناسی به "بردو" رفت. پس از بازگشت، او توسط آژانس خبری فرانسه بعنوان مترجم استخدام شد و بعد خبرنگار شد.

یکی از مأموریت‌هایش دیدار از زندان بدنام اوین بود، وقتی که با فشار دولت فرانسه در مورد حقوق‌بشر اجازه‌ی بازرسی داده شده بود. نظیری وقتی که بعد خودش زندانی شد موقعیتی استثنایی داشت که ببیند چطور صحنه‌سازی شده بود.

در سپتامبر/۱۹۸۱، او شرحی در مورد پاسداران، نیروهای شخصی خمینی که مردم را در خیابان‌ها تیرباران می‌کردند، نوشت. او همچنین از جبهه‌ی جنگ ایران و عراق، تازه‌سربازان ۱۴ ساله را که برای مادرانشان گریه می‌کردند توصیف کرد. او در ۲۶/ژوئن/۱۹۸۲ دستگیر شد.

اما بهرحال بنظر می‌رسد که جرم واقعی‌اش داشتن خواهری بنام گیتی بوده است که علیرغم دیدگاه‌های خمینی درباره‌ی جایگاه زنان، او فیلمبردار

یک جنبه از مسائل ایران که بایستی توسط محققین بسیاری که روی آن کار می‌کنند مورد بررسی قرار گیرد، انگیزه‌ی دولت در نزدیک شدن به آیت‌الله روح‌الله خمینی است. مطابق گفته‌ی رابرت سی. مک فارلن -عامل این نماینده‌ی شوم- ایالات متحده می‌خواست با "میان‌ها" در داخل حکومت ایران برای روزی که آنها قدرت را بدست بگیرند، احتمالاً بعد از اینکه آیت‌الله جای خود را خالی کند، رابطه‌ی دوستی برقرار کند.

وجود چنین معتدل‌هایی مسئله‌ای است که جای بحث زیاد دارد و باعث خنده‌ی تلخ زیاد، هم در اینجا و هم ظاهراً در ایران شده است؛ جایی که ۶ سال لفاظی پرچنب‌وجوش ضدآمریکایی مردم را به همان اندازه ناآماده برای یک چرخش ۱۸۰ درجه‌ای و دقیقاً به همان اندازه عصبانی کرده است که مردم ایالات متحده را.

کمیته‌های کنگره یا شورای مستقل که کارشان بیرون آوردن ته قضیه است باید جان سالم بدربرده‌های این حکومت مذهبی جهنمی را که با کمک مقاومت ایران، مجاهدین خلق، به اینجا آمده‌اند بعنوان شاهد فرابخوانند.

دو تن از چنین افرادی که جان سالم بدر برده‌اند؛ بهزاد نظیری، ۲۷ ساله، که یک موقع خبرنگار آژانس خبری فرانسه در تهران و اعظم ریاحی، ۲۵ ساله، یک کارمند اداره می‌باشند. آنها



ملت ایران است و سرنوشت صلح و آرامش منطقه را دچار بحران و تهدید جدی می کند. این بیانیه به تلاش های فزاینده ی ملت ایران بخاطر استقرار صلح و دموکراسی در کشور که براساس طرح های ویژه ی مقاومت ایران و رهبری آن مسعود رجوی صورت می گیرد، صحه گزارده و تأیید می کند.

طرح صلحی که احترام به حقوق انسان ها و پایان بخشیدن به جنگ خونینی که از ۷ سال پیش بین بغداد و تهران ادامه دارد را پیش بینی می کند.

فعال بودن مقاومت ایران را

می توان در حوادث ماه دسامبر نیز

جستجو کرد، وقتی که هزاران

تظاهرکننده طی تظاهراتی در

ایران شهر واقع در جنوب شرقی

ایران با شعار "مرگ بر خمینی و

زنده باد مجاهدین" دست به

راهپیمایی زدند. طبق گزارش

واصله از منابع مقاومت در نتیجه ی

مقابله ی ۵ هزار تن از

تظاهرکنندگان با پاسداران

انقلاب، ۵ تن از نیروهای سرکوبگر

رژیم کشته و تنی چند از

تظاهرکنندگان دستگیر گردیدند.

تظاهرکنندگان پس از حمله به

ساختن دادگاه انقلابی شهر

اسناد و مدارک گردآمده در رابطه

با نیروهای مقاومت را از بین برده

و پس از آن به زندان های محلی

یورش می برند.

در اطلاعیه ی مجاهدین خلق

آمده است بمحض ورود نیروهای

نظامی خمینی به محل، دستگیری

هزاران تن از اهالی شهر آغاز

گردید.

\* \*

تأمین هزینه های جنگ از یکسو و غارت و چپاول راهزانه ی مردم از سوی دیگر می باشد. سیاست جنایتکارانه ای که به قیمت تشدید قحطی و گرسنگی عمومی مردم پیش برده می شود، تا رژیم مرگ زده ی خمینی با ارز حاصله، به تنور جنگ و سرکوبش بدمد و چند روز بیشتر بر سر پا بماند. تلاش جنایتکارانه ای که آتش خشم خلق برای سرنگونی تمامیت این رژیم ضدبشری را برافروخته تر خواهد کرد.

\*

مجله ی آفریقا - پرتغال

۷/ ژانویه ۸۷

AFRICA



## جنگ در جنگ

مسعود رجوی رهبر سازمان مجاهدین خلق بدنبال ارسال تلگرافی بر پرزیدو کولتار دبیرکل سازمان ملل متحد از وی خواست برای نجات جان زندانیان سیاسی که از یکماه پیش در اعتصاب غذا بسر می برند و در شرایط خطرناکی هستند و همچنین برای جلوگیری از موج اعدام های دستجمعی اسرای شرکت کننده در اعتصاب غذا اقدام نماید.

ضمناً در ۱۱/ دسامبر گذشته پارلمان اروپا در حمایت از مسعود رجوی و مقاومت ایران بیانیه ای را تصویب نمود که در آن از کشورهای عضو جامعه ی اروپا خواسته شده تا از فروش اسلحه به رژیم خمینی خودداری نمایند. در این بیانیه که خطاب به کشورهای عضو بازار مشترک اروپا آمده است، تصریح گردیده کشورهای عضو بایستی تمامی مساعی خود را بمنظور قطع ارسال سلاح به رژیم تهران بکار گیرند. زیرا که ارسال سلاح به این رژیم باعث به مخاطره انداختن جان

سازمان مجاهدین خلق که سازمان اصلی اپوزیسیون رژیم ایران می باشد در اطلاعیه ی خود از پاریس گزارش می دهد که مردم ایران جملگی مقاومت سرتاسری خود را بر علیه این جنگ ضدمیهنی افزایش داده و با توسل به تمام امکانات از شرکت در "جبهه های مرگ" خمینی امتناع می ورزند...

طبق اخبار رسیده از دفتر مجاهدین در پاریس زندانیان زندان اوین بعنوان اعتراض بر علیه تیرباران ۴ تن از همسلولی های خود در آغاز ماه نوامبر، دست به یک اعتصاب غذای یکپارچه و طولانی زدند که تا دسامبر ادامه داشت. اعتصاب غذای زندانیان با عکس العمل وحشیانه ی مسئولین زندان مواجه گشت بدین معنی که در جواب اعتراض آنان ۴۰ تن دیگر از اسرای سیاسی تیرباران شدند. در پی موج اعدام زندانیان سیاسی، اسرای سیاسی بند زنان به جمع اعتصابیون غذا پیوستند.

تهاجم اخیر ایران بر علیه عراق که در ایام کریسمس انجام گرفت... تنها از طرف ایران نزدیک به ۳۵ هزار تن کشته و زخمی از خود بجای نهاد. مقاومت ایران یکبار دیگر از کلیه ی کشورهای صادرکننده ی اسلحه به ایران خواست تا با تحریم فروش اسلحه به ایران از تقویت تسلیحاتی رژیم حاکم بر ایران خودداری کنند. در حالیکه جنگ ایران بر علیه عراق با بسیج هرچه بیشتر کودکان و نوجوانان و متعاقب آن جریان سیل آسای قربانیان و معلولین جنگی که افزایش می یابند، ادامه دارد، مقاومت علیه رژیم خمینی که چه بلحاظ عملیات چریکی و چه در زمینه ی فراخوان های بین المللی بر علیه رژیم حاکم بر ایران ابعاد تازه ای یافته رو به اعتلا است. نتایج تهاجمات مرگبار اخیر رژیم و کشف و رسوایی "ایران گیت" در رابطه با فروش سلاح های آمریکایی به ایران بیش از پیش بحران وضعیت کنونی ایران را زبانه می کشد.

## صدور ضروری ترین کالاهای مایحتاج مردم...

بقیه از صفحه ۱۹

باز هم این وجه آشکارتر قضیه است، در زیر این لایه، هزار فوت و فن غارتگری دیگر هست که حرامیان و آخوندهای حرام لقمه ی خمینی خیلی خوب آنها را بلدند. بعنوان مثال اخیراً یک کامیون هندوانه ی صادراتی از ایران که به اروپا می رفت، در یکی از جاده های ترکیه چپه شد و بعد معلوم گردید که زیر هندوانه ها ۹ تن خاویار قاچاق بار زده بوده اند که قیمت و سود

از آن ارزی که از فروش این کالاها، بدست می آورند، کالا وارد کنند، و آنرا در تبتانی با وزارت بازرگانی به قیمت های دلخواه بفروشند. که در واقع سود اصلی از این طرف قضیه بدست می آید. سودی که ناشی از تفاوت فوق العاده زیاد قیمت رسمی و قیمت واقعی ارز می باشد. اینکار در واقع نوعی قاچاق ارز محسوب می شود و تازه

## تلفات انبوه و سرسام آورتهاجمات ضد کربلای ۵ و ۶

بقیه از صفحه ۱۱

### حربه خامنه‌ای

### علیه مقاومت و جنبش فزاینده صلح برای پوشاندن شکست‌های نظامی

### و تلفات سرسام‌آور رژیم

بدنبال شکست فزاینده و تلفات دهشتناک و سرسام‌آور رژیم خمینی در تهاجمات بی‌شمر ضد کربلای ۴ و ۵ و ۶ که تاکنون بیش از یکصد هزار کشته و مجروح و معلول برجای گذاشته است، سردمداران این رژیم جنگ‌طلب و ضدبشری بیش‌ازپیش خود را در مقابل اعتراضات مردم بجان‌آمده و جنبش فزاینده صلح می‌یابند. بویژه اینکه خشم و انزجار میلیون‌ها نفر از مردم بلازده میهنمان در شهرهای جنگ‌زده هر روز بیشتر در مسیر سوزاندن بنیاد این رژیم جنگ‌افروز و ضدبشری زیانه می‌کشد و هموطنان داغدارمان اجساد عزیزانشان را با شعار "مرگ بر خمینی" از زیر آوار بمباران‌ها بیرون می‌کشند و اگر پاسداران جنگ و جنایت خمینی اندک غفلتی بکنند مراسم عزاداری و تشییع کشته‌شدگان جنگ بلافاصله به تظاهرات علیه رژیم جنگ‌افروز جماران تبدیل می‌گردد. در ترس و وحشت از اوچگیری همین اعتراضات و در هراس از جنبش فزاینده صلح که مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران با افتخار پرچم آنرا برافراشته است؛ خامنه‌ای جنایتکار در نمایش جمعه ۳/ بهمن ضمن سردادن نعره‌های نفرت‌انگیز جنگ‌طلبانه، بطور احمقانه‌ای تلاش کرد که مجاهدین را مسئول بمباران‌ها و فجایع دردناک اخیر وانمود کند. او در اراجیف خود گفت: "یکی از تلخ‌ترین شیوه‌ها این است که مجاهدین که امروز در بغداد و زیر بال این حرکت خبیث زندگی می‌کنند، اینها عهده‌دار جاسوسی و بار بردن و دادن خبر به

رژیم عراق برای همین بمباران‌ها هستند." و سپس می‌افزاید: "این مجاهدینند که متأسفانه در یک‌چنین منجلاب تلخ و جاسوسی حقارت‌آمیز و جنایت‌باری آنها غلتیدند..."

اراجیف ضدمجاهدی رئیس‌جمهور پلید خمینی که مبین خشم و غیظ حیوانی رژیم خمینی از مجاهدین و حاکی از محبوبیت روزافزون پرچمداران صلح در میان مردم ایران است، در شرایطی ابراز می‌شود که مردم ایران بوضوح می‌بینند که چگونه در سال گذشته بر اثر تلاش‌های رهبری مقاومت عادلانه‌ی مردمی، جنگ شهرها برای مدتی طولانی متوقف گردید، اما بدنبال اصرار دیوانه‌وار و خائنانه‌ی خمینی خونخوار بر ادامه‌ی جنگ و حملات تجاوزکارانه‌اش به خاک عراق و بدنبال حملات مکرر موشکی رژیم خمینی به مناطق مسکونی، بار دیگر بطرز فاجعه‌باری از سر گرفته شد. همچنین مردم ایران شاهد و ناظرند که چگونه رهبری مقاومت ایران بکرات هرگونه حمله به مناطق مسکونی و مردم بی‌دفاع و غیرنظامی را از هر طرف که باشد، محکوم کرده و مستمراً از مجاری بین‌المللی و دیپلماتیک خواستار پایان دادن فوری به جنگ فاجعه‌بار شهرها گردیده است. بنابراین اراجیف خامنه‌ای جنایتکار فقط نشان‌دهنده‌ی وحشت دشمن ضدبشری از اقبال مردمی نسبت به شعار صلح مجاهدین و انزجار خلق از جنگ‌طلبی ضدمیهنی خمینی است که آتش آن اکنون خانمان مردم محروم و

بی‌پناه ما را در سراسر کشور در بر گرفته و در مدتی کمتر از یکماه بیش از یکصد هزارتن را در مرزها از پای درآورده است.

جالب اینکه خامنه‌ای خائن در این نمایش همچنین خشم و استیصال خود را از مقبولیت بین‌المللی شعار صلح و فشارهای سیاسی ناشی از آن را پنهان نکرده و با عصبانیت اعتراف نمود که بسیاری از کشورهای دنیا که با تلاش‌های گسترده‌ی مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران به ماهیت ضدبشری و جنگ‌افروانه‌ی رژیم پی برده‌اند این رژیم را برای "صلح" تحت فشار گذاشته‌اند.

خامنه‌ای جنایتکار همچنین بمنظور حفظ روحیه‌ی درهم‌شکسته‌ی نیروهای ارتجاع بعد از شکست فزاینده تهاجم بی‌شمر و جنایتکارانه‌ی ضد کربلای ۵ و سرپوش‌گذاستن و توجیه تلفات دهشتناک و سرسام‌آور آن به شرح و بسط کثافی در مورد سدها و موانع دفاعی عراق پرداخت و گفت: "اولاً یک منطقه‌ی وسیعی را اینها... دریاچه‌های کم‌عمق مصنوعی درست کرده بودند که عبور از آنها بطور معمول برای یک نیروی رزمنده ممکن نیست. نه استفاده‌ی درست غواص، و نه هم نیروی پیاده و زرهی می‌تواند از آن عبور کند، و توانایی خودش را حفظ کند، تا عملیات را ادامه بدهد... و در وسط همین دریاچه‌های مصنوعی ردیف‌های متعدد سیم‌های خاردار که در فیلم‌ها و گزارش‌ها دیدید با فاصله‌های بسیار کم... و در همین خلال و بعد از این میدان‌های وسیع مین که عبور از آنها خطر جانی دارد و با تلفات زیاد قاعدتاً همراه است، و یک نیروی رزمی معمولی نمی‌تواند سالم یا با تلفات کم از آنها عبور کند، و توان رزمی خودش را حفظ کند. بعد از اینهمه موانع، تازه نوبت می‌رسد به دژهای بلند بتونی، دیوارهایی با ارتفاع ۵ متر، ۶ متر و با قطر ۵ متر که تا ۷ متر هم... که روی این دیوارها مراکز و

سنگرهای بسیار مستحکم نیروهای دشمن، نشستند و آماده‌اند و طوری این سنگرها را درست کردند که سرباز دشمن برای عبور و مرور بین سنگرها، احتیاجی ندارد که خودش را نشان بدهد، گانال‌هایی که رابط بین این سنگرهاست... بعد از آنکه از این دیوارهای بتونی عبور کردیم تازه نوبت یک فصل دیگر از این موانع است، یعنی باز هم میدان، باز هم گانال‌هایی گوناگون... سایر موانع دیگر تا برسد به یک دیوارهای بتونی دیگر و ردیف به ردیف با فواصل کم..."

خامنه‌ای همچنین علیرغم اخبار اکثر خبرگزاری‌های جهان که از عدم پیشرفت رژیم خبر داده و گفته‌اند که نیروهای رژیم حتی به خطوط اصلی دفاعی عراق نیز نرسیده‌اند، ادعا کرد که "نیروهای ما به پشت دروازه‌های این شهر رسیده‌اند." اما از آنجا که این دعاوی، هیچ حقیقت و مبنایی ندارد، ناگزیر به بی‌شمر بودن تجاوزات جنایتکارانه و پر تلفات خمینی اعتراف نمود و تأکید و تکرار کرد که "ما قصد تصرف بصره و غیر بصره را نداریم!" وی همچنین اضافه نمود که "مسئله‌ی ما با فتح بصره و تسلط یا محاصره‌ی بصره هم حل نمی‌شود." وی آنگاه خوی جنگ‌افروزی و تجاوزکاری رژیم پوسیده‌ی خمینی که تا خرخره در باتلاق جنگ فرورفته است را بنمایش گذاشت و در پاسخ به پیام صلح رئیس‌جمهور عراق، بار دیگر شعار عوض کردن رژیم کشور همسایه را مطرح کرد. به این ترتیب خامنه‌ای خائن یکبار دیگر جنگ‌افروزی ننگین، ضد مردمی و تجاوزکارانه‌ی رژیم خمینی را در انظار جهانیان بنمایش گذاشت و بار دیگر اثبات کرد که این رژیم پوسیده و پلید در اوج بحران فروپاشی و در سراشیب گور، ماجراجویی و جنگ‌افروزی‌اش را برای به تأخیر انداختن سقوط خود بیش از پیش تشدید خواهد کرد. و چنین است که تنها با نابودی این رژیم ضدبشری و جنگ‌طلب، بدست خلق قهرمان ایران و مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران صلح و آزادی در میهن‌مان برقرار خواهد شد.

## تلفات انبوه و سرسام آور تهاجمات ضد کربلای ۵ و ۶

### انعکاس

### تهاجمات جنگی رژیم خمینی در رسانه‌های خبری جهان

این روزنامه، می‌نویسد: "تخمین‌های اداره‌ی اطلاعات وزارت دفاع آمریکا درباره‌ی آمار تلفات ایران تکان‌دهنده است. این تلفات حدود ۵۰ هزار

نفر برآورد شده است." واشنگتن‌پست در قسمت دیگری از مقاله‌ی خود نوشته است: "رژیم خمینی در تبلیغات خود گفته بود که تا پایان سال جاری به تهاجم نهایی خود در جنگ با عراق دست خواهد زد اما اکنون می‌گوید، اینگونه عمل نخواهد کرد."

### جنگ فاجعه‌بار شهرها

مورد اتخاذ تدابیر جدی برای پایان دادن به این جنگ خانمانسوز بویژه جنگ فاجعه‌بار شهرها و حمله به مردم بیگناه جلب کرده است.

اخبار دریافتی حاکی است که کارگزاران رژیم ضد‌مردمی خمینی مانع خارج شدن مردم از شهرها و مناطقی که در معرض خطر بمباران قرار دارند می‌شوند. مزدوران کمیته‌ی ضد‌مردمی کرمانشاه اخیراً در خروجی‌های این شهر مستقر شده و مانع خارج شدن مردم و رفتن آنها به شهرها، روستاها و مناطق امن می‌شوند. این مزدوران همچنین در وحشت از گسترش اعتراضات عمومی علیه جنگ و علیه پیرکفتار جنگ‌افروز جماران از برگزاری مراسم ترحیم قربانیان این بمباران‌ها جلوگیری می‌کنند. در اصفهان نیز بدنبال بمباران‌های مکرر هوایی یک حالت اضطراب و تشنج حاکم است و مردم در سخنان خود علناً رژیم جنگ‌افروز خمینی را مورد لعن و نفرین قرار می‌دهند.

از دزفول نیز گزارش می‌رسد که بمباران‌های هوایی در این شهر، گاه به بیش از یک نوبت در ۲۴ ساعت می‌رسد. با وجود خطر جدی و زیاد بمباران‌ها، دژخیمان خمینی زندانیان سیاسی این شهر را بدون کمترین پناهی در اتاق‌ها و سلول‌های محصور و قفل‌شده که در صورت وقوع بمباران نجات از آنها غیرممکن است محبوس کرده‌اند.

در ادامه‌ی جنگ فاجعه‌بار شهرها که در نتیجه‌ی تهاجمات جنایتکارانه‌ی خمینی ضدبشر بنحو بی‌سابقه‌ای شدت یافته است، طی هفته‌ی گذشته شهرهای دزفول، خرم‌آباد، پلدختر، زنجان، اصفهان، قم، ایلام، اسلام‌آباد غرب، بروجرد، نهاوند، ملایر، همدان، تبریز، کرمانشاه و میروان هدف حمله‌ی هوایی قرار گرفتند. تعدادی از شهرهای مذکور طی همین مدت چند بار مورد حمله قرار گرفته و شماری از مردم بی‌دفاع و بی‌پناه میهنمان کشته و شمار زیادی نیز مجروح و آواره‌ی شهرها و مناطق دیگر شده‌اند.

از سوی دیگر رژیم خمینی نیز طی همین مدت به توپ‌باران و پرتاب موشک به شهرها و مناطق مسکونی عراق منجمله شهرهای سلیمانیه، پنجویین، اربیل، سیدصادق، حلبچه، علی‌غربی، مندلی، بصره، خانقین و بغداد ادامه داد که تعدادی از مردم غیرنظامی این شهرها کشته و مجروح شدند و از آمار آنها اطلاع دقیقی در دست نیست. یادآوری می‌کنیم که سازمان مجاهدین خلق ایران و شورای ملی مقاومت پیوسته هرگونه حمله به مناطق مسکونی و آزار رساندن به غیرنظامیان بی‌دفاع را از هر جانب که باشد محکوم شناخته و توجه مراجع بین‌المللی، ملت‌ها و دولت‌های صلح‌دوست جهان را به فراخوان رهبر مقاومت ایران در

اخیر، از چشم تماشاگران پنهان مانده است." آبرور می‌افزاید: "بسیجی‌ها درحالیکه هیچ سلاحی بجز نارنجک‌دستی ندارند، به سمت مواضع دفاعی عراق می‌روند. یک گزارش حاکی از آنست که افسران عراقی که از صحنه‌ی قتل‌عام نیروهای رژیم، دگرگون شده بودند، بر سر بسیجی‌ها فریاد می‌زدند که برگردید."

این هفته‌نامه در ادامه‌ی مقاله‌ی خود نوشته است: "راغب بودن (رژیم) ایران به تحمل تلفات، حداقل یک دستاورد، برای آن داشته است و آن یک جزیره‌ی صافِ گلی به مساحت ۳ مایل در یک مایل، در ناحیه‌ای پوشیده از آب... معبداً این دستاورد به تنهایی اهمیت نظامی چندانی ندارد. زیرا که از جزیره‌ی مزبور نمی‌توان برای توپ‌های سنگین نیز استفاده کرد."

آبرور در پایان مقاله‌ی خود افزوده است: "یک نظریه این است که بدنبال شکست تهاجم رژیم، حمله‌ی اخیر تلاشی است که برای حفظ آبروی رژیم صورت گرفته است."

\* روزنامه‌ی واشنگتن‌پست نیز بنقل از منابع نظامی آمریکا نوشت که تلفات رژیم در این تهاجمات، به ۵۰ هزار نفر بالغ شده است.

جنگ خانمانسوز رژیم خمینی و تهاجمات اخیر آن، بعنوان موضوع روز در بسیاری از رسانه‌های خبری جهان انعکاس یافته است. ذیلاً چند نمونه‌ی منتخب آنرا ملاحظه می‌کنید:

\* روزنامه‌ی کریستین ساینس مانیتور در تاریخ ۲/بهمن‌ماه/۶۵ نوشت: "بر اساس گزارشاتی که به اطلاعات ماهواره‌ای متکی است، نیروهای رژیم خمینی، امکان نیافتند که به هیچ نقطه‌ای از خطوط دفاعی اصلی عراق، نزدیک شوند."

\* هفته‌نامه‌ی آبرور، چاپ انگلستان، در شماره‌ی ۲۸/دیماه/۶۵ خود طی مقاله‌ی مفصلی درباره‌ی تلفات سرسام‌آور رژیم در تهاجم تجاوزکارانه‌ی اخیرش به خاک عراق نوشت: "جوانان ایرانی گله‌وار، بسوی گشتارگاه (جنگ) اعزام می‌شوند."

این هفته‌نامه می‌نویسد: "پس از ۸ روز درگیری متوالی، جدیدترین حمله‌ی (رژیم) ایران، حتی با استاندارد وحشیانه‌ی جنگ خلیج، به یکی از خونین‌ترین نبردها، تبدیل شده است. با نمایش (اجساد) صدها ایرانی کشته‌شده در سنگرها و میادین مین در تلویزیون عراق هیچیک از جزئیات وحشتناک و در عین حال دلخراش درگیری‌های

افشاء بسیج ضد خلقی و در هم شکستن سیاست جنگ طلبانه و ضد میهنی خمینی

با مبارک گرفتن همه اشکال مبارزه منفی و مثبت، یک وظیفه مبرم انقلابی در مسیر ارتقاء مقاومت و تدارک قیام عمومی است.

گرامی باد  
خاطره تابناک  
شهیدان مجاهد خلق



مجاهد شهید  
خلیل مقدم طاهری

از زندانیان سیاسی رژیم شاه خائن و از مسئولین نشریهی "نسل انقلاب" که در بهمن ماه ۶۰ در درگیری با مزدوران خمینی در تهران به شهادت رسید.

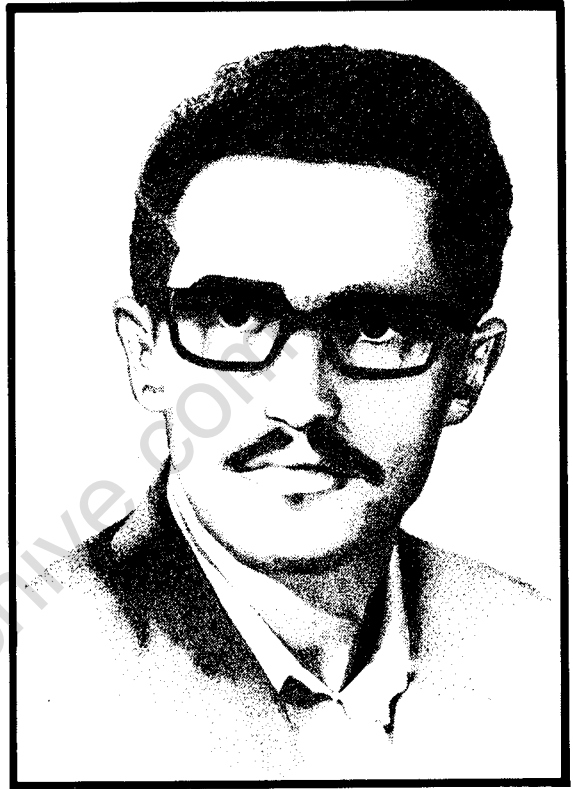
بخوبی ایفا نموده و با خون و پوست و گوشت خود راه رهایی خلق را هموار ساخته است. پرستوهای خونین‌بالی که رهبرشان "مسعود" آنان را "سلاله‌ی خورشید و نسل مقاومت و ایمان" نامیده است. نسل پرخروش و توفنده‌ای که به شایستگی پرچم شرف و افتخار خلق در زنجیر ما را بر دوش کشیده و با سنت انقلابی مقاومت تا آخرین گلوله و تا آخرین نفس، روح ایثار و اراده‌ی انسان انقلابی در آزاد ساختن میهن در زنجیرمان از شر خمینی ضد بشر را در فرازی بس شکوهمندتر متبلور نمودند.

\*\*\*

همان سال از چنگ مزدوران ساواک گریخته بود، مسئولیت عظیم و حساس بازسازی تشکیلات سازمان را بخوبی به انجام رساند. احمد قهرمان سرانجام در بعدازظهر یازده بهمن سال ۵۰ حین انجام یک مأموریت سازمانی، خود را در محاصره‌ی مزدوران ساواک یافت. او با اسلحه‌ی کمربندش به مقابله پرداخت و هنگامی که تمامی گلوله‌هایش را بسوی دشمن شلیک نمود، با تنگ‌تر شدن حلقه‌ی محاصره، ناگهان ضامن نارنجکش را کشید و جسورانه به میان مزدوران دشمن که ابلهانه دست‌های خود را برای دستگیری او گشوده بودند؛ شتافت. لحظاتی بعد نارنجک منفجر شد و ۴ مزدور ساواکی در دم به‌لاکت رسیده و تعدادی از آنها نیز مجروح گشتند و احمد نیز قهرمانانه به شهادت رسید و حسرت اسارت و زنده دستگیر شدن را بر دل دشمن باقی گذاشت. همچنانکه اجازه نداد حتی سلاحش نیز سالم بدست دشمن بیافتد. و همین سنت انقلابی احمد یعنی "مقاومت تا آخرین گلوله" و قاطعیت در "زنده تسلیم نشدن به دشمن" و نهایتاً "با نارنجک به میان دشمن رفتن و از آخرین امکان نیز برای ضربه زدن هرچه بیشتر به او سود جست"، اینک در نسل مجاهد خلق به اوج شکوفایی و شکوه خود رسیده است. نسلی که با شرکت فعال در قیام یکپارچه‌ی خلق برعلیه رژیم دیکتاتوری شاه پا به میدان گذارد و پس از آن طی ارتباطی نزدیک و تنگاتنگ با سازمان مجاهدین خلق ایران و در پرتو تعالیم انقلابی آن استعدادات شگرف و خلایقش به شکوفایی و فعلیت درآمده و در جریان مبارزه‌ی رهاثیبخش برعلیه رژیم پوسیده و ارتجاعی خمینی نقش تاریخی خود را

گرامی باد

خاطره تابناک مجاهد کبیر احمد رضائی  
اولین شهید سازمان مجاهدین خلق ایران



مرکزیت سازمان مجاهدین و تعداد کثیری از کادرهای سازمان، مزدوران ساواک در بدر بدنبال ردی از سازمان بودند تا بقایای تشکیلات آنرا نابود کنند، در پرتو جسارت فوق‌العاده و قاطعیت تزلزل‌ناپذیرش، رسالت عظیم حفظ دستاوردها و میراث سازمان را که برعهده‌اش قرار گرفته بود، طی ۶ ماه تلاش بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر و با صمیمیت و فداکاری غیرقابل توصیفی به انجام رساند و نیروهای باقیمانده‌ی سازمان را تجدید سازمان نمود و با کمک کادرهای ارزنده‌ی همچون فرمانده ذوالانوار و نیز مجاهد کبیر رضا رضائی که در آذرماه

پانزدهمین سالگرد حماسه‌ی نبرد و شهادت قهرمانانه‌ی مجاهد کبیر احمد رضائی گرامی‌باد. زندگی پر بار و انقلابی احمد که بی‌تردید یکی از درخشان‌ترین چهره‌های انقلابی میهن ماست و نقش شگرف و ارزنده‌اش در پیشبرد اهداف سازمان و بویژه در بازسازی تشکیلات مجاهدین بعد از ضربه‌ی شهریور/۵۰ و شهادت قهرمانانه و سنت‌آفرین او، نام فراموشی‌ناپذیرش را در تاریخ معاصر میهن ما و در جایگاه اولین شهید سازمان مجاهدین خلق ایران برای همیشه به ثبت رسانده است. وی در شرایطی که بدنبال دستگیری بنیانگذاران و اعضای

مرگ بر خمینی، شعار محوری مرحله کنونی

مبارزه انقلابی مسلحانه، تاکتیک محوری مرحله کنونی

## مصاحبه «سیمای مقاومت» با مادر رضائی‌های شهید

این مصاحبه در نیمه اول دیماه از سیمای مقاومت پخش گردیده است. همزمان با گرامیداشت سالگرد شهادت مجاهد کبیر احمد رضائی اولین شهید سازمان مجاهدین خلق ایران متن آن را در این شماره‌ی نشریه ملاحظه می‌کنید:

مصاحبه‌گر: اولین سؤال از شما بعنوان یک مادر مجاهد خلق که ۵ فرزندان را در زمان‌های شاه و خمینی در راه آزادی مردم به پیشگاه خدا و خلق تقدیم کردید، این است که آیا راه و آرمانی که این شهدا بخاطرش شهید شدند ادامه پیدا کرده؟ در اینباره برایمان توضیح بدهید.

«عزیز» (مادر رضائی‌ها) توضیحات خود را چنین آغاز می‌کند:

بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران و بنام رهبران عقیدتیم مسعود و مریم

بچه‌های ما در زمان شاه، بچه‌های مجاهد، بخاطر استقلال و آزادی مبارزه کردند و زندان رفتند، شکنجه و اعدام شدند و بخاطر همان خون‌ها و فداکاری‌ها پیروز شدند. ولی بعد که خمینی روی کار آمد هنوز مدتی نگذشته بود و خون بچه‌ها هنوز خشک نشده بود که باز هم ما دیدیم که این مجاهدین هستند که باید زندان بروند! این مجاهدین هستند که دستگیر و شکنجه می‌شوند! بجای اینکه عناصر ساواک شاه در زندان قرار بگیرند، مجاهدین روانه‌ی زندان شدند. از همان موقع ما فهمیدیم که کار تمام نیست. اگر کسی می‌خواست راه شهدا را ادامه بدهد بایستی در مقابل این ظلم و جور که در حق مردم و مجاهدین روا می‌شد، ایستادگی می‌کرد. و خوشبختانه مجاهدین بودند که به این ظلم و جور راضی نشدند. بعد از ۳۰/۳۰ خرداد بود که ابعاد جنایتکاری رژیم کاملاً روشن شد. کاملاً روشن شد که رژیم روی بچه‌ها - بچه‌های

مجاهدین - تیغ کشید. آنها را هزارهزار اعدام کرد. از دختر بچه‌های ۹ ساله گرفته تا مادرانی که ۵۰ سال ۶۰ سال ۷۰ سال سن داشتند و خواهرانی که باردار بودند، اینهمه را اعدام کرد. زندان‌ها از زندانی لبریز شد. بعد اگر مجاهدین نبودند، احساس می‌کردم که بچه‌های من دیگر راهشان از بین رفته و کسی نیست که راه آنها را ادامه بدهد. ولی الان با مبارزه‌ی مجاهدین می‌بینم که همه‌ی بچه‌های مجاهد من همه زنده هستند و در واقع در رأس مجاهدین آرمان شهدا بوسیله‌ی مسعود و مریم تضمین پیدا کرده. آرمان شهدا که همان ایدئولوژی توحید و استقلال میهن و آزادی مردم بود.

سؤال: بعد از حماسه‌ی عاشورای ۱۹ بهمن مجاهدین و شهادت قهرمانانه‌ی سبیل زن انقلابی مجاهد اشرف رجوی و سردار کبیر خلق مجاهد شهید موسی خیابانی و تعدادی از یاران و هم‌زمانشان که در بین آنها مجاهد شهید آذر رضائی هم حضور داشت چه احساسی داشتید؟

جواب: من همه‌ی بچه‌ها را فرزند خودم می‌دانستم. اول مسئله‌ی من این نبود که بفکر آذر باشم، اول فکر موسی بودم در واقع بفکر جایگاه موسی بودم. جایگاهی که موسی در بین مردم داشت. من احساس عجیبی داشتم؛ از ناراحتی داشتم خفه می‌شدم. به قرآن پناه بردم. بعد خیلی فکر کردم که چه کار بکنم؛ بعد فکر کردم تنها مرجعی که می‌توانم به او پناه ببرم فقط مسعود است. قلم و کاغذ برداشتم و برای مسعود این نامه

را نوشتم. و نامه‌اش الان هست: "بنام خدا و بنام شهداً خلقمان. فرزند عزیزم مسعود، سلام. برای من خیلی سخت بود که بتوانم نامه‌ی برایت بدهم و شهادت فرزندان عزیزم را تبریک و تسلیت بگویم. شاید خواست خدا بود. فرزند عزیزم موسی رسالتش را چه خوب انجام داد و من افتخار می‌کنم که آذر به‌همراه موسی و اشرف به شهادت رسید. بقول فرزند شهیدم موسی که می‌گفت انسان باید در راه خدا خیلی سختی‌ها را تحمل بکند تا بتواند به درجه‌ی شهادت برسد. انشاءالله خدا شماها را برای مردم حفظ کند. دیگر مرگ تاریخی ارتجاع فرا رسیده و کسی آنها را قبول ندارد. خمینی از ابتدا هم لیاقت صداقت این خلق ستم‌دیده را نداشت و چه خوب زود ماهیت ددمنشانه‌ی خودش را با این اعدام‌های دستجمعی بهترین فرزندانمان و گشتار و شکنجه‌ی مادران و خواهرانمان نشان داد. حتماً اطلاع دارید که آذر و موسی در انتظار فرزندگی بودند. اگرچه فرزند آنها به‌همراه خودشان رفت. ولی اکنون نسل آنهاست که هر روز در گوشه و کنار این میهن خونبارمان برمی‌خیزند و شعله می‌کشند و بجان خمینی جلااد و دارودست‌هایش می‌افتند. در پایان یکبار دیگر شهادت موسی و یارانش را تبریک می‌گویم و از خدا می‌خواهم همانطور که تا بحال ما را یاری کرده، یاریمان دهد. مرگ بر خمینی جلااد؛ سلام بر شهدایمان؛ به امید پیروزی و دیدار."

این نامه را برای مسعود فرستادم. بعد از آن ۷ روز بیشتر طول نکشید که جواب نامه را مسعود برای من داد و این نامه برای من تسلی بخش بود.

سؤال: شما بعنوان یک مادر مجاهد خلق که در صفوف مجاهدین علیه خمینی مبارزه می‌کنید نقش خواهران و مادران

مجاهد و ارتقاء آنها را در صحنه‌ی مبارزه چگونه ارزیابی می‌کنید؟

جواب: از همان موقعی که ما کوچک بودیم، فرهنگ جامعه‌ی ما اساساً برای زن هیچ ارزشی قائل نبود. نه تنها ارزشی قائل نبود بلکه بطرق مختلف دست‌وپای زن‌ها را در منزل بسته بود. در واقع می‌توان گفت زن اسیر بود، در مبارزه شرکت نداشت. اصلاً بد می‌دانستند که زن مثلاً از خانه بیرون برود یا حتی در منزلش اگر مرد نامحرمی می‌آمد جلوی او بیاید. اگر می‌خواست حرف بزند باید از پشت در حرف می‌زد که صدایش را شناسند و از این صحبت‌ها. از موقعی که سازمان مجاهدین خلق شکل گرفت، راه مبارزه‌ی زنان هم باز شد و کسانی مثل فاطمه امینی پیدا شدند. زندان رفتند، شکنجه شدند، خلاصه راه مبارزه را برای زنان میهنمان باز کردند. زمان خمینی در واقع گستردگی حضور زنان در مبارزه به‌همراه مجاهدین به تحول جدیدی رسید. از دختران ۹ ساله گرفته تا مادران ۵۰، ۶۰، ۷۰ ساله مثل مادر کبیری، مادر ذاکری و هزاران مادر و خواهر دیگری که در این راه شهید شدند. در رأس آنها باید از اشرف نام برد.

بعد از اشرف هم ورود "مریم" به صحنه‌ی رهبری سازمان و انقلاب، راه حضور زنان میهنمان را بطور کیفی تغییر داد. چون برای اولین بار یک زن در رأس رهبری‌کننده‌ی یک سازمان و یک مقاومت قرار گرفت. و آن دیگر بطور کامل راه را برای حضور زنان در مبارزه باز کرد.

سؤال: عزیز آیا از مادرانی که در صحنه‌ی مبارزه با خمینی بشهادت رسیدند خاطره‌ای دارید برایمان بگوئید؟

جواب: بله در زندان با مادر کبیری بودم. یک سال با هم بودیم. موقعی که تازه دستگیر شده بود یک سال در کمپته‌ی شهربانی زیر شکنجه بود. بقیه در صفحه‌ی بعد

## حضيض بی اعتباری

## وانزوای رژیم روبرو زوال خمینی

بقیه از صفحه ۳

در این قطعنامه همچنین بر لزوم متوقف نمودن فوری عملیات جنگی، عقب نشینی به پشت مرزهای شناخته شده بین المللی، مبادله کامل اسرای جنگی در مدتی کوتاه پس از متوقف کردن عملیات جنگی و مذاکره جهت حل مسالمت آمیز اختلافات فی مابین تأکید شده است.

بدین ترتیب رژیم خمینی با نهایت ذلت و خواری از این کنفرانس دور و برکنار ماند. در حالیکه در قبال مطرح شدن رسوایی هایش و در وحشت از محکوم شدن در این مجمع که برای رژیم بسیار مهمتر و حساس تر از بسیاری مجامع بین المللی دیگر است، بطور کاملاً آشکاری مشوش و خشمگین است. کما اینکه خامنه ای، رئیس جمهور جنایتکار خمینی خشم و تشویش خاطر رژیم از اینکه تهاجمات تجاوزکارانه ای اخیر رژیم در کنفرانس مورد بحث قرار بگیرد را در سخنان روز جمعه خود بروز داد و ابلهانه ابراز امیدواری کرد که "دولت های عاقل و هوشمند!" در این بحث با احتیاط تر! شرکت خواهند کرد. این درجه از افلاس و درماندگی سیاست جنگ افروزان خمینی و این حضيض بی اعتباری و انزوای دشمن ضد بشری در تحلیل نهایی بازتابی از پیروزی سیاست صلح مقاومت عادلانه ای مردم ایران است. مقاومتی مردمی، سراسری و مسلحانه که رژیم خمینی را درهم شکسته و بی آینده کرده و چهره ی ضد بشری، جنگ افروز و تروریستی آنها در سرتاسر جهان افشا نموده است. همچنین این حضيض انزوای سیاسی خود جلوه ی دیگری از احتضار رژیم پوسیده ی خمینی و نابودی محتومی است که مقاومت خلق قهرمان ایران و فرزندان مجاهدش برای این رژیم پلید رقم زده اند.

\* \*

## مصاحبه «سیمای مقاومت»

## با مادر رضائی های شهید

بقیه از صفحه ی قبل

مادر کبیری یک خانه خرید و دست بچه های مجاهد داد. خلاصه خاطرات از این مادرها زیاد است.

سؤال: چشم انداز سرنگونی رژیم خمینی و پیروزی مقاومت عادلانه ی مردم ایران را چگونه می بینید:

جواب: رژیم خمینی مدت ها است در واقع با همه ی وضعیت داغانی که دارد بوی مرگ از سرتاپای رژیمش می بارد. مخصوصاً بعد از پرواز صلح و آزادی رهبر انقلاب نوین ایران وضعیت رژیم بیش از پیش بر همه روشن شده. مردم فهمیدند که فقط رژیم خمینی خواهان جنگ است. وضعیتش بجای رسیده که با آمریکا بندوبست می کند.

پس پیروزی مقاومت و مردم و در محور آن، سازمان مجاهدین به رهبری مسعود و مریم خیلی نزدیک است. انشاء الله که جشن پیروزی را هر چه زودتر در میدان آزادی برگزار کنیم.

سؤال: "عزیز"، سؤال آخرم را مطرح می کنم؛ در شرایط کنونی وظیفه ی مردم صلح طلب و آزادیخواه ایران و بالاخص پدران و مادران ایرانی را چی می دانید؟

جواب: هرکسی که وضعیت رژیم را شناخته باشد و جنگ و سرکوب و بی آبرویی بین المللی، فقر اقتصادی، اوضاع فلاکت بار اجتماعی را دیده باشد، چه کار باید کند؟ در یک کلام باید بلند شود. بر علیه این رژیم ضد مردمی قیام کند. هر کسی می تواند سلاح بدست بگیرد، بیاید و به مجاهدین وصل بشود. هرکس دیگری هر کمکی که از دستش برمی آید باید کوتاهی نکند. خلاصه به رزمندگان مجاهد کمک کند تا بتوانیم انشاء الله هرچه زودتر شر این دجال را از سر مردم ایران بکنیم.

\*

انفرادی هم بود. اینقدر او را شکنجه اش کرده بودند که اصلاً پاهایش بکلی آس و لاش شده بود و دیگر چیزی از خودش نیز باقی نمانده بود. یک روز از سلول به بیرون رفته بودیم. او انفرادی بود و من هم انفرادی. فهمیدم که من آنجا هستم، از زیر دستشویی دستش را تکان داد گفت: خانم رضائی؛ من فهمیدم که اوست. گفت: "من هیچی حرف نزدم. از شما هیچی نگفتم." یعنی تو هم مواظب باش که چیزی نگویی. اصلاً چیزی لو نرفته و واقعاً این خیلی برای من جالب بود که چنین کسی که اینقدر شکنجه شده، اینقدر مقاومت می کند. او خیلی صادق بود. هر کاری که بچه ها به او می گفتند، هیچ ترس و وا همه نداشت و بی چون و چرا انجام می داد.

غیر از او مادرذاکری است که چه زن شجاعی بود! چقدر فعال بود در جریان دستگیری سعادتی چقدر او فعالیت کرد یک خانم باسوادی بود. او به نهج البلاغه و قرآن هم خیلی وارد بود و جلسه داشت. و مردم محله شان در جلسه می آمدند. خیلی احترام به او می گذاشتند. این خانواده بین مردم خیلی محبوب بودند. بعد مادرزائریان بود که بعد از شهادت موسی، من ۱۰، ۱۵ روزی با او در یک خانه بودم. این زن چقدر فعال و چقدر خوش برخورد بود! سر صبح می رفت گشت می زد و دور خانه را چک می کرد. نان می گرفت می آورد، سفره می انداخت، جای درست می کرد. و بعد دوباره می رفت گشت می زد. همیشه دنبال بچه ها بود. این مادرها واقعاً همه ی زندگیشان را در اختیار مجاهدین گذاشته بودند.

## بررسی زمینه ها و دلایل تهاجمات تجاوز کارانه اخیر خمینی دجال در جبهه های جنگ و...

بقیه از صفحه ۶

می کرد و این نیروها را برمی گرداند و طرح را به شرایط دیگری واگذار می کرد و یا اگر می خواست در همان شرایط آنها را نگه دارد، بمباران هر روز تلفات بیشتری می گرفت. سر این دوراهی، تضاد و اختلاف افتاد. ولی سپاه، طرح را بطرف تهاجم با شتاب هر چه بیشتر، حل کرد. یعنی منتظر شرایط مناسب جوی نماند و تصمیم گرفت بسرعت وارد عمل شود و به همین خاطر با دستپاچی و قبل از اینکه تمام طرحش آماده گردد وارد عمل شد. البته این مسئله صرفاً به بمباران تجمعاتش بر نمی گردد. سیلی که آمده بود صرفنظر از صدها هزار آواره ای که برجا گذاشته بود و

بدلیل تمامی این مشکلات، نه به مسئله سیل، نه به مسئله هوای مساعد و نه به مسئله آمادگی کافی، توجهی نکرد و با شتاب زدگی تمام وارد طرح شد. ویژگی سوم اینست که رژیم نیروی بسیار زیادی را (همانطور که گفتم در حد ۱۵ لشکر و ۵ تیپ) در یک محدوده جغرافیایی بسیار کوچک، حداکثر به استعداد حفاظت از یک تیپ یا یک لشکر، می چیند. آنهم در دشت صافی که حتی شرایط طبیعی برای سنگرگیری وجود ندارد. یعنی در شب حمله تکاثف نیرویی در قطعه زمینی محدود بوجود آورد. بخاطر اینکه بتواند سریع تر هجوم بیاورد و آنها را به آن طرف رودخانه ببرد. این تکاثف نیرو بدون اینکه هیچ پشتیبانی هوایی داشته باشد،

نیروهای آموزش ندیده و بی تجربه است. یعنی اینکه تعداد زیادی از نیروهایی که تا آن موقع حتی یکبار هم جبهه را ندیده بودند و در حد مینیمم های لازم برای یک سرباز ساده هم آموزش نداشتند، در میدانی با این وسعت کم و مواجه با این آتشباری قرار گرفتند.

پنجمین ویژگی این طرح، عدم آماده باش سیستم های پزشکی و تخلیه ای مجروحین اعم از هلال احمر یا بیمارستان های صحرایی بود. رژیم ضد مردمی خمینی بدلیل ماهیت پلید و جنگ افروزانهاش و اساساً از آنجایی که هیچ بهایی برای نیروها، حتی نیروهای خودش قائل نیست، باز برای اینکه غافلگیری را به ماکزیم برساند

رژیم در تهاجم ضد گریلای ۴ از ۱۹ لشکر و ۱۵ تیپ سپاه که مجموعه ای دارای هایش در جبهه هستند، میزان ۱۵ لشکر و ۵ تیپش را به محور عملیاتی مورد نظرش در جنوب آورد و اساساً لشکرهایی مثل: لشکر ۲ ضد امام حسین، لشکر ۱۲ ضد علی بن ابیطالب، لشکر ۲۵ ضد گریلا و لشکر ۷ ضد نجف (که از لشکرهای قدیمی و مهمش بودند و در عملیات گذشته نظیر خیبر و بدر و والفجر شرکت داشتند) و لشکرهای ۱۹ فجر و ۴۱ ضد ثارالله که باصطلاح دارای گردان های آبی - خاکی و گروه های غواص بودند؛ همراه با ناوتیپ ضد امیرالمؤمنین و ناوتیپ ضد گوثر را هم به همینجا آورد و صف آرایی کرد. علاوه بر آنها لشکرهایی که مثل "۴۳ - قدر"، مهندسی رزمی داشتند را هم وارد صحنه کرد و خلاصه یک صف آرای نظامی باصطلاح خودش با تمام قوا پشت این حمله اش چید. برای اینکه باصطلاح خودش با غافلگیری کامل عملیات جنگی را شروع کند حتی نیروهای سپاه را هم برای جایجایی در یکی دو روز قبل توجیه نکرد و انتقال آنها را هم برای شب حمله گذاشت و توجیه مربوط به حمله را تنها چند ساعت قبل از شروع تهاجم به آنها داد.

و طرحش لو نرود، مغایر با اصول و قواعد نظامی، قبل از تهاجم، نه به هلال احمر و نه به بیمارستان های صحرایی منطقه ای درگیری، آماده باش نداد. آنها را گذاشت تا در کار و روال عادی خودشان پیش بروند تا تهاجم شروع شود و کشته ها را بیاورند. شما می دانید وقتی که آماده باش در سیستم های پزشکی داده نشود، چقدر مجروح به کشته تبدیل خواهند شد. این یک چیز طبیعی است. ولی رژیم اینکار را می کند. کما اینکه در جبهه ی غرب، علیرغم

خودش در مقابل آتشباری توپخانه و خمپاره ای طرف مقابل و بمباران های هوایی و هر مقابله ای نظامی دیگری که در پهنه ای درگیری اتفاق می افتاد، بشدت آسیب پذیر بود و به همین دلیل از شب سوم دی که تهاجم شروع شد تا ۲ بعد از ظهر روز بعد، مدام این نیرو زیر آتشباری و بمباران هوایی قرار داشت و اتفاقاً بیشترین خسارات و تلفات به نیروهای وارد آمد که اصلاً هنوز وارد درگیری نشده بودند. یعنی مانده بودند تا نوبتشان بشود. چهارمین ویژگی، بکارگیری

خسارات بسیار زیادی که برای مردم پیش آورده بود، به امکانات پشت جبهه ای و خطوط مواصلاتی نیروهای خمینی هم ضربه وارد کرده بود و ترمیم آنها زمان می خواست. رژیم حتی نمی خواست منتظر ترمیم آنها هم بشود. چرا؟ بخاطر اینکه تضادهای درونی و بحران فروپاشی رژیم و افتضاح معاملات پنهانی سلاح با آمریکا و اسرائیل، به رژیم فشار می آورد. طبعاً تنها راه برون رفت از این فشارها را در شروع هر چه زودتر جنگ و تجاوزاتش دید. تا مشکلاتش را به آن مصادره کند.

بمباران هایی که به تجمعات نظامی شده بود، بخاطر اینکه مراکز تجمعش لو نرود، "کشته ها" را اجازه ای انتقال داد، اما مجروح ها را در جبهه نگه داشت، ولو اینکه بمیرند؛ بخاطر اینکه مجروح می تواند حرف بزند ولی کشته نمی تواند. عین همین مسئله در جبهه ی جنوب بود. پس پنجمین ویژگی، این بود که اساساً سیستم های تخلیه ای مجروح، امداد پزشکی و هلال احمر آماده نبودند و به همین خاطر است که در شروع تهاجم، مجروحینی که منتقل می شدند، تمام اوضاع را بهم ریختند. سیستم های کافی برای انتقال آنها نیست؛ یک قلم هزارتا مجروح در یک منطقه ی صحرایی مانده اند بدون اینکه کسی اینها را جایجا بکند و نظیر این صحنه فراوان بود. این پنج ویژگی هر کدام بنوبه ی خود باعث می شد که میزان تلفات رژیم بالا برود.

طرحی که در شب ۳/دی شروع شد، اساساً با اینکه روی غافلگیری بنا شده بود در عمل اینطور نشد. یعنی بمحض اینکه اولین گردان های غواص به جزایر رسیدند و علامت دادند که بدنبال آنها قایق ها حرکت کنند، خودشان در اولین جای پای که بدست آوردند، بویژه در جزیره ی ام الرصاص، مواجه با دفاع سنگین نیروی مقابل و آتشباری سنگین آنها شدند. و بعد هم قوای زرهی علیه شان وارد شد. در چنین درگیری شدیدی تمامی آن نیروهایی که از رودخانه رد شده بودند و یا در حال عبور با قایق بودند، یا هدف آتشباری قرار گرفتند، یا در روی آب، قایق هایشان با آتش خمپاره یا عملکرد هلیکوپترهای توپدار از بین رفت و اساساً فرصت پیاده کردن نیرو در خشکی را هم پیدا نکردند.

علاوه بر این، نیروهایی که آنطرف رودخانه بطور احمقانه ای و بدون هیچ پدافندی قطار شده بودند، هدف بمباران های مکرر و آتشباری توپخانه قرار گرفتند و



## بررسی زمینه‌ها و دلایل تهاجمات تجاوزکارانه اخیر خمینی دجال در جبهه‌های جنگ و...

خلیج، موسوم به بهشتی که از مهمترین مراکز تدارکاتی و تسلیحاتی سپاه پاسداران ضدخلقی است، منفجر شد و بیش از هزار نفر از ایادی مهم و سرکوبگرش بهلاکت رسیدند و یا مجروح شدند. و باز دو روز بعد در ۸/دی می‌بینیم که مهمترین پادگان سپاه پاسداران ضدولی‌عصر که محل تجمع و اعزام نیرو برای جبهه‌های مرگ خمینی است، توسط سربازان و پرسنل ملی و مردمی به آتش کشیده شد و تعداد زیادی از مزدوران سپاه در این جریان کشته و مجروح شدند. این اعتراضات، بسیار طبیعی بود. علاوه بر آن، درون خود مقامات هم تضادها و کشمکش‌ها اوج می‌گیرد. یعنی رژیم که می‌خواست با این عملیات تضادهای درونی‌اش را به آن مصادره کند و می‌خواست افتضاحات معاملات پنهانی سلاح با اسرائیل و آمریکا و آبروریزی‌های بین‌المللی‌اش را بپوشاند و می‌خواست در کنفرانس اسلامی برگ برنده

و این در شرایطی بود که بر اثر بمباران‌های متمرکز و آتشباری، نیروهای پشت جبهه خودشان در حال منهدم شدن بود و این اطلاعاتی‌های نظامی مطرح می‌شد! بلحاظ سیاسی هم برخوردها همینطور بود. یعنی بعد از مدت زیادی سخنگوی خائن تبلیغات جنگ خمینی در پاسخ به این سؤال که آیا عملیات ضدکربلای ۴ همان عملیات وسیع نیروهای رژیم است، گفت که عملیات ضدکربلای ۴ یک عملیات انهدامی بود. ولی از نظر نوع و تاکتیک حائز اهمیت نظامی است. البته تاکتیک بلاهت‌بار و احمقانه‌ی ردیف‌کردن نیروها بدون هیچ پشتیبانی و بدون هیچ طرحی و صرفاً به جلو فرستادن آنها از نظر سخنگوی تبلیغات جنگ

توضیحاتی که در رابطه با شکست گسترده‌ی رژیم در تهاجم کربلای ۴ دادید ممکنست توضیح بدهید که عکس‌العمل این شکست در بین خود نیروهای رژیم و مقاماتش چگونه بود؟

جواب: در ابتدای درگیری که رژیم اساساً گیج بود که چگونه ضربه خورده است. به همین خاطر تا ۱۴ ساعت بعد از شروع درگیری که تمام خبرگزاری‌های جهان به آن اشاره کردند، اصلاً رژیم اسمی از عملیاتش نیاورد. درحالیکه در دفعات پیش، قبل از شروع عملیات، تبلیغاتش گوش فلک را کر می‌کرد. بعد از ۱۴ ساعت، در اولین اطلاعیه‌ای که پخش کرد قرارگاه ضدخاتم‌الانبیاء اعلام کرد که عملیات ضدکربلای ۴ (اسم

تلفات بسیار بسیار زیاد بر آنها وارد شد. یعنی تقریباً در همان ساعت‌های اولیه‌ی نبرد و بهتر بگوئیم از ۹ و ۳۰ دقیقه‌ی شب که حمله شروع شد تا ساعت ۱۲ روز بعد، دائماً با هر گلوله‌ی توپ یا خمپاره یا بمبی که بر سر نیروهای خمینی فرو ریخت، تعداد زیادی قربانی شده و به خاک افتادند. به این ترتیب تهاجمی که رژیم برایش برنامه‌های بسیار چیده بود و بزم خودش می‌خواست با آنها عملیات "سرنوشت‌ساز" خود را شروع بکند، در همان روز اول از هم پاشید و عملاً از دور خارج شد. این در شرایطی بود که رژیم، تمامی امیدش را به همین نیرو بسته بود. ابعاد کشته‌ها و مجروحین را هم در جریان هستتید؛ تمام رسانه‌های عمومی دنیا هم نشان دادند؛ اجساد تکه‌تکه شده یا انبوه مجروحین که بدلیل همان عدم آماده‌باش پزشکی که گفتم، دائماً آمار تلفات بالا می‌رفت بنحوی که حتی ده روز بعد از خاتمه‌ی نبرد، باز مجروح و کشته بود که از صحنه‌ی نبرد - یعنی از جبهه‌ی شرقی که هنوز نیروهایی که وارد رودخانه هم نشده بودند و در مواضع استقراری اولیه‌شان بودند - به شهرها منتقل می‌شدند. بیش از ۱۰۰ بیمارستان در تهران و تمامی بیمارستان‌های شهرهای دیگر از مجروحین پر شد. نفاختگاههای بسیار زیادی را سپاه در شهرهای بزرگ بوجود آورد و بسیاری از مجروحینش را در آنها ریخت. منجمله دهکده‌ی المپیک را تبدیل به محل نگهداری مجروحین کرد و از این قبیل مسائل در رابطه با این جنگ خیلی زیاد است.

سؤال: با توجه به

تضادهای درونی و بحران فروپاشی رژیم و افتضاح معاملات پنهانی سلاح با آمریکا و اسرائیل، به رژیم فشار می‌آورد. طبعاً تنها راه برون‌رفت از این فشارها را در شروع هر چه زودتر جنگ و تجاوزاتش دید. تا مشکلاتش را به آن مصادره کند. بدلیل تمامی این مشکلات، نه به مسئله‌ی سیل، نه به مسئله‌ی هوای مساعد و نه به مسئله‌ی آمادگی کافی، توجهی نکرد و با شتاب‌زدگی تمام وارد طرح شد.

داشته باشد؛ ولی دقیقاً عکس آنرا نتیجه گرفت. آن چیزی که رژیم را به عملیات ضدکربلای ۴ کشاند، بزم خودش ضربه‌ی نهایی و تعیین‌تکلیف قطعی و امثالهم بود که بشدت شکست خورد. اما برای رژیم حتی داشتن یک نیرو، حتی داشتن یک امکان مترادف است با ادامه دادن جنگ.

سؤال: با این وضعیت علت دست زدن رژیم به تهاجم ضدکربلای ۵ چه بود؟

جواب: قاعدتاً وقتی که نیرویی شکست می‌خورد باید مدتی صبر کند تا نیروی از دست‌رفته‌اش را ترمیم کند، حداقل اینکه جمع‌بندی کند، تدارکاتش را تأمین کند و خلاصه

خمینی تاکتیک "حائز اهمیت" نظامی است!! که البته باید به آنها جایزه‌ی سفاهت داد. رژیم برای روحیه دادن به نیروهایش ادعا کرد که عملیات کربلای ۴، در گستره‌ی بصره تا فاو انجام گرفته است و به این ترتیب می‌خواستند که عملیات را کوچک قلمداد کرده و باصطلاح سرونه شکستشان را هم بیاورند. به همین خاطر مقامات دیگر رژیم اعم از رفسنجانی، خامنه‌ای و ائمه‌ی جمعه همه اعلام کردند که این عملیات محدود بوده است. درحالیکه خیل کشته‌ها و زخمی‌ها دائماً به سمت شهرها سرازیر بود. به همین دلیل می‌بینیم که درست روز ۶/دی یعنی دو روز بعد از عملیات، طی انفجار بسیار مهیبی پادگان

عملیات را شیادانه کربلای ۴ گذاشتند برای اینکه آنرا محدود نشان بدهند. بخاطر اینکه ابعاد بالای شکستشان مشخص نشود و در جامعه انعکاساتش گریبانگیرشان نگردد) در یکی از محورهای عملیاتی جنوب، با عبور از مواضع زرهی دشمن شروع شده و آنها توانسته‌اند جزیره‌ی ام‌الرصاص را به تصرف خودشان درآورند.

دو ساعت بعد، یعنی در شرایطی که نیروهایشان در ام‌الرصاص به محاصره درآمده بودند، اعلام کرد که به ام‌الرصاص نفوذ کرده‌اند!!

چند ساعت بعد، موقعی که نیروهایش در حال از بین رفتن بودند، اعلام کرد که اساساً عملیات انهدامی بوده است!!

## بررسی زمینه‌ها و دلایل تهاجمات تجاوزکارانه اخیر خمینی دجال در جبهه‌های جنگ و...

ضد مردمی است، برخلاف ایران و ایرانی است. در شرایطی که صلح عادلانه کاملاً در دسترس است و مقاومت ایران این را بخوبی اثبات کرده است. پس بر سربازهاست که از این جنگ و از جبهه‌هایش بگریزند. تن به خدمت اجباری ندهید. همه سلاح‌ها بایستی بسوی خمینی و ایادی سرکوبگر و جنگ‌افروز او برگردد. ترک جبهه‌های جنگ کار مشکلی نیست، کفایت اراده کنید. به خدمت اجباری تن ندهید. نگذارید فرزندان‌تان اینطور به تنور جنگ و قربانگاه جنگ خمینی فرستاده بشوند. این یک وظیفه‌ی مردمی و ملی و میهنی است. از هیچ کاری برای درهم‌شکستن بسیج جنگی خمینی فروگذار نکنید.

مسئله، مسئله‌ی ایران است و ایرانی، مسئله‌ی تاریخ ما است. و مسئله‌ی صلح و آزادی است. صلح در دسترس است، مقاومت ایران این را به اثبات رسانده است. اینرا امروز تمامی دنیا می‌دانند و بار دیگر در ملاقات من با رئیس‌جمهور عراق به اثبات رسید که صلح عادلانه کاملاً میسر است. و مدت‌ها است که تنها و تنها خمینی خواهان ادامه‌ی جنگ است. چرا؟ برای اینکه بدون جنگ و سرکوب حتی یک هفته و یک ماه هم در قدرت نماند. به این قدرت پلید و شیطانی نباید یاری رساند. خمینی جز ویرانی و مرگ و آوارگی و خرابی، برای ایران چه کرده است؟ تمامی دنیا بکرات شهادت

دادماند، که صلح و آزادی حق مردم ایران است. و حق مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران است و شهادت دادماند که مبارزه و مواجهه با این جنگ و سرکوب ضد بشری و در برابر این دیکتاتوری تروریستی حق مردم و مقاومت ایران است. بنابراین در یک کلام، درحالی‌که ارتجاع خمینی همچنان بی‌دریغ زوزه می‌کشد "جنگ، جنگ، جنگ، اختناق" ما بار دیگر تکرار می‌کنیم "صلح، صلح، آزادی." \*

خمینی داد. بنابراین یک‌چنین رژیم با یک‌چنین وضعیتی، در جنگی که ۵ سال در مرزها متوقف مانده، چشم‌اندازش مشخص است. تنها راه‌حلش سرنگونی این رژیم از طریق اعمال قهر و زور است. چرا؟ چون خود رژیم خمینی نیز به جنگ بعنوان اینکه به پیروزی نهایی برسد نگاه نمی‌کند. به این مفهوم که می‌داند اینطور به آن نمی‌رسد. ولی چاره‌ای هم جز ادامه‌ی آن ندارد. بخاطر اینکه اگر به جنگ ادامه ندهد سرکوبش را در جامعه نمی‌تواند توجیه کند. جواب مردم را بلحاظ اقتصادی نیز نمی‌تواند بدهد. تضادهای درونی‌اش را نمی‌تواند به آن مصادره کند و در منطقه هم نمی‌تواند ماجراجویی‌هایش را به پیش

اعتراف می‌کند که اصلاً عملیات کربلای پنج به این خاطر انجام شده که نشان داده شود، هنوز قدرتی دارد و هنوز بقایای دارد. سؤال: خوب توضیحات بسیار روشن‌گرانه‌ای بود. بعنوان آخرین سؤال می‌خواستم بپرسم که با وجود رژیم خمینی چه سرانجامی برای جنگ متصور است.

جواب: هر فردی که دستی در کار نظامی داشته باشد و یا بهتر بگویم هر کسی که اساساً با حداقل‌هایی از مسائل واقعی جنگ آشنا باشد، می‌تواند این مسئله را خوب ببیند و احساس کند که جنگی که بعد از هفت سال و بخصوص ۵ سال بعد از تجاوزات خمینی، هنوز در مرزها متوقف است و جلو نرفته، به این معنی است که راه‌حل نظامی ندارد. این

نیرویش را سروسامان بدهد. اما برای خمینی این فرصت باقی نمانده است. دیگر مثل چند سال قبل نیست که بتواند عوامفریبی‌هایش را ادامه بدهد و به نوعی از این شاخه به آن شاخه، روزگار بگذرانند. و دیدیم که یک روز و دو روز پس از شکستش، اوجگیری اعتراضات به چه انفجاری می‌انجامد. بنابراین دیگر مثل گذشته برای رژیم، راه برون‌رفت از مشکلاتش، صبر کردن و به زمان واگذار کردن نیست. یعنی دقیقاً شکست در جنگ، تضادهایش را اوج می‌دهد، اعتراضات را اوج می‌دهد، مقاومت عادلانه را اوج می‌دهد و خمینی را بیشتر افشا می‌کند. به همین

قاعداً وقتی که نیرویی شکست می‌خورد باید مدتی صبر کند تا نیروی از دست‌رفته‌اش را ترمیم کند، حداقل اینکه جمع‌بندی کند، تدارکاتش را تأمین کند و خلاصه نیرویش را سروسامان بدهد. اما برای خمینی این فرصت باقی نمانده است. دیگر مثل چند سال قبل نیست که بتواند عوامفریبی‌هایش را ادامه بدهد و به نوعی از این شاخه به آن شاخه، روزگار بگذرانند. و دیدیم که یک روز و دو روز پس از شکستش، اوجگیری اعتراضات به چه انفجاری می‌انجامد. بنابراین دیگر مثل گذشته برای رژیم، راه برون‌رفت از مشکلاتش، صبر کردن و به زمان واگذار کردن نیست. یعنی دقیقاً شکست در جنگ، تضادهایش را اوج می‌دهد، اعتراضات را اوج می‌دهد، مقاومت عادلانه را اوج می‌دهد و خمینی را بیشتر افشا می‌کند. به همین دلیل است که باز مجبور است به اینجای دیگر برای رژیم هدف مطرح نیست، هدف خود جنگ است. ادامه‌ی درگیری است. و به هر نحوی نشان دادن این وجه است که شکست اساسی نخورده است و به همین خاطر در روز ۱۹ دی (شروع عملیات ضد کربلای ۵) رژیم اعلام کرد که در پاسخگویی به تبلیغات سراسر کذب عراق که ما شکست خوردیم، حمله را شروع کرده‌ایم. یعنی دقیقاً هدفش را خودش اعلام می‌کند و دستش را رو می‌کند و اعتراف می‌کند که اصلاً عملیات کربلای پنج به این خاطر انجام شده که نشان داده شود، هنوز قدرتی دارد و هنوز بقایای دارد.

ببرد. بلکه اینها واقعیاتی است که رژیم خمینی با آنها مواجه است.

خوبست در انتهای صحبت‌م به پیام برادر مجاهد مسعود رجوی، رهبر انقلاب نوین مردم ایران که در رابطه با همین جنگ‌افروزی کربلای ۴ عنوان شد اشاره کنم آنجایی که می‌گوید:

«هموطنان حالا باید ببینیم چه باید کرد. این جنگ حرام است. این جنگ غیرعادلانه است، این جنگ ضدایرانی است،

یک واقعیت مسلم است. بن‌بست رژیم خمینی، بن‌بست مرکب‌ارش هم مثل روز روشن است. خودشان هم خیلی خوب می‌دانند. اعم از بن‌بست نیرویی‌اش که بحث کردیم، یا ریختن مشروعیتش، یا جنبش ضد جنگ و گسترش مقاومت مردمی و عادلانه‌ای که تحت رهبری برادر مجاهد مسعود رجوی دائماً رو به گسترش است. بلحاظ فرماندهی و طرح‌های احمقانه یا بهتر بگوئیم کشتارهای ضد بشری هم که باید مدال "به‌کشتن دادن نیرو" را به رژیم

دلیل است که باز مجبور است به جنگ بپردازد. اینجا دیگر برای رژیم هدف مطرح نیست، هدف خود جنگ است. ادامه‌ی درگیری است. و به هر نحوی نشان دادن این وجه است که شکست اساسی نخورده است و به همین خاطر در روز ۱۹ دی (شروع عملیات ضد کربلای ۵) رژیم اعلام کرد که در پاسخگویی به تبلیغات سراسر کذب عراق که ما شکست خوردیم، حمله را شروع کرده‌ایم. یعنی دقیقاً هدفش را خودش اعلام می‌کند و دستش را رو می‌کند و

## رسواترین در یوزگی و کرنش رژیم خمینی در برابر «شیطان بزرگ»

\* التماس‌های رفسنجانی به آمریکا برای کمک تسلیحاتی و مالی به رژیم محترض خمینی و "تمجید" او از "بصیرت و شجاعت ریگان"

اینطور افشا گردیده است. رادیوی خمینی چگونگی عجز و لایه‌ها و التماس‌دعاهای رفسنجانی در آخر خط رسوایی چپ‌نمایی‌ها و رجزخوانی‌های پوچ را چنین منعکس کرده است: "رفسنجانی در پاسخ به این سؤال خبرنگار آمریکایی که پرسید در زمینه‌هایی مانند تروریسم و گروه‌انگیزی افراد در سفارت آمریکا در ایران چه کاری می‌تواند بکند که عدم اعتماد مردم آمریکا بکلی مرتفع شود، اظهار داشت: «اینها را رسانه‌های جمعی شما در افکار عمومی القاء کرده‌اند هیچ کشوری به اندازه‌ی ایران از تروریسم خسارت ندیده است.» رفسنجانی با اشاره به منفجر کردن ساختمان نخست‌وزیری... انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی... و پناه دادن آمریکا به تروریست‌ها و عوامل ضدانقلاب و حمایت آمریکا از آنها گفت: آیا این انصاف است که می‌گویند ما تروریست هستیم و شما نیستید. چطور اگر یک آمریکایی را گروگان بگیرند، این یک عمل تروریستی است اما آنهایی که در رادیوی شما می‌آیند و صحبت می‌کنند و دهها ایرانی را شهید می‌کنند و بمب در نماز جمعه‌ی ما منفجر می‌کنند، تروریست نیستند؟ پس شما به مردمان توضیح بدهید!!"

ملاحظه می‌کنید که رفسنجانی در خلال جملات فوق کاملاً به آشکارترین بیان می‌گوید که خسارت اصلی خمینی از گجا است و چه چیز مرتجعین ضدخلقی را از هرگونه آینده بی‌بهره ساخته و اینچنین به سراشیب مرگ و سقوط انداخته است. همچنین اظهارات رفسنجانی بخوبی روشن می‌کند که رژیم خمینی در غرقاب هلاکت و رسوایی چه "التماس‌دعایی" دارد! و خواستار چه چیز است! اما واقعیت این است که کار دشمن ضدبشری از این مسائل گذشته و هیچ چیز نمی‌تواند مرگ و سقوط محتوم رژیم خمینی را چاره کند.

رفسنجانی در اظهاراتش به "تفرقه و سوءظن در داخل کشور" پس از برملا شدن افتضاحات پشت‌پرده نیز اشاره می‌کند و تلاش مذبوحانه‌ی بخرج می‌دهد تا بلکه دجال خون‌آشام جماران را قدری از گنداب این ماجرا فاصله بدهد. به این منظور ادعای مسخره‌ای را طرح می‌کند و می‌گوید: خمینی "عادت" ندارد که در کار مسئولین "دخالت" کند! آنهم در شرایطی که خود رفسنجانی بارها تصریح کرده که بی‌اجازه‌ی امام دجالش آب هم نمی‌خورد و در شرایطی که همگان دخالت مستقیم و گارگردانی دجال در جزء، جزء، تمام فضیحت‌ها و جنایات رژیمش را به عیان دیده‌اند.

ذیلاً شمای از گله‌گذاری‌ها، چشمک‌وچراغ‌ها و کرنش‌ها و التماس‌های زبونانه‌ی رفسنجانی در برابر آمریکا همراه با درخواست عاجزانه‌ی اعمال فشار بر مجاهدین و ارسال سلاح و کمک مالی به رژیم خمینی را ملاحظه می‌کنید. مواضعی که با وضوح تمام منتهای افلاس و درماندگی رژیم مرگ‌زده‌ی خمینی را اثبات می‌کند:

در آخرین روزهای هفته‌ی پیش رفسنجانی ملیجک وقیح و بدنام دربار خمینی دجال طی مصاحبه‌اش با شبکه‌ی تلویزیونی C. B. S که روز ۶/ بهمن از این شبکه و روز ۸/ بهمن از رادیو خمینی منتشر شد و همچنین طی مصاحبه‌ی مطبوعاتی‌اش در روز ۸/ بهمن در تهران، چنان به دم‌تکان دادن و کرنش و التماس در برابر شیطان بزرگ پرداخت که برآستی نقطه‌ای تازه‌ی در ماجرای رسوایی و فضیحت عالمگیر رژیم خمینی محسوب می‌شود. پیش از این نیز بدنبال شکست بزرگ و مفتضحانه‌ی رژیم در جلوگیری از برگزاری کنفرانس اسلامی در گویت و پس از اینکه اصرار رژیم بر ادامه‌ی جنگ از جانب کشورهای مختلف در سطح جهانی و منطقه‌ای، پی درپی محکوم گردید و پس از اینکه اتحاد شوروی از طریق انتشار یک بیانیه‌ی ویژه و از طریق موضعگیری‌های مختلف رسمی و مطبوعاتی و آمریکا هم بوسیله‌ی بیانیه‌ی رئیس‌جمهور این کشور، جنگ‌طلبی رژیم خمینی را محکوم کردند؛ رفسنجانی خائن در روز ۵/ بهمن در مجلس ارتجاع به گله‌گذاری‌های ذلیلانه‌ی در برابر آمریکا پرداخت. اما دم‌تکان دادن‌ها و کرنش‌های رفسنجانی در مصاحبه‌اش با C. B. S که رادیوی خمینی نیز آنرا منعکس کرد و همینطور مجیزگویی‌ها و التماس‌درخواست‌های او از آمریکا طی کنفرانس مطبوعاتی‌اش در تهران، ابعاد جدیدی از رسوایی و در عین حال درماندگی رژیم مرگ‌زده‌ی خمینی را آشکار کرد. ملیجک دربار خمینی که اینبار نیز همچون گذشته بدستور پیرگفتار جماران به صحنه آمده بود به صریح‌ترین صورت از جانب خمینی در برابر "شیطان بزرگ" به استغاثه و کرنش پرداخت. او در برابر خبرنگاران با لودگی و صراحت "بصیرت و شجاعت ریگان" را ستود و آنرا "تمجید" کرد و با ادب و التماس هر چه تمامتر، تقاضا نمود که "توجه بیشتری به منافع آمریکا" بشود و رابطه و "امداد" تسلیحاتی به رژیم محترض خمینی در برابر فشار افکار عمومی علیه کمک به یک رژیم تروریستی و قرون‌وسطایی خمینی قطع نگردد! او همچنین گفت که هنوز رابطه‌ها "قطع نشده" و "الان نیز قطعات برای ما می‌آید"

این مواضع و اظهارات که حاکی از منتهای استیصال و درماندگی و رسوایی رژیم خمینی است، بوضوح نشان می‌دهد که اعتلای مقاومت مسلحانه‌ی انقلابی و بالا گرفتن شعار صلح و نفرت از جنگ در میان مردم و نیز بحران فروپاشی درونی و شکست‌های مفتضحانه و مکرر رژیم در جبهه‌های جنگ ضدمیمنه‌ی، چگونه خمینی را در سراشیب تند سقوط و مرگ افکنده و به کرنش و التماس در برابر "شیطان بزرگ" واداشته است.

بخش‌هایی از اظهارات رفسنجانی که بخوبی گویای حقایق فوق‌الذکر است را در اینجا ملاحظه می‌کنید. هر چند که جا دارد در اینبار به تفصیل بیشتری سخن گفته شود و ضمناً روشن گردد که چرا و چگونه ماهیت دجالگری‌های "ضدامپریالیستی" و رجزخوانی‌های چپ‌نمایانه‌ی مرتجعین

است با رژیم‌ی که بر سر کار می‌آید مصالحه کند.

\* بخش فارسی رادیو آمریکا در تاریخ ۶/ بهمن با اشاره به گفته‌های رفسنجانی و ضمن مقایسه‌ی آن با ضدامپریالیست‌نمایی‌های غلاظ و شداد رژیم خمینی در گذشته، گفت: "وی در آنچه که یک جدایی غیرعادی از اظهارات گذشته‌اش تلقی می‌شود، حتی یگبار هم آمریکا را شیطان بزرگ توصیف نکرده و سخنی از استکبار جهانی به میان نیاورد."

برمی‌گردید این حرف را می‌زنید؟" وی در مورد هشدار آمریکا راجع به توسعه‌ی جنگ با لحن زبونانه‌ی گفت: "مگر ما می‌خواستیم جنگ را توسعه بدهیم؟! شما به کشورهای دوست خود در منطقه بگوئید که آنها خودشان را کنار بکشند اگر شریک جنگ نباشند، ما با آنها رفیقیم، با آنها روابط صمیمانه داریم، و با آنها می‌توانیم همکاری و برادری داشته باشیم." شایان ذکر است که چندی پیش نیز رفسنجانی جنایتکار گفته بود که اگر در عراق یک کودتای آمریکایی صورت بگیرد، رژیم خمینی حاضر

\* رفسنجانی جنایتکار بدنبال انتشار بیانیه‌ی رئیس‌جمهور آمریکا که طی آن سیاست جنگ‌طلبانه‌ی رژیم خمینی محکوم شده بود، روز یکشنبه ۵/ بهمن طی سخنانی در مجلس ضدمردمی ارتجاع ضمن چشمک‌وچراغ‌های فراوان، به گله‌گذاری از آمریکا پرداخت و گفت: "شما دیروز در حرف‌هایتان بطور صریح گفتید که ایران کشور مهمی است و مصلحت آمریکا ایجاب می‌کند با ایران رابطه داشته باشد، شما گفتید که اهمیت استراتژیک ایران را قبول دارید، شما گفتید که ایران حامی تروریسم نیست و امروز

## رسواترین در یوزگی

## و کرنش رژیم خمینی در برابر «شیطان بزرگ»

\* رادیو آمریکا - ۸/ بهمن/ ۶۵: "رئیس‌جمهوری آمریکا کمتر از یکساعت قبل نطق سنتی سالانه‌ی خود را درباره‌ی وضع عمومی کشور در برابر اجلاس مشترک کنگره ایراد کرد. وی در قسمتی از این نطق در سخنانی کوتاه مسئله‌ی ایران را مورد توجه قرار داد و گفت: اگر چه ما به پیشرفت‌های بزرگی نائل آمده‌ایم ولی در این میان من از یک جهت متأسفم، من در مورد اقدامان در ایران قبول مخاطره کردم ولی اقدام ما مثمر شمر نشد و برای همین است که من مسئولیت کامل آنرا می‌پذیرم. رئیس‌جمهوری آمریکا گفت: هدف‌های ما در اینباره هدف‌های ارزشمند بود. من فکر نمی‌کنم که با کشوری که اهمیت استراتژیکی دارد و یا برای هدف نجات جان انسان‌ها، ایجاد روابط عملی خطا بود و قدر مسلم این است که گوشش برای وصول آزادی هموطنان ما که در اسارت وحشیانه‌ای بودند، کاری خطا نبود ولی ما آنچه را که در طلب آن بودیم، بدست نیاوردیم و در انجام آنها در لغزش‌های سختی درگیر بودیم ما گوشش خواهیم کرد به گنه قضایا پی ببریم و در انجام آن هر اقدامی را که لازم باشد، انجام خواهیم داد... رئیس‌جمهوری آمریکا گفت: قدر مسلم این است که بُردو باخت قضایا بسیار سنگین است. انظار جهانیان متوجه ماست تا دریابید که آیا ایالات متحده می‌تواند با توجه به مصالح خویش به پیش برود و یا اجازه خواهد داد که تعصب و گروه‌گرایی پایه‌های کشور را تضعیف کند. وی گفت: جهان نباید در مورد سیاست آمریکا راه اشتباه بپیامد. ما هیچگاه دست روی دست نخواهیم گذارد تا نظاره‌گر مصالح و منافع خویش و یا مصالح و منافع دوستان آمریکا در خاورمیانه در معرض خطر باشیم و هیچگاه در برابر تهدید و ارباب تروریست‌ها تسلیم نخواهیم شد."

\* رادیو رژیم در تاریخ ۸/ بهمن گزارشی در مورد مصاحبه‌ی رفسنجانی، با تلویزیون C. B. S آمریکا که در تاریخ ۶/ بهمن توسط این شبکه‌ی تلویزیونی پخش شد، منتشر نمود. رادیو رژیم گفت که رفسنجانی در مصاحبه‌اش با CBS گفته است: "به ما اطلاع دادند که یک هیئت آمریکایی به ایران آمده است و آقای مک‌فارلن هم در رأس این هیئت است. در جریان صحبت‌هایی که ما موران امنیتی و یک نفر از افراد آگاه به امور سیاسی که بطور ناشناس در میان آنها بود، با مسئولان آمریکایی انجام داد به این نتیجه رسیدیم که حسن‌نیتی در کار نیست. از جمله ورود بدون اجازه‌ی این آقایان به ایران و اینکه دروغ گفتند و پل قطعاتی را که قرار بود، در هواپیمایی که اجازه‌ی فرود گرفته بود آورده بودند و جعل اسناد دولتی از جمله پاسپورت‌های

رفسنجانی گفت: ایشان عادت ندارند (!!) در کار مسئولین دخالت کنند لذا هر مسئولی کار خود را انجام می‌دهد و زمانی که ایشان تشخیص بدهند که گاری باید بهتر انجام شود، راهنمایی می‌کنند و ما اگر مشکلی در کارهایمان داشته باشیم به کمک ایشان آنرا برطرف خواهیم کرد.

خبرنگار آمریکایی پرسید: عکس‌العمل خمینی در مورد حوادث اخیر مربوط به آمریکا چه بوده است؟ آقای هاشمی‌رفسنجانی پاسخ داد: ایشان عکس‌العمل خاصی نداشتند ولی معمولاً نصیحت می‌کنند مواظب باشید که کلاه‌سرتان نرود.!!!

خبرگزاری رویترز ۸/ بهمن - "علی‌اکبر هاشمی‌رفسنجانی در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت که ریگان یک انجیل را به نشانه‌ی حسن‌نیت در اقدامات پشت‌پرده جهت بهبود روابط با تهران برای رهبران ایران فرستاده بوده است. هنگامی که او انجیل جلد قهوه‌ای را از جعبه‌اش خارج نمود، خبرنگاران برای بهتر دیدن آن بر روی صندلی‌ها بلند شدند. آنها سوره‌ای از انجیل درباره‌ی وحدت مذاهب را دیدند که بر روی یک صفحه‌ی سفید کتاب نقش شده و در زیر آن امضاء شده بود: «رونالد ریگان - ۳/ اکتبر/ ۱۹۸۶» هنگامی که رفسنجانی اولین بار خبر معامله‌ی مخفیانه‌ی اسلحه بین آمریکا و رژیم خمینی در سال گذشته را فاش نمود، وی گفت که یک انجیل نیز در میان هدایایی که از طرف ریگان بوسیله‌ی رابرت مک‌فارلن مشاور سابق شورای امنیت ملی آمریکا هنگام سفرش به تهران، همراه محموله‌های اسلحه بوده است و این اولین بار بود که هدیه‌ی مزبور بطور عام نشان داده می‌شد...

رفسنجانی امروز گفت که مذاکرات خرید اسلحه از آمریکا قطع شده اما ایران هنوز آماده‌ی خریداری اسلحه از واشنگتن می‌باشد...

رفسنجانی گفت که آخرین تماس ایران با مقامات آمریکایی حدود یکماه قبل در فرانکفورت صورت گرفته است و در این مذاکرات فردی بنام "دون بار" با طرحی از طرف وزارت امور خارجه‌ی آمریکا همراه با افرادی که طبق معمول حضور دارند، شرکت داشت.

رفسنجانی گفت که ایران گوشش نکرده که قسمت اعظم سیستم تسلیحاتی خود را که آمریکایی است طی جنگ با عراق تعویض نماید. زیرا اینکار خیلی پرخرج بوده و هیچ کشوری وجود ندارد که تمایل داشته باشد به ایران سلاح‌های مدرن بفروشد...

رفسنجانی ریگان را بخاطر بصیرتش در اینکه گفته است سازش با ایران از منافع جهانی آمریکا است، مورد تمجید قرار داد. اما رفسنجانی گفت که ریگان از خود ضعف نشان داده و در مقابل فشار مخالفان داخلی خود تسلیم شده است. رفسنجانی افزود که ریگان با علم به این موضوع که دیگر انتخاب نخواهد شد باید شجاعت بیشتری از خود نشان می‌داد و توجه بیشتری به منافع آمریکا می‌نموده

دولت ایرلند و اینکه با خودشان پیام آقای ریگان را برای سران کشور ما آورده بودند، سوءظن ما را بیشتر تحریک کرد. مخصوصاً سلاح‌های کمتری را که باصطلاح هدیه آورده بودند از جمله عواملی بود که بوی یک نوع توطئه را می‌داد. در عین حال در موقعی که آنها اینجا بودند، هیئتی را به لبنان فرستادیم و ما مورین ما موفق شدند با پیدا کردن سرنخی خواسته‌های گروه‌انگیزهای لبنان را برای آنها مطرح کنند و بعد دیدیم که مسئولان آمریکایی به خواسته‌های گروه‌انگیزهای لبنان ترتیب‌آوری نمی‌دهند. آنها حتی در مذاکرات خود به دروغ اظهار داشتند که یک‌چند لشکر شوروی در مرزهای شمالی ما آماده‌اند که بزودی به ایران حمله کنند. ما حق داشتیم که این هیئت را بازداشت کنیم. آنها گفتند که سلاح‌هایی که آمریکا به ما داده قسمتی از آنها برای تحویل به افغانستان بوده است و اظهار داشتند که آنها برای برقراری تماس با میانه‌روهای ایران این اقدام را انجام دادند. و هدف آنها از گفتن دروغ به این بزرگی ایجاد تفرقه و سوءظن در داخل کشور ما بود. وزیر دفاع آمریکا گفت: ما موثک‌های تاو را به سازمان سیا ارزان فروختیم و سیا از طریق دلال‌ها به ایران گران فروخته است و واقعاً معلوم نیست که در آمریکا چه کسی سوءاستفاده کرده و این سود چه مقدار بوده است. کل معامله‌ی انجام‌شده در این قسمت مجموعاً کمتر از ۴۰ میلیون دلار بود که حدود ۳۰ میلیون دلار از ما گرفتند... آخرین دروغی که مسئولان آمریکایی گفتند دروغ آقای شولتز وزیر امور خارجه‌ی آمریکا بود که دو روز پیش ادعا کرد که بعد از فاش شدن قضیه بین مقامات کاخ سفید و ما موران ما مذاکرات ادامه داشته و وزارت خارجه‌ی آمریکا آنرا قطع کرده است. در صورتیکه آقای شولتز شخصی را بنام "دان بار" فرستاده بود که با ما موران خرید ما با همان دلال‌ها مذاکره کند... ما نوار ایشان را هم داریم که در خارج با ما موران خرید اسلحه ملاقات کرده‌اند و می‌خواستند دو سه طرح برای ادامه‌ی مذاکرات ارائه دهند که ما نپذیرفتیم و گفتیم به آنها بگویند حرف ما روشن است. شما بعنوان حسن‌نیت: اموال ما را آزاد کنید ما هم تلاش می‌کنیم در لبنان به شما کمک کنیم."

رادیو رژیم خمینی گفت که رفسنجانی در پاسخ به سؤالی راجع به ادامه‌ی روابط پنهانی رژیم با آمریکا طی مصاحبه‌اش با C. B. S گفته است: "ما مورین خرید اسلحه از طریق همان دلال‌ها تماس داشته‌اند و فکر می‌کنم هنوز هم این تماس قطع نشده باشد بطوریکه الان نیز قطعات برای ما می‌آید.!!" رادیو رژیم در ادامه‌ی گزارش مصاحبه‌ی رفسنجانی افزود: "خبرنگار آمریکایی پرسید: خمینی تا چه حد در تصمیم‌گیری‌ها دخالت دارند.

## آدرس های ارتباطی انجمن ها و واحدهای هوادار مجاهدین

| نام کشور<br>نام شهر  | تلفن روابط عمومی انجمن |                | نام شهر  |
|--|------------------------|----------------|----------|
|  | شماره تلفن             | کد شهر کد کشور |          |
| فرانسه -<br>پاریس  | ۲۳                     | ۱              | ۴۸۴۱۲۶۷۹ |
| A.E.M<br>B.P 49 - 75462<br>Paris - Cedex 10<br>France                |                        |                |          |
| انگلستان -<br>لندن   | ۴۴                     | ۱              | ۲۰۳۵۸۵۵  |
| BM BOX 9270<br>London WC1N 3XX<br>England                            |                        |                |          |
| سوئد -<br>استکهلم  | ۴۶                     | ۸              | ۷۶۰۷۹۸۵  |
| M.S.F<br>BOX 7041<br>16307 Spanga<br>Sweden                          |                        |                |          |
| آمریکا -<br>واشنگتن .دی .سی  | ۱                      | ۷۰۳            | ۸۲۳۰۴۳۰  |
| M.I.S.S<br>P.O. BOX 57245<br>Washington, D.C<br>20037<br>U.S.A       |                        |                |          |
| آمریکا -<br>لس آنجلس   | ۱                      | ۲۱۳            | ۸۳۹۸۳۹۵  |
| M.I.S.S<br>P.O. BOX 4549<br>Culver City, CA.<br>90231<br>U.S.A       |                        |                |          |
| آلمان -<br>کلن   | ۴۹                     | ۲۲۱            | ۲۴۲۸۰۵   |
| M.S.V<br>Postfach: 420531<br>5000 KOLN 41<br>West - Germany          |                        |                |          |
| کانادا -<br>تورنتو   | ۱                      | ۴۱۶            | ۷۶۳۰۴۷۲  |
| M.I.S.S<br>719 Yongest Suite<br>205 Toronto,<br>ONT M4Y2B5<br>Canada |                        |                |          |
| عراق -<br>بغداد  | ۱                      | ۹۶۴            | ۷۱۸۳۰۳۳  |
| صندوق البرید ۱۲۰   |                        |                |          |
| پاکستان -<br>کراچی   | ۹۲                     | ۲۲۱            | ۴۶۴۱۶۱   |
| ROOM NO 20<br>BLOCK 4 -<br>EQBAL HOSTEL<br>UNIVERSITY<br>OF KARACHI  |                        |                |          |
| P.O. BOX NO. 132<br>G.P.O - KARACHI 1                                | -                      | -              | -        |

کمک های مالی خود را به یکی از حساب های زیر واریز نموده  
و حواله های آنرا به یکی از آدرس های مقابل ارسال دارید:

Midland Bank plc  
281 Chiswick High Road  
London W4 4HJ England  
A-Khodabandeh N. 91082078

انگلستان

BANK SOCIETE GENERAL  
No: 50114313 Mr. SAHELI MORAD  
AX. TRINITE PARIS FRANCE

از خارج فرانسه

B.N.P. PONTOISE 1269652

در داخل فرانسه

احسان نراقی قلم بمزد در خیمان خمینی

و مزدور ساوالک شاه

در صفحه ۱۶

## اخبار... و رویدادهای سیاسی

\* رادیو مسکو طی تفسیری گفت: اتحاد شوروی بر ضرورت جلوگیری از گسترش جنگ و پیدا کردن راه حل مسالمت آمیز برای آن تاکید دارد.  
\* رئیس جمهور آمریکا با صدور بیانیه ای خواهان پایان جنگ و حل مسالمت آمیز آن از طریق گفتگو و مذاکرات صلح گردید.  
\* هفته نامه ی عربی اخبار السبوع نوشت: ایران در دهانه ی آتشفشان قرار گرفته و مردم ایران در انتظار فرصتی برای برپایی قیام انقلابی علیه رژیم حاکم می باشند.  
\* رژیم جنگ افروز و ضد مردمی خمینی، تمامی بنیاد چپاول و غارت مستضعفان را که بزرگترین مجموعه ی ثروت و امکانات کشور را در بر می گیرد، رسماً در خدمت جنگ ضد میهنی خود قرار داد.  
\* وزارت ساواک خمینی در ادامه ی تشدید جریان فروپاشی درونی رژیم و بمنظور فشار بیشتر به منتظری سید هادی هاشمی داماد و رئیس دفتر او را مجدداً دستگیر کرد.

(در صفحات ۲۰ تا ۲۶)

### رسواترین در یوزگی و کرنش رژیم خمینی

#### در برابر «شیطان بزرگ»

التماس های رفسنجانی به آمریکا برای کمک تسلیحاتی و مالی  
به رژیم محتضر خمینی و "تمجید" او از "بصیرت و شجاعت ریگان"

در صفحه ۴۲

### مصاحبه «سیمای مقاومت»

#### با برادر مجاهد سرهنگ خلبان بهزاد معزی

در صفحه ۸

کنفرانس مطبوعاتی  
مجاهدین خلق ایران  
در شهر بوستون  
آمریکا

در صفحه ۲۸

صدور ضروری ترین  
کالاهای مایحتاج مردم  
برای تأمین هزینه های  
جنگ و سرکوب

در صفحه ۱۹

### سه سر و ده از کمال رفعت صفائی

در صفحه ۲۷

تلاش رهبری حزب دمکرات  
برای توجیه مذاکره جویی با دشمن ضد بشری

در صفحه ۱۳